

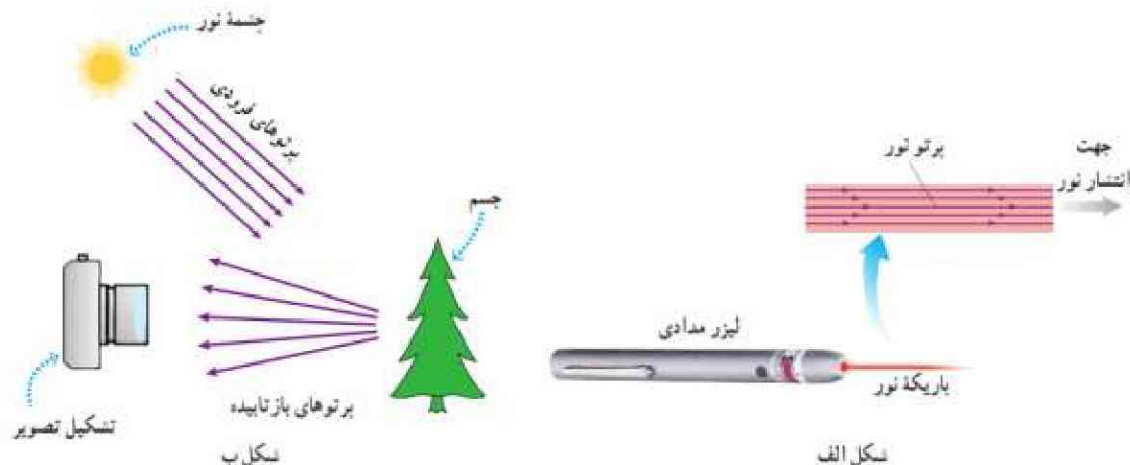


فهرست دیگری از کاربردهای فیزیک در فناوری تهیه کنید که نقش مهمی در زندگی ما دارند.

اکنون بسیاری از موضوع ها و مباحث فیزیک پیامدهای کاربردی داشته و عملاً در فناوری ها موثر بوده است. فناوری های ارتباطات، فناوری های حمل و نقل (خشکی، دریایی، هوایی و فضایی)، فناوری های تولید (کشاورزی - صنعتی)، فناوری های استخراج انواع معادن و فناوری های ساختمان و انواع ماشین ها و فناوری های آموزشی وابسته به دانش مکانیک، الکتریسیته، الکترومغناطیس، ترمودینامیک، فیزیک هسته ای، نورشناسی، فیزیک بهداشت، فیزیک پزشکی و ... است.



شکل الف براساس آنچه در علوم سال هشتم در زمینه نورشناسی خواندید آمده است. اجزای این شکل را توضیح دهید و بگویید که در آن، چه چیزی مدل سازی شده است. این مدل سازی چگونه در تشکیل تصویر در یک دوربین عکاسی به کار رفته است. (شکل ب)؟



با وجود آنکه می دانیم پرتوهای نور به صورت موج هستند، در شکل (الف) پرتوهای نور به صورت باریکه نور در لیزر مدادی مدل سازی شده اند.

در شکل (ب) نور خورشید به صورت پرتوهایی موازی مدلسازی شده اند. این پرتوها که به صورت مستقیم حرکت می کنند، پس از برخورد به جسم به صورت واگرا بازتابش می شوند. عدسی دوربین، این پرتوهای واگرا را جمع و بر روی فیلم عکاسی منتقل می کند.



اگر مطابق شکل روبه رو، یکای طول را به صورت فاصله نوک بینی تا نوک انگشتان دست کشیده شده بگیریم، چه مزایا و چه معایبی دارد؟

مزایا: دسترسی به آن در همه جا امکان پذیر است.

معایب: مقدار این یکا ثابت نیست و از فردی به فرد دیگر تغییر می کند.





ذرع و فرسنگ از جمله یکاهای قدیمی ایرانی برای طول است. هر ذرع ۱۰۴ سانتی متر و هر فرسنگ ۶۰۰۰ ذرع است. قشم، بزرگ‌ترین جزیرهٔ خلیج فارس است که مساحت آن از بیش از بیست کشور جهان بزرگ تر است. طول این جزیره حدود ۱۲۰ کیلومتر برآورد شده است. این طول را بر حسب ذرع و فرسنگ بیان کنید.

$$\text{طول جزیره به متر و سانتی‌متر برابر است با: } 120000 \text{ m} \times 100 = 12000000 \text{ cm} \quad \text{و} \quad 120 \text{ km} \times 1000 = 120000 \text{ m}$$

$$\text{فرسنگ } 12000000 \text{ cm} \div 104 = 115384 / 615 \quad \text{و} \quad 12000000 \text{ cm} \div 6000 = 19 / 231$$



الف) یکای نجومی برابر میانگین فاصلهٔ زمین تا خورشید است ($1 \text{ AU} \approx 1.5 \times 10^{11} \text{ m}$). فاصلهٔ زمین (منظومهٔ شمسی) تا نزدیک‌ترین ستاره بعد از خورشید، بر حسب یکای نجومی چقدر است؟

مطابق جدول ۳-۱ فاصله منظومه شمسی تا نزدیک‌ترین ستاره $4 \times 10^{16} \text{ m}$ است. فاصله منظومه شمسی تا نزدیک‌ترین ستاره برابر

$$\text{است با: } \frac{4 \times 10^{16}}{1.5 \times 10^{11}} \approx 2.6 \times 10^5 \text{ AU}$$

ب) مسافتی را که نور در مدت یک سال در خلأ می‌پیماید یک سال نوری می‌نامند و آن را با نماد ly نمایش می‌دهند. کوازارها دورترین اجرام شناخته شده از منظومهٔ شمسی هستند و به عبارتی در دورترین محل قابل مشاهدهٔ کیهان قرار دارند. فاصلهٔ کوازارها از منظومهٔ شمسی $1.0 \times 10^{26} \text{ m}$ متر برآورد شده است. این فاصله را بر حسب سال نوری بیان کنید. تندی نور را در خلأ $3.0 \times 10^8 \text{ m/s}$ متر بر ثانیه بگیرید.

$$\text{مطابق جدول ۳-۱ یک سال نوری برابر } 9 \times 10^{15} \text{ m} \text{ است، پس داریم: } 1 \text{ ly} = 9 \times 10^{15} \text{ m} \rightarrow \frac{1 \times 10^{26}}{9 \times 10^{15}} = \frac{1}{9} \times 10^{11} = 0.1 \times 10^{11} \text{ ly}$$



خروار، من تبریز، سیر، مثقال، نخود و گندم از جمله یکاهای قدیمی ایرانی برای اندازه‌گیری جرم است. این یکاها به صورت زیر به یکدیگر مرتبط اند:

$$1 \text{ خروار} = 100 \text{ من تبریز} \quad 1 \text{ من تبریز} = 40 \text{ سیر} = 640 \text{ مثقال} \quad 1 \text{ مثقال} = 24 \text{ نخود} = 96 \text{ گندم}$$

با توجه به اینکه هر مثقال معادل $4/86$ گرم است، هر کدام از این یکاها را بر حسب گرم و کیلوگرم بیان کنید.

$$1 \text{ مثقال} = 4 / 86 \text{ g} = 4 / 86 \times 10^{-3} \text{ kg}$$

$$1 \text{ گندم} = \frac{1}{96} \times 4 / 86 \approx 0.05 \text{ g} = 0.05 \times 10^{-3} \text{ kg}$$

$$1 \text{ نخود} = \frac{1}{24} \times 4 / 86 \approx 0.02 \text{ g} = 0.02 \times 10^{-3} \text{ kg}$$

$$1 \text{ سیر} = \frac{640}{40} = 16 \times 4 / 86 \approx 77 / 8 \text{ g} = 77 / 8 \times 10^{-3} \text{ kg}$$

$$1 \text{ من} = 640 \times 4 / 86 \sim 3110 / 4 \text{ g} = 3110 / 4 \times 10^{-3} \text{ kg}$$

$$1 \text{ خروار} = 100 \times 3110 / 4 \text{ g} = 311040 \text{ g} = 311040 \times 10^{-3} = 311 / 10 \text{ kg}$$



در خصوص چگونگی اندازه گیری زمان از دوران باستان تا عصر حاضر مطالبی را به طور مستند تهیه کنید.

مطالب تهیه شده را با توجه به مهارت و علاقه مندی افراد گروه خود، به یکی از شکل‌های روزنامه دیواری، پاورپوینت، قطعه فیلم کوتاه و... به کلاس درس ارائه دهید.

یکی از اولین ابزارهای سنجش زمان ساعت آبی بوده است که احتمال داده می‌شود در ایران اختراع شده باشد. از حدود ۴ هزار سال قبل نشانه‌هایی از سنجش زمان مشاهده شده است. در مصر - ایران - عراق - هندو تمدنهای قدیم ابزارهایی پیدا شده که باستان شناسان می‌گویند برای سنجش زمان بوده است. امروزه دستگاه سنجش زمان را ساعت می‌گویند که مهمترین ابزار برای اندازه گیری زمان است. ساعت با فرم نوینش (۲۴ ساعتی) از قرن پانزدهم رایج شد و در یک قرن گذشته رواج عمومی پیدا کرده است.

حدود شش قرن قبل از میلاد، بابلی‌ها «در عصر امپراطوری دوم» چند مورد ابداعی از خود بجای گذاشته‌اند که امروزه نیز مورد استفاده کلیه کشورهاست. مرسوم داشتن هفت روز هفته و تعیین عدد پایه ۶۰ برای ساعت، احتمالاً از یادگارهای تمدن میان رودان (بابلی) است. آنها باور داشتند که عدد ۶۰ به اعداد ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۳۰ قابل تقسیم است. لذا، این عدد را پایه در نظر گرفته و مبنای تقسیم بندی ساعت قرار دادند. همچنین تقسیم بندی دایره به ۳۶۰ درجه «مضربی از ۶۰» از کارهای بابلی‌ها می‌باشد.

استفاده از خورشید و آب یکی از ابزارهای قدیمی سنجش زمان بوده است. انسانهای نخستین از سایه خورشید، با استفاده از ستون‌ها و یا دیواره‌ها، زمان را تعیین می‌کردند بعدها ساعت آبی اختراع شده است که در ایران به آن پنگان و یا فنجان می‌گویند.

ساعت آفتابی

را بعضی از پژوهشگران بنایی برای تعیین و سنجش زمان با کمک خورشید و مهتاب می‌دانند. تا امروز حدس کعبه زرتشت می‌زدند کاربرد این بنا، محل نگهداری کتاب اوستا و اسناد حکومتی یا محل گنجینه دربار و یا آتشکده معبد بوده است. اما غیاث این بنا با مقایسه با تمامی بناهای گاهشماری (تقویم) آفتابی در سرتاسر جهان، پیشرفته [۳]. آبادی با تحقیقات خود مدعی است این در حالی است که تا قبل از این بنا هم «چارطاقی» ها در نقاط. ترین، دقیقترین، و بهترین بنای گاهشماری آفتابی جهان است. مختلف ایران احداث شده بودند و همین وظیفه را با شیوهای بسیار ساده اما دقیق و حرفه‌ای بر عهده داشتند.



تمامی بناهای گاهشماری آفتابی در جهان فقط می‌توانند روزهای خاصی از سال (مانند روزهای سرفصل) را مشخص کنند و حتی با سال خورشیدی هم تنظیم نیستند. اما این بنا با دقت و علمی که در ساخت آن اجرا شده، قادر است بسیاری از جزئیات روزهای

مختلف سال و ماهها را مشخص کند. زرتشتیان با استفاده از این ابزار می‌توانستند بسیاری از مناسبتها و جشنهای سال را روز به روز دنبال کنند و از زمان دقیق آنها آگاه شوند. بسیاری از بناهای چارطاقی در سطح کشور (به تصور آتشکده) یا به طور کامل تخریب شده و یا تغییر کاربری داده شده است. ولی خوشبختانه تعدادی هم مانند چارطاقی «نیاسر» و چارطاقی «تفرش»، سالم مانده و برای ما و نسلهای بعدی باقی مانده اند. در ساعت خورشیدی، یا اسطرلاب (استاریاب) که از دوره صفوی در ایران رایج بوده است، میله‌ای عمودی بر سطح افقی نصب میشده است با اندازه گیری سایه آن میله، زمان معلوم میگرددیده است. اینگونه ساعتها در دربار شاهان و در مکانهای مذهبی استفاده می شده و نیاز به مدیریت انسان نداشته است. اما کاربرد آن فقط برای روزهای آفتابی و با مناسبت‌های خاص بوده است. در ایران ساعت آفتابی معمولاً همراه با اسطرلاب بوده و بعضی اسطرلابها دارای میله‌ای برای تعیین ظهر شرعی داشته‌اند.

ساعت شنی

از دو حباب شیشه‌ای چسبیده به هم تشکیل میشده که میان آن، سوراخ باریکی برای رد شدن شن یا ماسه تعبیه می‌کردند، تا شنها بتدریج از حباب بالا به حباب پایین جمع شود. بعد ظرف را وارونه می‌کردند و همان عمل تکرار می‌شد. با معلوم شدن تعداد دفعات جابجا شده شن‌ها در حبابها، حدود تقریبی زمان مشخص می‌گردید. کاربرد این ساعت نیز محدود بوده و بیشتر برای تعیین زمان اقرار کردن و یا قسم خوردن و یا برای داوران در مسابقات و یا در زمان اجرای اعدام استفاده می شده است. این ابزار بیشتر در روم رایج بوده است.



ساعت آبی

بوده است که بر اساس دو ظرف و ساعت آبی انواعی داشته اما ساده ترین و دقیق ترین آن ساعت آبی ایرانی پنگان یا فنگان دستکم یک محاسبه گر دایمی انسانی قرار داشته است.



کالیستنس مورخ یونانی کاربرد فنجان در ایران را مشاهده کرده است. او که در لشکرکشی اسکندر مقدونی به ایران همراه او بود در یادداشتی نوشته است: در اینجا (ایران)، در دهکده‌ها که آب را برحسب نوبت به کشاورزان برای آبیاری می دهند، یک فرد از میان آنان (کشاورزان) انتخاب می شود تا بر زمان نوبت (و تقسیم زمانی سهام) نظارت داشته باشد. این فرد در کنار مجرای اصلی آب و محل انشعاب آن میان کشاورزان، بر سکویی می نشیند و ظرفی فلزی را که سوراخ بسیار ریزی در آن تعبیه شده است در ظرفی بزرگتر و پر از آب قرار می دهد که پس از پر شدن ظرف کوچک (یک بار و یا چند بار) که به آهستگی و طبق محاسبه قبلی ابعاد سوراخ آن صورت می گیرد، آب را قطع و آن را به جوی کشاورز دیگر باز می کند و این کار دائمی است و این وسیله عدالت را برقرار کرده و از نزاع کشاورزان بر سر آب مانع می شود

ساعت آبی ایرانی ابزاری ساده و در عین حال بسیار دقیق، کارآمد و همیشگی بوده و در زندگی کشاورزی جامعه ایران بویژه در مناطق کویری که آب مایه حیات و عنصر اصلی زندگی اجتماعی بوده ضروری و نقش کارآمدی داشته است. در هیچ جای جهان ساعت آبی به اندازه ایران کارآمد و تاثیر گذار و مستمر نبوده است این ساعت حتی در زمانی که ساعت‌های نوین به بازار آمده بود با آنها رقابت می کرد و کشاورزان حاضر به کنار گذاشتن آن و استفاده از ساعت‌های نوین و جدید نبودند.

بر اساس بررسی‌های اولیه ساعتی آبی در ایران دست کم ثبت مکتوب و کاربرد ۲۴۰۰ ساله دارد.

ساعت های نوین

با پیشرفت علم و دانش بشری، بتدریج ساعت‌های دقیق تر مکانیکی، وزنه‌ای، فنردار، برقی، باتری دار و کامپیوتری جای ساعت‌های آبی، آفتابی و ماسه‌ای را گرفتند. مخصوصاً از زمان استفاده انسان از فنر جهت راه انداختن چرخ‌های دندانه دار، که به ساعت شمار و دقیقه و حتی ثانیه شمار متصل هستند، سنجش دقیق زمان برای همه بطور ساده امکان پذیر گردید. در اوایل قرن شانزدهم اولین ساعت مچی آهنی، که نسبتاً زمخت بوده، توسط یکنفر آلمانی ساخته شد. بعدها اواخر قرن هجدهم با استفاده از فنر و چرخ دندانه‌های بسیار کوچک، امکان ساختن ساعت‌های مچی ظریف بوجود آمد، اولین ساعت‌های مچی شبیه ساعت‌های امروزی، در کشور سوئیس «از سالهای ۱۷۹۰ به بعد» ساخته شد. و بانگارش اعداد انگلیسی دقیقتر گردید.

نصب گردید در فرانسه بین سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۸۶۸ بزرگترین، حجیم ترین و جسیم ترین ساعت دیواری جهان، در کلیسای سن پیر ارتفاع ساعت ۱۲/۱ متر عرض آن ۶/۰۹ متر و ضخامتش ۲/۷ متر بوده که از ۹۰۰۰۰ قطعه تشکیل یافته. در مقابل بزرگترین ساعت، قطر دارد. تکنولوژی امروزی، انسان را قادر ساخته ساعت‌های بسیار ظریف و دقیق ظریف ترین ساعت دنیا فقط ۰/۹۸ میلی متر مکانیکی و تمام الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.



دقیق ترین ساعت دنیا

دانشمندان دانشگاه کلرادو ساعتی ساختند که دقت آن هر ۵ میلیارد سال یک ثانیه است بدین معنی که ممکن است هر ۵ میلیارد سال یک بار ۱ ثانیه خطا داشته باشد.

صفحه ۱۱

تمرین ۲-۱



در فیزیک، تغییر هر کمیت را نسبت به زمان، معمولاً آهنگ آن کمیت می‌نامیم. از شلنگ شکل روبه رو، آب با آهنگ $125 \text{ cm}^3 / \text{s}$ خارج می‌شود. این آهنگ را به روش تبدیل زنجیره ای، برحسب یکای لیتر بر دقیقه (L / min) بنویسید. (هر لیتر معادل 1000 سانتی‌متر مکعب است.)

$$125 \frac{\text{cm}^3}{\text{s}} = (125 \frac{\text{cm}^3}{\text{s}})(1)(1) = (125 \frac{\text{cm}^3}{\text{s}})(\frac{60}{1 \text{ min}})(\frac{1 \text{ L}}{1000 \text{ cm}^3}) = 7.5 \frac{\text{L}}{\text{min}}$$

صفحه ۱۲

پرسش ۳-۱



کدام گزینه جرم یک زنبور عسل (0.00015 kg) را به صورت نماد گذاری علمی درست بیان می‌کند؟

$15 \times 10^{-5} \text{ kg}$ ☐

$1.5 \times 10^{-4} \text{ kg}$ ☒

$0.15 \times 10^{-3} \text{ kg}$ ☐

صفحه ۱۳

تمرین ۳-۱

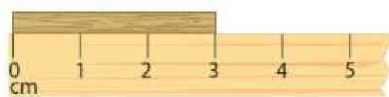


با توجه به پیشوندهای یکاهای SI و نمادگذاری علمی جدول زیر را کامل کنید.

	قطر میانگین یک گلبول (گویچه) قرمز	$7.0 \times 10^{-6} \text{ m}$	$7.0 \times 10^{-3} \text{ mm}$	$7 \mu\text{m}$
	قطر هسته اتم اورانیوم	$1.75 \times 10^{-14} \text{ m}$	$1.75 \times 10^{-2} \text{ pm}$	17.5 fm
	جرم یک گیره کاغذ	$1.0 \times 10^{-4} \text{ kg}$	$1.0 \times 10^{-1} \text{ g}$	100 mg
	زمانی که نور مسافت $3/0$ متر را در هوا طی می‌کند.	$1.0 \times 10^{-9} \text{ s}$	$1.0 \times 10^{-3} \mu\text{s}$	1 ns
	زمانی که صوت مسافت $35/0$ متر را در هوا طی می‌کند.	$1.0 \times 10^{-3} \text{ s}$	1 ms	$1000 \mu\text{s}$



۱- در هر یک از شکل های (الف) تا (پ)، طول جسم را چقدر گزارش می کنید؟ در گزارش خود، هم عدد غیرقطعی و هم خطای وسیله را مشخص کنید.



(پ)



(ب)



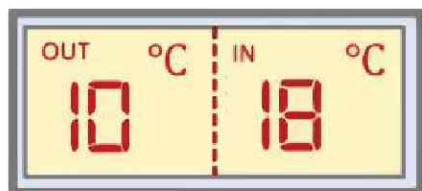
(الف)

(الف) طول جسم $4.0 \text{ cm} \pm 0.5 \text{ cm}$ که در آن رقم غیر قطعی ۵ است و خطای وسیله $0.5 \text{ cm} \pm 0$ است.

(ب) طول جسم $4.5 \text{ mm} \pm 0.5 \text{ mm}$ که در آن رقم غیر قطعی ۷ است و خطای وسیله $0.5 \text{ mm} \pm 0$ است.

(پ) طول جسم $3.0 \text{ cm} \pm 0.5 \text{ cm}$ که در آن رقم غیر قطعی ۰ است و خطای وسیله $0.5 \text{ cm} \pm 0$ است.

۲- شکل روبه رو یک دماسنج رقمی را نشان می دهد که دمای خارج و داخل گلخانه ای را به ترتیب 10°C و 18°C می خواند. عدد غیر قطعی و خطای دماسنج را مشخص کنید.



دمای داخل عدد غیر قطعی ۸ و خطای دماسنج $\pm 1^\circ \text{C}$

دمای خارج عدد غیر قطعی صفر و خطای دماسنج $\pm 1^\circ \text{C}$

۳- نتیجه اندازه گیری توسط دماسنج شکل ۱-۱۲ را به همراه خطای آن بنویسید.

$$27^\circ \text{C} \pm 5^\circ \text{C}$$



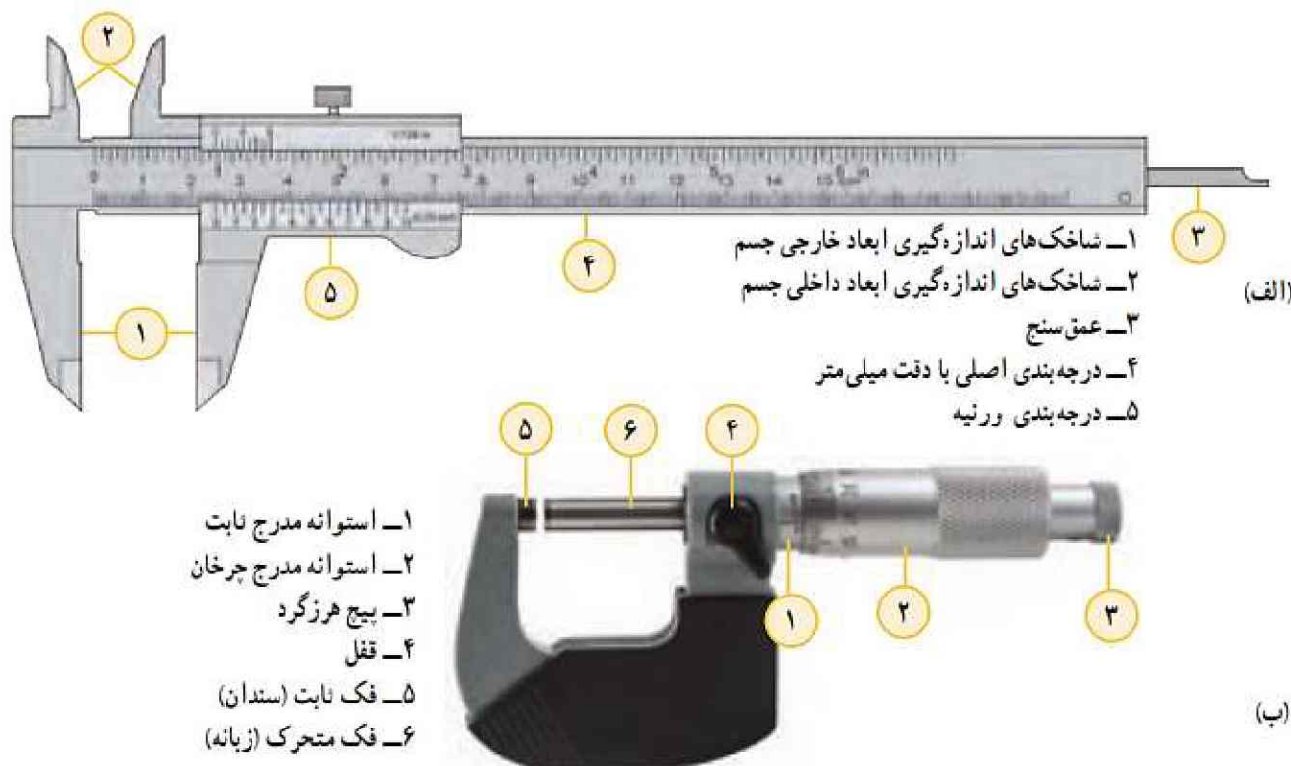
در بسیاری از کارگاه های صنعتی مانند تراشکاری ها، اندازه گیری طول با ابزارهای دقیق تر از خط کش میلی متری انجام می شود. این ابزارها، کولیس و ریزسنج نام دارند که اجزای اصلی آنها در شکل های الف و ب نشان داده شده است. اگر کمینه تقسیم بندی یک کولیس 0.1 mm باشد در این صورت نتیجه نهایی یک اندازه گیری نوعی با این کولیس، به صورت $5.60 \text{ mm} \pm 0.05 \text{ mm}$ بیان می شود.

اگر کمینه تقسیم بندی کولیس 0.05 mm باشد (شکل الف) در این صورت خطای اندازه گیری توسط این کولیس $0.025 \text{ mm} \pm 0$

است که باید به صورت $0.3 \text{ mm} \pm 0.03 \text{ mm}$ گرد شود. به این ترتیب نتیجه یک اندازه گیری نوعی با این کولیس، به صورت

$0.3 \text{ mm} \pm 0.03 \text{ mm}$ بیان می شود. همچنین کمینه تقسیم بندی ریزسنج هایی که در اغلب آزمایشگاه ها وجود دارد 0.1 mm

است (شکل ب) و نتیجه نهایی یک اندازه گیری نوعی را می توان به صورت $1.638 \text{ mm} \pm 0.05 \text{ mm}$ ثبت و گزارش کرد. در گروه خود چند جسم متفاوت انتخاب کنید. ابعاد مختلف این اجسام را به کمک کولیس و ریزسنج اندازه گیری کنید.



شرح کار با کولیس: (اطلاعات کامل تر را در لینک زیر ببینید)

<http://gama.ir/learnfiles/detail/۱۶۴۷>

جسمی را که منظور تعیین طول یا قطر خارجی آن است در بین شاخک های ثابت و متحرک بزرگ قرار می دهند بطوری که هر دو شاخک با بدنه جسم تماس داشته باشند سپس به کمک ورنیه و خط کش اندازه طول یا قطر گلوله را تعیین می کنند. درجات را از روی خط کش (عددی که صفر ورنیه در مقابل آن قرار دارد و یا از آن گذشته است) و کسر درجات را از روی ورنیه می خوانند برای کسر درجات از درجات ورنیه را پیدا می کنند که درست در برابر یکی از درجات خط کش قرار گرفته است. به عنوان مثال ضخامت برخی از مواد که به کمک کولیس می توانید اندازه گیری کنید به صورت زیر است:

قطر خارجی خودکار	۹ mm / ۰
ضخامت یک لوله	۳ mm / ۰
قطر داخلی یک لوله	۲۳ mm / ۴
قطر خارجی یک لوله	۲۶ mm / ۴

شرح کار با ریزسنج: (اطلاعات کامل تر را در لینک زیر ببینید)

<http://gama.ir/learnfiles/detail/۱۶۴۶>

برای اندازه گیری جسم مورد نظر را از بین زبانه و سندان قرار می دهند و پیچ کلاhek آنقدر می چرخانند تا جسم با زبانه و سندان تماس پیدا کند. برای چرخاندن کلاhek پیچ، پیچ هرز گرد را می پیچانند پس از تماس با زبانه با جسم، پیچ هرز گرد صدا می کند. با شنیدن صدا عمل پیچاندن را متوقف می کنند. در غیر این صورت از حساسیت اسباب کاسته می شود درجات میلیمتر را از روی مهره و درجات صدم میلیمتر را از روی کلاhek پیچ می خوانند. درجه ای از کلاhek پیچ خوانده می شود که در امتداد خط افقی مهره قرار دارد.

قطر خارجی خودکار	۰ / ۸۸ mm
ضخامت یک لوله	۳ / ۵۴ mm
قطر داخلی یک لوله	۲۳ / ۴۲ mm
قطر خارجی یک لوله	۲۶ / ۴۶ mm



الف) آزمایشی طراحی و اجرا کنید که به کمک آن بتوان جرم و حجم یک قطره آب را اندازه‌گیری کرد.

برای مثال با استفاده از یک قطره چکان ۷۰ قطره آب را داخل ظرفی بچکانید

اندازه‌گیری جرم: ظرفی را بر روی ترازوی دیجیتال قرار داده و ترازو را در وضعیت صفر قرار می‌دهیم. برای مثال با قطره‌چکان ۷۰ قطره آب در ظرف می‌چکانیم. حال اگر جرم نشان داده شده را بر ۷۰ قطره تقسیم کنیم، جرم یک قطره آب به دست می‌آید. اندازه‌گیری حجم: آب داخل ظرف (۷۰ قطره) را با سرنگی می‌کشیم. حجم آب داخل سرنگ را قرائت کرده و بر ۷۰ تقسیم می‌کنیم تا حجم یک قطره آب به دست آید.

الته می‌توانید از تعداد کمتری قطره آب برای این آزمایش استفاده کنید. ما برای دقت بیشتر ۷۰ قطره را پیشنهاد کردیم.

ب) تکه‌ای سیم لاک‌ی نازک یا نخ قرقره به طول تقریبی یک متر تهیه کنید. آزمایشی طراحی و اجرا کنید که به کمک یک خط کش میلی متری بتوان قطر این سیم یا نخ را اندازه‌گیری کرد.

سیم را با دقت به دور یک قرقره طوری می‌پیچیم که هر دور به طور کامل چسبیده به دور بعدی و در کنار هم قرار گیرند (مانند فنری که حلقه‌های آن کاملاً به هم چسبیده‌اند). با این کار در هر دور به اندازه قطر سیم به طول فنر اضافه می‌شود. اگر طول فنر را با خط‌کش اندازه‌گیری کرده و بر تعداد دورهای سیم تقسیم کنیم قطر سیم به دست می‌آید.



الف) تخمین بزنید در هر شبانه روز چند لیتر بخار بنزین وارد هوای شهر تهران می‌شود.

راهنمایی: برای به دست آوردن مقدار این تخمین، ابتدا باید راه‌هایی را مورد توجه قرار دهید که سبب تولید بخار بنزین و ورود آن به هوا می‌شود. یکی از راه‌های تولید بخار بنزین و ورود آن به هوا به صورت زیر است:

وقتی بنزین خودرویی به تدریج مصرف می‌شود بالای بنزین درون باک، بخار بنزین تشکیل می‌شود. وقتی خودرو برای سوخت‌گیری دوباره به جایگاه پمپ بنزین می‌رود، با ورود بنزین به باک، بخار بنزین از آن خارج و به هوای بیرون رانده می‌شود.

با ورود هر مقدار بنزین به یک مخزن به همان مقدار بخار بنزین از مخزن خارج می‌شود، بنزین برای اینکه در باک خودروها مصرف شود، در سه مرحله تبخیر می‌شود؛ یک بار هنگام سوخت‌گیری تانکرها از مخازن بنزین؛ یک بار هنگام تخلیه تانکرها در جایگاه‌ها و یک بار هم وقتی مردم بنزین می‌زنند. پس با مصرف هر لیتر بنزین ۳ لیتر بخار بنزین وارد هوا می‌شود. اگر تعداد خودروهای شهر تهران را یک میلیون و متوسط مصرف روزانه هر خودرو را ۹ لیتر در نظر بگیریم. آنگاه تخمین بخار بنزین از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$9 \times 3 \times 10^6 \sim 2 / 7 \times 10 \times 10^6 \sim 10^9 \times 10 \times 10^6 \sim 10^9 L$$

ب) تحقیق کنید در کشورهای دوستدار محیط زیست، چه کارهایی می‌انداختند تا این بخار، که برای محیط زیست و همچنین سلامتی انسان ها بسیار مضر است، وارد هوا نشود.

کنترل و کاهش و هدایت بخارات بنزین به گونه‌ای که انتشار این بخارات در هوا به حداقل برسد و امکان تبدیل دوباره آن به بنزین مایع وجود داشته باشد. تبخیر بنزین و به هوا رفتن آن تنها پیامدهای اقتصادی ندارد، آنچه خطرناک‌تر و در مواردی حتی غیرقابل جبران است، کاری است که بخارات بنزین با سلامت مردم می‌کنند.

صفحه ۲۲

تمرین ۶-۱



یکی دیگر از یکاهای متداول چگالی، گرم بر سانتی‌متر مکعب (g/cm^3) است. به روش تبدیل زنجیره‌ای نشان دهید:

$$1000 \text{ kg/m}^3 = 1 \text{ g/cm}^3$$

$$\begin{aligned} \begin{cases} 1 \text{ kg} = 10^3 \text{ g} \\ 1 \text{ m}^3 = 10^6 \text{ cm}^3 \end{cases} &\Rightarrow 1000 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} = (1000 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}) (1)(1) = (1000 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}) (\frac{1 \text{ m}^3}{10^6 \text{ cm}^3}) (\frac{10^3 \text{ g}}{1 \text{ kg}}) \\ &= \frac{10^3 \times 10^3}{10^6} \frac{\text{g}}{\text{cm}^3} = 1 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3} \end{aligned}$$

صفحه ۲۲

پرسش ۶-۱



چگالی بنزین $6/8 \times 10^2 \text{ kg/m}^3$ است. توضیح دهید چرا آب مایع مناسبی برای خاموش کردن بنزین شعله‌ور نیست.

چگالی بنزین ($680 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$) کمتر از چگالی آب ($1000 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$) است، بنزین بر روی سطح آب قرار گرفته و آتش خاموش نمی‌شود.

صفحه ۲۳

تمرین ۷-۱



حجم خون در گردش یک فرد بالغ با توجه به جرمش، می‌تواند بین $4/70 \text{ L}$ تا $5/50 \text{ L}$ باشد. جرم $4/70 \text{ L}$ خون چند کیلوگرم است؟ چگالی خون خود را $1/05 \text{ g/cm}^3$ بگیرید.

$$V = 4/70 \text{ L} = 4/70 \times 10^3 \text{ cm}^3, \quad \rho = 1/05 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}, \quad m = ?$$

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 1/05 \times 4/70 \times 10^3 = 4/93 \times 10^3 \text{ g} = 4/93 \text{ kg} \rightarrow m = 4/93 \text{ kg}$$

صفحه ۲۳

تمرین ۸-۱



جرم و وزن تقریبی هوای درون کلاستان را پیدا کنید.

چگالی هوای اتاق در دمای 20°C برابر است با $1/205 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$ است. ابعاد کلاس را ۶ و ۶ و ۳ متر فرض می‌کنیم:

$$V = 3 \times 6 \times 6 = 108 \text{ m}^3, \quad g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, \quad \rho = 1/205 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 1/205 \times 108 = 130/14 \text{ kg} \rightarrow m = 130/14 \text{ kg} \quad \text{جرم هوای کلاس:}$$

$$W = mg = 130/14 \times 10 = 1301/4 \text{ kgN} \quad \text{وزن هوای کلاس:}$$



اگر پرتقال را درون ظرف محتوی آب بیندازیم پیش بینی کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ آزمایش را انجام دهید (شکل الف) و نتیجه مشاهده خود را با توجه به مفهوم چگالی توضیح دهید.

پرتقال با پوست بر روی سطح آب قرار می‌گیرد، چون چگالی آن کمتر از آب است.

اگر پرتقال را بدون پوست درون ظرف محتوی آب بیندازیم دوباره پیش بینی کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ آزمایش را مطابق شکل (ب) انجام دهید و نتیجه مشاهده خود را با توجه به مفهوم چگالی توضیح دهید.

پرتقال بدون پوست داخل آب فرو می‌رود، چون چگالی آن بیشتر از آب است.

در آزمایش (الف) پرتقال جرم بیشتری دارد و اصطلاحاً سنگین تر است. آیا سنگین تر بودن یک جسم دلیلی بر فرو رفتن آن در آب است؟ توضیح دهید.

خیر، برای فرو رفتن جسم در آب باید چگالی آن بیشتر از آب باشد. پرتقال با پوست جرم و حجم بیشتری نسبت به پرتقال پوست کنده دارد. ولی چون چگالی آن کمتر از چگالی آب است بر روی آب شناور باقی می‌ماند. در پرتقال پوست کنده، حجم و جرم کاهش یافته است و لی حجم نسبت به جرم کاهش بیشتری یافته است. پس چگالی نسبت به حالت اول افزایش می‌یابد.



(الف) جرم و حجم تعدادی جسم جامد را اندازه بگیرید. در صورتی که شکل جسم ها منظم باشد، ابعاد آنها را به کمک کولیس یا ریزسنج اندازه بگیرید. اگر جسم جامد شکل نامنظمی داشته باشد، از روشی که در شکل روبه رو نشان داده شده است حجم آن را اندازه بگیرید.

نوع جسم	جرم	حجم
یک عدد سیب	۱۴۵ kg / ۰	380 cm^3
قوطی کبریت خالی	۲۳ kg / ۰	28 cm^3
یک عدد پاک‌کن	۹۰ kg / ۰	18 cm^3
کلید	۸۰ kg / ۰	6 cm^3

ب) با استفاده از سرنگ مدرج بزرگ و ترازوی با دقت مناسب، چگالی برخی از مایع‌های در دسترس مانند شیر، روغن، مایع ظرفشویی و... را اندازه بگیرید.

قبل و بعد از پرکردن سرنگ، جرم آن را اندازه بگیرید و به این روش جرم مایع را تعیین کنید.

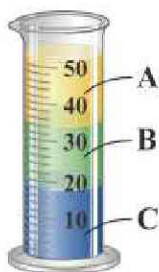


نوع مایع	جرم	حجم	چگالی
شیر	۲ / ۱g	۲cm ^۳	۱۰۵۰ $\frac{kg}{m^3}$
روغن مایع	۱ / ۹g	۲cm ^۳	۹۵۰ $\frac{kg}{m^3}$
مایع ظرفشویی	۱ / ۷g	۲cm ^۳	۸۵۰ $\frac{kg}{m^3}$

چگالی شیر از آب بیشتر و چگالی روغن مایع و مایع ظرفشویی از آب کمتر است.

صفحه ۲۳

پرسش ۵-۱



سه مایع مخلوط نشدنی A، B و C که چگالی‌های متفاوتی دارند درون استوانه‌ای شیشه‌ای ریخته شده‌اند. این سه مایع عبارت‌اند از: جیوه (با چگالی $13/6 \times 10^3 \text{ kg/m}^3$)، روغن زیتون (با چگالی $9/2 \times 10^2 \text{ kg/m}^3$) و آب (با چگالی $1/00 \times 10^3 \text{ kg/m}^3$) است. جنس هر یک از مایع‌های A، B و C درون استوانه را مشخص کنید.

چون چگالی جیوه از همه بیشتر است پایین‌تر از بقیه قرار می‌گیرد. چون چگالی آب از روغن بیشتر است پایین‌تر از روغن قرار می‌گیرد. چون چگالی روغن از همه کمتر است بالاتر از سایر مایعات قرار می‌گیرد.

C جیوه – B آب – A روغن

۱-۱ و ۲-۱ فیزیک: دانش بنیادی و مدل سازی در فیزیک

(۱) در چه صورت یک مدل یا نظریه فیزیکی بازنگری می شود؟

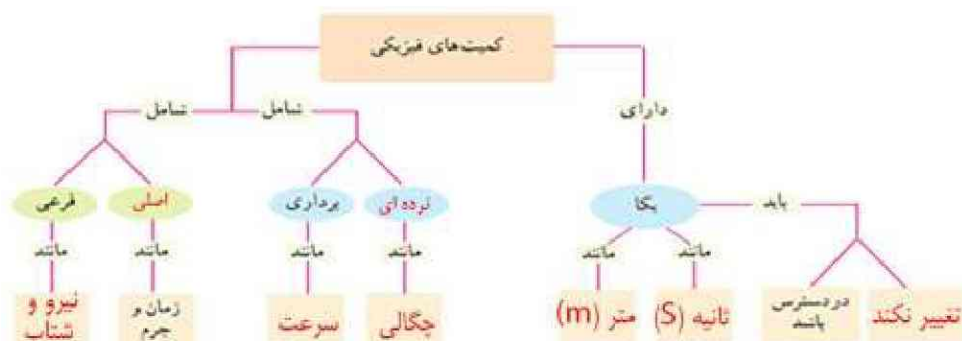
نتایج آزمایش های جدید ممکن است منجر به بازنگری مدل یا نظریه ای شود یا حتی ممکن است نظریه ای جدید جایگزین آن شود.

(۲) فرآیند مدل سازی در فیزیک را با ذکر یک مثال توضیح دهید.

برای مثال در بررسی حرکت اجسام در قرقه ها از جرم نخ و قرقه و نیروی اصطکاک بین نخ و قرقه صرف نظر کرده و فقط نیروی وزن اجسام را در حرکت در نظر می گیریم.

۳-۱ و ۴-۱ اندازه گیری و کمیت های فیزیکی و اندازه گیری و دستگاه بین المللی یکاها

(۳) نقشه مفهومی زیر را کامل کنید.



(۴) سعی کنید با نگاه کردن، طول برخی از اجسامی را که در محیط اطرافتان هستند، بر حسب سانتی متر یا متر برآورد کنید.

سپس طول آنها را با خط کش یا متر اندازه بگیرید. برآوردهای شما تا چه حد درست بوده اند؟

تخمین امری تجربی است و با افزایش مهارت تخمین می توان برآوردهای بهتری انجام داد.

طول میز معلم	طول یک خودکار	طول کلاس	
۱۲۰ cm	۱۶ cm	۶ m	اندازه برآورد شده
۱۳۵ cm	۱۳ cm	۶ / ۳ m	اندازه واقعی

(۵) جرم یک سوزن ته گرد را چگونه می توان با یک ترازوی آشپزخانه اندازه گیری کرد؟

برای مثال تعداد ۵۰ سوزن را بر روی ترازوی آشپزخانه قرار داده و جرم آنها را اندازه گیری می کنیم. اگر جرم قرائت شده با ترازو را به ۵۰ تقسیم کنیم، جرم هر سوزن به دست می آید.

(۶) گالیله در برخی از کارهایش از ضربان نبض خود به عنوان زمان سنج استفاده کرد. شما نیز چند پدیده ای تکرار شونده در طبیعت را نام ببرید که می توان به عنوان ابزار اندازه گیری زمان به کار روند.

گردش زمین به دور خود، گردش زمین به دور خورشید، گردش ماه به دور زمین، جزر و مد دریاها

(۷) الف) هر میکرو قرن، تقریباً چند دقیقه است؟

$$10^{-6} \text{ ccn} \times \left(\frac{100 \text{ year}}{1 \text{ ccn}}\right) \left(\frac{365 \text{ day}}{1 \text{ year}}\right) \left(\frac{24 \text{ h}}{1 \text{ day}}\right) \left(\frac{60 \text{ min}}{1 \text{ h}}\right) = 10^{-6} \times 100 \times 365 \times 24 \times 60 \text{ min} = 52560000 \times 10^{-6} \text{ min} = 52 / 56 \text{ min}$$

$$1000000000s = 10^9 s = (10^9 s) \left(\frac{1 \text{ min}}{60 s} \right) \left(\frac{1 h}{60 \text{ min}} \right) \left(\frac{1 \text{ day}}{24 h} \right) \left(\frac{1 \text{ year}}{365 \text{ day}} \right) = \frac{10^9}{60 \times 60 \times 24 \times 365} \simeq 31 \text{ year}$$

(۸) هکتار از جمله یکاهای متداول مساحت است. هر هکتار برابر ۱۰ هزار متر مربع است.

(الف) اگر زمین را کره‌ای یکنواخت به شعاع ۶۴۰۰ کیلومتر در نظر بگیریم (شکل روبه‌رو)، مساحت آن چند هکتار است؟



$$\pi \simeq 3, \quad r = 6400 \text{ km} = 6400 \times 10^3 \text{ m} = 64 \times 10^5 \text{ m}$$

$$S = 4\pi r^2 = 4 \times 3 \times (64 \times 10^5)^2 = 4 \times 3 \times 64^2 \times 10^{10} = 49152 \times 10^{10} \text{ m}^2$$

$$49152 \times 10^{10} \text{ m}^2 = (49152 \times 10^{10} \text{ m}^2) \left(\frac{1 \text{ hectare}}{10^4 \text{ m}^2} \right) = 49152 \times 10^6 \text{ هکتار}$$

(ب) تحقیق کنید مساحت کل سرزمین ایران، شامل خشکی و دریا، چند هکتار است؟ این مساحت چند درصد از مساحت کره‌ی زمین است؟

$$\text{مساحت سرزمین ایران} = 1648195 \text{ km}^2 = 1648195 \times 10^6 \text{ m}^2 = (1648195 \times 10^6 \text{ m}^2) \left(\frac{1 \text{ hectare}}{10^4 \text{ m}^2} \right) = 1648195 \times 10^2 \text{ هکتار}$$

$$\frac{\text{مساحت ایران}}{\text{مساحت کره زمین}} = \frac{1648195 \times 10^6}{49152 \times 10^{10}} = \frac{x}{100} \rightarrow x = \frac{1648195 \times 10^6 \times 100}{49152 \times 10^{10}} \simeq 33 \times 10^{-2} = 0.33 \text{ درصد}$$

(۹) یکی از بزرگ‌ترین الماس‌های شناخته شده در ایران، دریای نور به جرم ۱۸۲ قیراط است. این الماس به رنگ کمیاب صورتی شفاف بوده و در خزانه‌ی جواهرات ملی نگهداری می‌شود. کوه نور نیز یکی دیگر از الماس‌های مشهور جهان است که جرمی حدود ۱۰۸ قیراط دارد و هم اکنون در برج لندن نگهداری می‌شود. با توجه به اینکه هر قیراط معادل ۲۰۰ میلی‌گرم است، جرم دریای نور و کوه نور بر حسب گرم چقدر است؟

$$\text{جرم کوه نور} = 182 \times \left(\frac{200 \text{ mg}}{1} \right) \left(\frac{1 \text{ g}}{10^3 \text{ mg}} \right) = 36.4 \text{ g}$$

$$\text{جرم دریای نور} = 108 \times \left(\frac{200 \text{ mg}}{1} \right) \left(\frac{1 \text{ g}}{10^3 \text{ mg}} \right) = 21.6 \text{ g}$$

(۱۰) سریع‌ترین رشد گیاه متعلق به گیاهی موسوم به هسپروپوکا است که در مدت ۱۴ روز، ۳/۷ متر رشد می‌کند. (شکل روبه‌رو). آهنگ رشد این گیاه بر حسب میکرومتر بر ثانیه چقدر است؟



$$\text{مقدار رشد} = 3.7 \text{ m} = (3.7 \text{ m}) \left(\frac{10^6 \mu\text{m}}{1 \text{ m}} \right) = 3.7 \times 10^6 \mu\text{m}$$

$$1 \text{ روز} = 86400 \text{ s} \quad 14 \times 86400 \text{ s} = 1209600 \text{ s}$$

$$\text{آهنگ رشد} = \frac{\text{مقدار رشد}}{\text{زمان}} = \frac{3.7 \times 10^6}{1209600} = 3.06 \mu\text{m} / \text{s}$$

(۱۱) دستگاه بریتانایی یکاها، دستگاهی است که در برخی از کشورها مانند آمریکا و انگلستان همچنان استفاده می‌شود. یکای اصلی طول در این دستگاه پا (فُوت) و یکای کوچک‌تر آن اینچ است به طوری که ۱۲ in = 1 ft است. ارتفاع هواپیمایی را که در فاصله‌ی ۳۰۰۰۰ پا از سطح آزاد دریاها در حال پرواز است بر حسب متر به دست آورید. هر اینچ ۲/۵۴۰ سانتی‌متر است.

$$30000 \text{ ft} = (30000 \text{ ft}) \left(\frac{12 \text{ in}}{1 \text{ ft}} \right) \left(\frac{2.54 \text{ cm}}{1 \text{ in}} \right) \left(\frac{1 \text{ m}}{100 \text{ cm}} \right) = 9144 \text{ m}$$



۱۲) قدیمی‌ترین سنگ‌نوشته‌ی حقوق بشر که تاکنون یافت شده است به حدود ۲۵۵۰ سال پیش باز می‌گردد که به فرمان کورش، پادشاه ایران در دوره‌ی هخامنشیان نوشته شده است. مرتبه‌ی بزرگی سن این سنگ‌نوشته بر حسب ثانیه چقدر است؟

$$2550 \times 365 \times 24 \times 3600 \text{ s} = 2 / 550 \times 10^3 \times 3 / 65 \times 10^2 \times 2 / 4 \times 10^1 \times 3 / 6 \times 10^3$$

$$= 80 / 4 \times 10^9 = 8 / 04 \times 10^{10} \text{ s} \simeq 10^1 \times 10^{10} \text{ s} = 10^{11} \text{ s}$$

۱۳) تندی شناورها در دریا بر حسب یکایی به نام گره بیان می‌شود. هر گره دریایی برابر ۱/۵۱۴۴ متر بر ثانیه است. تاریخچه‌ی گره دریایی به حدود ۴۰۰ سال پیش باز می‌گردد، زمانی که ملوانان تندی متوسط کشتی خود را با استفاده از وسیله‌ای به نام تندی‌سنج شناور اندازه می‌گرفتند. این وسیله، شامل طنابی بود که در فواصل مساوی، گره‌ای روی آن زده شده بود. در حین کشیده شدن طناب به دریا، تعداد گره‌های رد شده از دست ملوان در یک زمان معین شمرده می‌شود و تندی متوسط کشتی را به دست می‌آوردند. پس از آن، ملوان‌ها از واژه‌ی «گره» برای تندی متوسط کشتی استفاده می‌کنند.

الف) اگر یک کشتی حمل کالا با تندی ۱۴ گره از بندر شهید رجایی به طرف جزیره‌ی لاوان حرکت کند، تندی آن را بر حسب کیلومتر بر ساعت به دست آورید.

$$\text{تندی کشتی بر حسب } m/s : \quad 14 \text{ ghr} = (14) \left(\frac{1/5144 \text{ m/s}}{1} \right) = 7 / 2016 \frac{m}{s}$$

$$\text{تندی کشتی بر حسب } km/h : \quad 7 / 2016 \frac{m}{s} = (7 / 2016 \frac{m}{s}) \left(\frac{3600 \text{ s}}{1 \text{ h}} \right) \left(\frac{1 \text{ km}}{1000 \text{ m}} \right) = 25 / 96 \frac{km}{h}$$

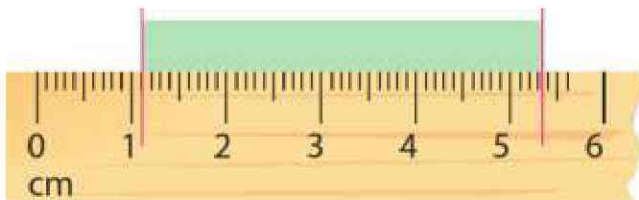
ب) مایل، یکی دیگر از یکاهای متداول طول در دستگاه بریتانیایی است. یک مایل دریایی برابر ۱۸۵۲ متر است. تندی کشتی قسمت (الف) را بر حسب مایل بر ساعت به دست آورید.

$$7 / 2016 \frac{m}{s} = (7 / 2016 \frac{m}{s}) \left(\frac{1 \text{ mile}}{1852 \text{ m}} \right) \left(\frac{3600 \text{ s}}{1 \text{ h}} \right) \simeq 14 \frac{\text{mile}}{h}$$



۵-۱ اندازه‌گیری: خطا و دقت

۱۴) دانش‌آموزی برای اندازه‌گیری طول میله‌ای به کمک یک خط‌کش میلی‌متری، مطابق شکل زیر عمل کرده است. طول میله را بر حسب میلی‌متر، سانتی‌متر و متر گزارش کنید. در گزارش خود رقم حدسی (غیر قطعی) و خطای خط‌کش را مشخص کنید.



رقم غیر قطعی ۳ و خطای خط کش $5mm / \pm 0$ است.

۱۵) شکل زیر، صفحه‌ی تندی سنج یک خودرو را نشان می‌دهد. تندی خودرو چند کیلومتر بر ساعت است؟ رقم غیر قطعی و خطای تندی سنج را در گزارش مشخص کنید.

تندی خودرو $115 \pm 1 km/h$ است.

رقم غیر قطعی ۵ و خطای تندی سنج $1 km/h \pm 1$ است.



۱۶) شکل (الف) و (ب) به ترتیب یک ریز سنج و یک کولیس رقمی را نشان می‌دهد. رقم غیر قطعی و خطای هر یک از این وسیله‌ها را مشخص کنید.



(ب)



(الف)

الف) رقم غیر قطعی ۳ و خطای وسیله $0.01mm / \pm 0$ است.

ب) رقم غیر قطعی ۷ و خطای وسیله $0.1mm / \pm 0$ است.

۱-۶ تخمین مرتبه‌ی بزرگی در فیزیک

۱۷) الف) مرتبه‌ی بزرگی تعداد نفس‌هایی را که یک شخص در طول عمرش می‌کشد، تخمین بزنید.

متوسط تنفس هر شخص ۱۵ بار در دقیقه است، بنابراین مرتبه بزرگی تعداد تنفس شخص در هر ثانیه برابر است با:

$$x = \frac{15}{60} = 0.25 = 2.5 \times 10^{-1} \sim 10^0 \times 10^{-1} \sim 10^{-1}$$

$$7.2 \times 10^1 \sim 10^1 \times 10^1 \sim 10^2 \text{ year} \quad \text{تخمین مرتبه بزرگی عمر انسان (۷۲ سال)}$$

$$3 \times 10^7 \text{ s} \sim 10^0 \times 10^7 \sim 10^7 \text{ s} \quad \text{تخمین مرتبه بزرگی یک سال بر حسب ثانیه}$$

پس تعداد تنفس یک شخص در طول عمرش را به صورت زیر می‌توان تخمین زد:

$$N \sim (10^2 \text{ year}) \left(\frac{10^7 \text{ s}}{\text{year}} \right) \left(\frac{10^{-1}}{\text{s}} \right) \sim 10^2 \times 10^7 \times 10^{-1} \sim 10^8 \text{ تنفس}$$

ب) مرتبه‌ی بزرگی تعداد پلک‌هایی را که چشم یک شخص در طول عمرش می‌زند، تخمین بزنید.

میانگین تعداد پلک زدن هر شخص ۳۰ بار در دقیقه است بنابراین مرتبه بزرگی تعداد پلک شخص در هر ثانیه برابر است با:

$$x = \frac{30}{60} = 0.5 = 5 \times 10^{-1} \sim 10^1 \times 10^{-1} \sim 10^0 \quad \text{تخمین مرتبه بزرگی تعداد پلک زدن در هر ثانیه}$$

$$N \sim (10^2 \text{ year}) \left(\frac{10^4 \text{ s}}{\text{year}} \right) \left(\frac{10^0}{1 \text{ s}} \right) \sim 10^2 \times 10^4 \times 10^0 \sim 10^6 \text{ پلک}$$

۱۸) مرتبه‌ی بزرگی جرم آب اقیانوس‌ها را تخمین بزنید.

در مسئله (۸) مساحت کره زمین را محاسبه کردیم که برابر $49152 \times 10^{10} \text{ m}^2$ شد. حدود ۷۱ درصد کره زمین را اقیانوس‌ها در بر گرفته‌اند و عمق متوسط اقیانوس‌ها ۳۶۸۲ متر است. بنابراین حجم کل آب اقیانوس‌ها را می‌توان به صورت زیر تخمین زد:

$$49152 \times 10^{10} \text{ m}^2 = 4 / 9152 \times 10^4 \times 10^{10} \text{ m}^2 \simeq 10^0 \times 10^4 \times 10^{10} \text{ m}^2 = 10^{14} \text{ m}^2$$

تخمین مرتبه بزرگی مساحت زمین

$$0 / 71 = 7 / 1 \times 10^{-1} \simeq 10^1 \times 10^{-1} = 10^0$$

تخمین مرتبه بزرگی درصد آب‌ها

$$3682 \text{ m} = 3 / 682 \times 10^3 \text{ m} \simeq 10^0 \times 10^3 \text{ m} = 10^3 \text{ m}$$

تخمین مرتبه بزرگی عمق متوسط آب اقیانوس‌ها

تخمین مرتبه بزرگی حجم آب اقیانوس‌ها

با در نظر گرفتن $\rho = 1050 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$ آب دریا، داریم:

$$\rho = 1050 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} = 1 / 050 \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} \sim 10^0 \times 10^3 \sim 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

مرتبه‌ی بزرگی چگالی آب

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 10^3 \times 10^{17} = 10^{20} \text{ kg}$$

مرتبه بزرگی جرم آب اقیانوس‌ها

۷-۱ چگالی

۱۹) الف) قطعه‌ای فلزی به شما داده شده است و ادعا می‌شود که از طلای خالص ساخته شده است. چگونه می‌توانید درستی این ادعا را بررسی کنید؟

جرم قطعه و حجم آن را اندازه‌گیری می‌کنیم و با استفاده از رابطه $\rho = \frac{m}{V}$ و با داشتن جرم و حجم، چگالی جسم را اندازه‌گیری

می‌کنیم. چگالی جسم را با چگالی طلای خالص ($\rho = 19320 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$) مقایسه می‌کنیم. اگر هر دو یکسان بودند، جسم از طلای خالص است.



ب) بزرگ‌ترین شمش طلا با حجم $1 / 573 \times 10^4 \text{ cm}^3$ و جرم $250 / 0 \text{ kg}$ توسط یک شرکت ژاپنی ساخته شده است. (شکل روبه‌رو). چگالی این شمش طلا را به دست آورید.

$$m = 250 / 0 \text{ kg}, \quad V = 1 / 573 \times 10^4 \text{ cm}^3 = 1 / 573 \times 10^{-2} \text{ m}^3$$

$$\rho = \frac{m}{V} \Rightarrow \rho = \frac{250 / 0 \text{ kg}}{1 / 573 \times 10^{-2} \text{ m}^3} = 15893 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

پ) نتیجه‌ی بدست آمده در قسمت (ب) را با چگالی طلا در جدول ۸-۱ مقایسه کنید و دلیل تفاوت این دو عدد را بیان کنید. اطلاعات جدول ۸-۱، چگالی طلای خالص در دمای صفر درجه و فشار یک اتمسفر نشان می‌دهد. عیار طلا و افزایش دما و فشار، روی حجم و چگالی اثر دارد.

۲۰) برای تعیین چگالی یک جسم جامد، ابتدا جرم و حجم آن را مطابق شکل زیر پیدا کرده‌ایم. با توجه به داده‌های روی شکل، چگالی جسم را بر حسب g / L و g / cm^3 حساب کنید.



برای محاسبه چگالی جسم بر حسب g / L باید جرم جسم بر حسب گرم و حجم جسم بر حسب لیتر باشد، بنابراین:

$$m = 8.24 \text{ g}$$

$$V = (23.1 - 18.5) \text{ mL} = (4.6 \text{ mL}) \left(\frac{10^{-3} \text{ L}}{1 \text{ mL}} \right) = 4.6 \times 10^{-3} \text{ L}$$

$$\rho = \frac{m}{V} = \frac{8.24 \text{ g}}{4.6 \times 10^{-3} \text{ L}} = 1.79 \times 10^3 \text{ g / L}$$

$$\rho = 1.79 \times 10^3 \frac{\text{g}}{\text{L}} \left(\frac{1 \text{ L}}{1000 \text{ cm}^3} \right) = 1.79 \frac{\text{g}}{\text{cm}^3}$$

(الف) ستاره‌های کوتوله‌ی سفید بسیار چگال هستند و چگالی آنها در SI حدود ۱۰۰ میلیون است. اگر شما یک قوطی کبریت از ماده‌ی تشکیل دهنده‌ی این ستاره‌ها در اختیار داشتید، جرم آن چند کیلوگرم می‌شد؟ ابعاد و حجم قوطی کبریت را خودتان تخمین بزنید.

ابعاد قوطی کبریت را ۵، ۳/۴ و ۱/۲ سانتی‌متر فرض می‌کنیم:

$$V = 1/2 \times 3/4 \times 5 = 18 \text{ cm}^3 = 18 \times 10^{-6} \text{ m}^3, \quad \rho = 100 \times 10^6 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}, \quad m = ?$$

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 100 \times 10^6 \times 18 \times 10^{-6} = 1800 \text{ kg}$$

(ب) اگر جمعیت کره‌ی زمین ۷ میلیارد نفر، جرم میانگین هر نفر ۶۰ کیلوگرم و ماده‌ی تشکیل دهنده‌ی انسان‌ها از جنس ستاره‌های کوتوله‌ی سفید فرض شود (فرضی ناممکن!)، ابعاد این اتاق چقدر باشد تا همه‌ی انسان‌ها در آن جای گیرند؟

$$\rho = 100 \times 10^6 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}, \quad m = 7 \times 10^9 \times 60 = 420 \times 10^9 = 42 \times 10^{10} \text{ kg}, \quad V = ? \quad \text{جرم ۷ میلیارد نفر:}$$

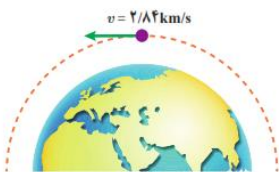
$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow V = \frac{m}{\rho} = \frac{42 \times 10^{10}}{100 \times 10^6} = \frac{42 \times 10^{10}}{10^8} = 4200 \text{ m}^3 \quad \text{ابعاد اتاق} \rightarrow \text{حجم اتاق} \quad 60 \times 7 \times 10$$

صفحه ۳۰

تمرین ۱-۲



ماهواره‌ای به جرم ۲۲۴ kg ، با تندی ثابت $۲ / ۸۴\text{ km/s}$ دور زمین می‌چرخد. انرژی جنبشی ماهواره را بر حسب ژول و مگاژول حساب کنید.



$$m = ۲۲۴\text{ kg}, v = ۲ / ۸۴ \frac{\text{km}}{\text{s}} = ۲ / ۸۴ \times ۱۰^۳ \frac{\text{m}}{\text{s}}, K = ?$$

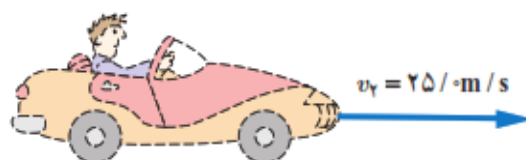
$$K = \frac{1}{2}mv^2 = \frac{1}{2} \times ۲۲۴ \times (۲ / ۸۴ \times ۱۰^۳)^2 = \frac{1}{2} \times ۲۲۴ \times (۲ / ۸۴)^2 \times ۱۰^۶ \approx ۹۰۳ \times ۱۰^۶ = ۹ / ۰۳ \times ۱۰^۲ \text{ MJ}$$

صفحه ۳۰

تمرین ۲-۲



جرم خودرویی به همراه راننده‌اش $۸ / ۴۰ \times ۱۰^۲\text{ kg}$ است (شکل زیر). تندی خودرو در دو نقطه از مسیرش روی شکل زیر داده شده است. تغییرات انرژی جنبشی خودرو ($\Delta K = K_2 - K_1$) را بین این دو نقطه حساب کنید.



$$v_1 = ۱۸ \frac{\text{m}}{\text{s}}, v_2 = ۲۵ \frac{\text{m}}{\text{s}}, m = ۸۴۰\text{ kg}$$

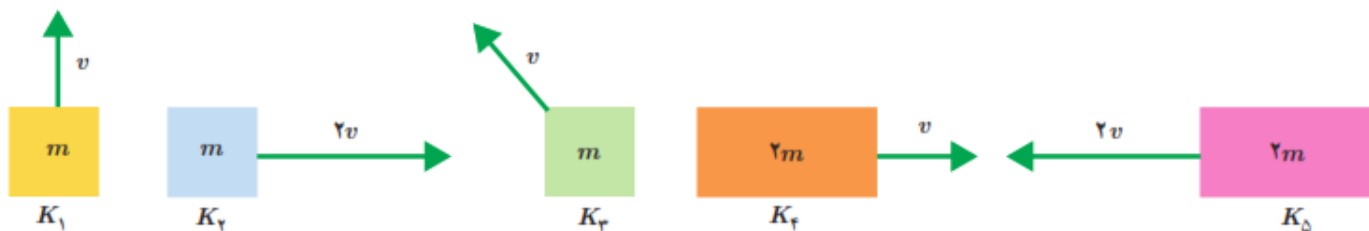
$$\Delta K = K_2 - K_1 = \frac{1}{2}mv_2^2 - \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}m(v_2^2 - v_1^2) = \frac{1}{2} \times ۸۴۰ \times (۲۵^2 - ۱۸^2) = ۱ / ۲۶ \times ۱۰^۵ \text{ J}$$

صفحه ۳۱

پرسش ۱-۲



انرژی جنبشی هر یک از اجسام زیر را با هم مقایسه کنید و مقدار آن را به ترتیب از کمترین تا بیشترین بنویسید.



$$K_1 = \frac{1}{2}mv^2, K_2 = \frac{1}{2}m(2v)^2 = \frac{4mv^2}{2} = 2mv^2, K_3 = \frac{1}{2}mv^2$$

$$K_4 = \frac{1}{2}(2m)v^2 = \frac{2mv^2}{2} = mv^2, K_5 = \frac{1}{2}(2m)(2v)^2 = \frac{8mv^2}{2} = 4mv^2$$

$$\left. \begin{array}{l} K_1 = \frac{1}{2}mv^2 \\ K_2 = 2mv^2 \\ K_3 = \frac{1}{2}mv^2 \\ K_4 = mv^2 \\ K_5 = 4mv^2 \end{array} \right\} \rightarrow K_1 = K_3 < K_4 < K_2 < K_5$$

صفحه ۳۳

تمرین ۳-۲



ورزشکاری وزنه‌ای به جرم $۶۸ / ۰\text{ kg}$ را به طور یکنواخت، $۴۵ / ۰\text{ cm}$ بالای سر خود می‌برد (شکل روبه‌رو). کاری که این ورزشکار روی وزنه انجام داده است را محاسبه کنید. اندازه شتاب گرانش زمین را $g = ۹ / ۸۱\text{ N/kg}$ بگیرید.

$$m = 68 \text{ kg}, d = 45 \text{ cm} = 0.45 \text{ m}, g = 9.8 \frac{\text{N}}{\text{kg}}$$

نیروی که ورزشکار به وزنه وارد می‌کند، برابر با وزن این وزنه است، بنابراین:

$$F = mg = 68 \times 9.8 = 666 \text{ N}$$

نیرو در جهت جابه‌جایی است، بنابراین کار ورزشکار روی وزنه برابر است با:

$$W = Fd = 666 \times 0.45 = 299.7 \text{ J}$$

صفحه ۳۳

تمرین ۲-۴

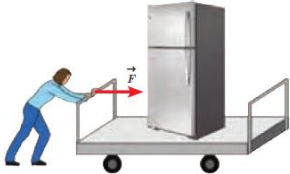


شکل روبه‌رو شخصی را در حال هل دادن یک گاری حمل بار روی سطحی هموار و بدون اصطکاک با نیرویی به بزرگی $F = 66 \text{ N}$ نشان می‌دهد. اگر گاری $18/4 \text{ m}$ در جهت نیرو جابه‌جا شود، کاری را که شخص روی گاری انجام می‌دهد، چقدر است؟

چون نیرو در جهت جابه‌جایی است کار انجام شده برابر است با:

$$F = 66 \text{ N}, d = 18/4 \text{ m}$$

$$W = Fd = 66 \times 18/4 = 1214/4 \text{ J} \rightarrow W = 1/21 \times 10^3 \text{ J}$$



صفحه ۳۵

تمرین ۲-۵



تمرین ۳-۲ را دوباره ببینید. کار انجام شده توسط ورزشکار را روی وزنه برای حالتی حساب کنید که ورزشکار با وارد کردن همان نیروی $\vec{F}$ ، وزنه را به آرامی پایین می‌آورد (شکل روبه‌رو). توضیح دهید که در این دو حالت، چه تفاوتی بین مقادیر به دست آمده برای کار انجام شده توسط ورزشکار وجود دارد؟

در این حالت جابجایی به پایین و نیروی ورزشکار رو به بالا است و زاویه بین نیرو و

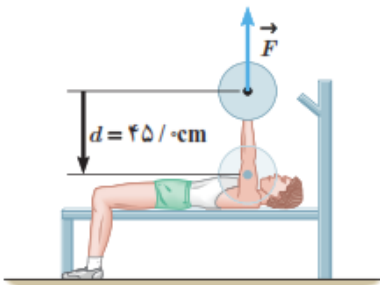
جابجایی برابر $\theta = 180^\circ$ است. پس کار انجام شده توسط ورزشکار برابر است با:

$$W = Fd \cos \theta = 666 \times 0.45 \times \cos 180^\circ = -299.7 \text{ J}$$

توجه کنید که وقتی ورزشکار وزنه را بالا می‌برد، کار انجام شده توسط ورزشکار 299.7 J

است، یعنی به وزنه انرژی داده شده ولی زمانی که ورزشکار وزنه را پایین می‌آورد، کار انجام

شده توسط ورزشکار -299.7 J است، یعنی از وزنه انرژی گرفته شده است.



صفحه ۳۵

پرسش ۲-۲



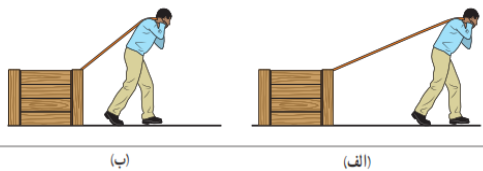
شخصی جسمی را یک بار با طنابی بلند (شکل الف) و بار دیگر با طنابی کوتاه‌تر (شکل ب) روی سطحی هموار می‌کشد. اگر جابجایی و کاری که این شخص در هر دو بار روی جعبه انجام می‌دهد، یکسان باشد، توضیح دهید در کدام حالت، شخص نیروی بزرگ‌تری وارد کرده است. اصطکاک را در هر دو حالت ناچیز فرض کنید.

رابطه کار برابر $W = Fd \cos \theta$ است و کار و جابجایی در هر دو مورد برابر است

و در حالت (ب) طول طناب کوتاه‌تر (زاویه θ بزرگ‌تر) و در حالت (الف) طول

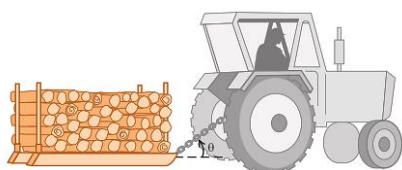
طناب بلندتر (زاویه θ کوچک‌تر) است. هر چه θ بزرگ‌تر باشد، $\cos \theta$ کوچک

تر است و در نتیجه نیروی بیشتری نیاز است. بنابراین در حالت (ب) نیروی بیشتری نیاز است.





کشاورزی توسط تراکتور، سورت‌های پر از هیژم را در راستای یک زمین هموار به اندازه‌ی $235m$ جابه‌جا می‌کند (شکل زیر). وزن کل سورت‌ها و بار آن $mg = 1/47 \times 10^4 N$ است. تراکتور نیروی ثابت $F_1 = 5/00 \times 10^3 N$ را در زاویه‌ی $\theta = 45^\circ$ بالای افق به سورت‌ها وارد می‌کند. نیروی اصطکاک جنبشی $f_k = 3/50 \times 10^3 N$ است که بر خلاف جهت حرکت به سورت‌ها وارد می‌شود. کار کل انجام شده روی سورت‌ها را به دو روش محاسبه کنید.



$$(\cos 45^\circ = \frac{\sqrt{2}}{2}, \cos 180^\circ = -1)$$

روش اول: کار هر یک از نیروها را در این جابه‌جایی به دست آورده و حاصل جمع آنها را محاسبه می‌کنیم:

$$\left. \begin{aligned} W_1 &= (F_1 \cos 45^\circ) d = 5 \times 10^3 \times \frac{\sqrt{2}}{2} \times 235 \approx 830725 J \\ W_f &= (f_k \cos 180^\circ) d = 3/50 \times 10^3 \times (-1) \times 235 \approx -822500 J \end{aligned} \right\} \rightarrow W_t = W_1 + W_f = 830725 - 822500 = 8225 J$$

روش دوم: اندازه نیروی خالص در جهت جابه‌جایی را محاسبه کرده و کار آن را به دست می‌آوریم:

$$\begin{aligned} F_t &= F_1 \cos \theta - f_k = 5 \times 10^3 \times \cos 45^\circ - 3/50 \times 10^3 = 3535 - 3500 \approx 35 N \\ W_t &= F_t d = 35 \times 235 = 8225 J \rightarrow W_t = 8225 J \end{aligned}$$



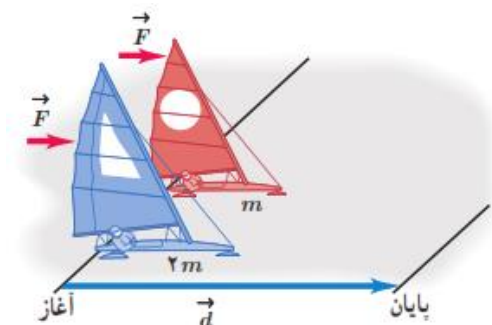
دو قایق بادبانی مخصوص حرکت روی سطوح یخ‌زده، دارای جرم‌های m و $2m$ روی دریاچه‌ی افقی و بدون اصطکاک قرار دارند و نیروی ثابت و یکسان $\vec{F}$ با وزیدن باد به هر دو وارد می‌شود (شکل روبه‌رو). هر دو قایق از حال سکون شروع به حرکت می‌کنند و از خط پایان به فاصله‌ی d می‌گذرند. انرژی جنبشی و تبدی قایق‌ها را درست پس از عبور از خط پایان، با هم مقایسه کنید.

چون نیرو F و جابه‌جایی d در هر دو قایق یکسان است، کار کل انجام شده در هر دو قایق برابر است:

$$W_1 = W_2 \rightarrow \text{کار کل قایق آبی (۲)} = \text{کار کل قایق قرمز (۱)}$$

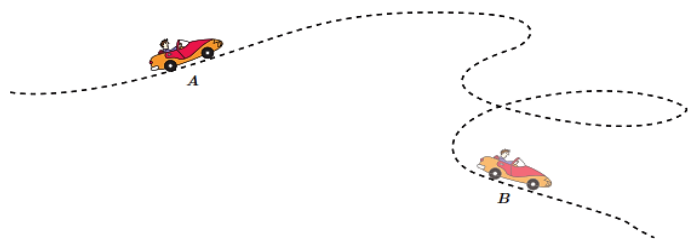
هر دو قایق از حالت سکون شروع به حرکت کرده‌اند، پس، انرژی جنبشی اولیه هر دو قایق صفر است:

$$K_{1s} = K_{2s} = 0$$



$$\left. \begin{aligned} W_1 &= K_{1e} - K_{1s} = K_{1e} = \frac{1}{2} m v_{1e}^2 \\ W_2 &= K_{2e} - K_{2s} = K_{2e} = \frac{1}{2} (2m) v_{2e}^2 \end{aligned} \right\} \xrightarrow{W_1=W_2} \frac{1}{2} m v_{1e}^2 = \frac{1}{2} (2m) v_{2e}^2 \rightarrow v_{1e} = \sqrt{2} v_{2e}$$

بنابراین سرعت قایق (۱)، $\sqrt{2}$ برابر سرعت قایق (۲) است.



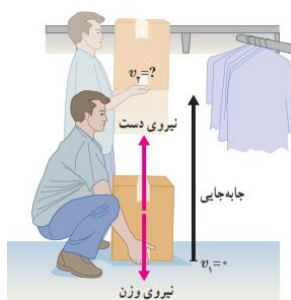
جرم یک خودروی الکتریکی به همراه راننده اش $8/4 \times 10^3 \text{ kg}$ است. وقتی این خودرو از موقعیت A به موقعیت B می‌رود، کار کل انجام شده روی خودرو $7/35 \times 10^4 \text{ J}$ است. اگر تندی خودرو در موقعیت A برابر 54 km/h باشد، تندی آن در موقعیت B چند متر بر ثانیه است؟

$$m = 8400 \text{ kg}, W_t = 7/35 \times 10^4 \text{ J} = 73500 \text{ J}, V_A = 54 \text{ km/h} \times \frac{10}{36} = 15 \frac{\text{m}}{\text{s}}, V_B = ?$$

$$W_t = K_B - K_A \rightarrow W_t = \frac{1}{2} m v_B^2 - \frac{1}{2} m v_A^2 \rightarrow 73500 = \frac{1}{2} \times 8400 \times v_B^2 - \frac{1}{2} \times 8400 \times 15^2$$

$$\rightarrow 73500 = 4200 v_B^2 - 94500 \rightarrow 73500 + 94500 = 4200 v_B^2 \rightarrow 168000 = 4200 v_B^2 \rightarrow v_B^2 = \frac{168000}{4200}$$

$$\rightarrow v_B^2 = 400 \rightarrow v_B = \sqrt{400} = 20 \rightarrow v_B = 20 \frac{\text{m}}{\text{s}}$$



شکل روبه‌رو شخصی را نشان می‌دهد که با وارد کردن نیروی ثابت 52 N ، جعبه‌ای به جرم $4/10 \text{ kg}$ را از حال سکون در امتداد قائم جابجا می‌کند.

(الف) کار انجام شده توسط شخص و کار انجام شده توسط نیروی وزن را روی جعبه در ارتفاع $1/4 \text{ m}$ به طور جداگانه حساب کنید.

$$m = 4/10 \text{ kg}, F = 52 \text{ N}, d = 1/4 \text{ m}$$

نیروی دست در جهت جابجایی است، پس کار انجام شده توسط دست (شخص) برابر است با:

$$W_1 = F d = 52/10 \times 1/4 = 73/78 \text{ J} \rightarrow W_1 = 73/8 \text{ J}$$

نیروی وزن جعبه در خلاف جهت جابه‌جایی است ($\theta = 180^\circ$)، کار انجام شده توسط نیروی وزن برابر است با:

$$W_2 = m g d \cos 180^\circ = 4/10 \times 10 \times 1/4 \times (-1) = -57/4 \text{ J} \rightarrow W_2 = -57/4 \text{ J}$$

(ب) کار کل انجام شده روی جعبه تا ارتفاع $1/4 \text{ m}$ چقدر است؟

$$W_t = W_1 + W_2 = 73/8 - 57/4 = 16/4 \text{ J} \rightarrow W_t = 16/4 \text{ J}$$

(پ) با استفاده از قضیه‌ی کار-انرژی جنبشی، تندی نهایی جعبه را در ارتفاع $1/4 \text{ m}$ حساب کنید.

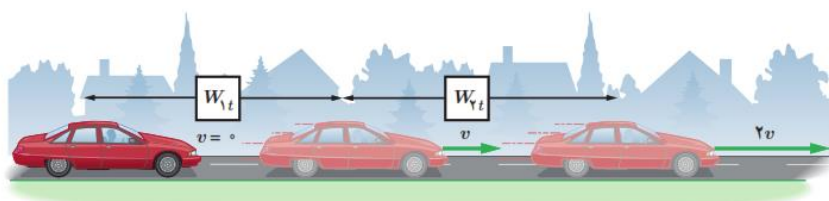
چون سرعت اولیه جعبه صفر است، انرژی جنبشی اولیه آن نیز صفر خواهد بود، بنابراین داریم:

$$W_t = K_2 - K_1 \rightarrow W_t = K_2 \rightarrow W_t = \frac{1}{2} m v_2^2 \rightarrow 16/4 = \frac{1}{2} \times 4/10 \times v_2^2 \rightarrow 16/4 = 2/5 v_2^2$$

$$v_2^2 = \frac{16/4}{2/5} \rightarrow v_2 = \sqrt{10} = 2\sqrt{2} \frac{\text{m}}{\text{s}}$$



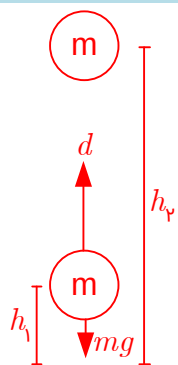
برای آنکه تندی خودرویی از حال سکون به v برسد، باید کار کل W_{vt} روی آن انجام شود. همچنین برای آنکه تندی خودرو از v به $2v$ برسد، باید کار کل W_{vt} روی آن انجام شود (شکل زیر). نسبت W_{vt} / W_{vt} چقدر است؟



$$\frac{W_{vt}}{W_{vt}} = \frac{K_v - K_0}{K_{2v} - K_v} = \frac{\frac{1}{2}mv^2 - 0}{\frac{1}{2}m(2v)^2 - \frac{1}{2}mv^2} = \frac{\frac{1}{2}mv^2}{\frac{1}{2}m(4v^2 - v^2)} = \frac{v^2}{3v^2} = \frac{1}{3} \rightarrow \frac{W_{vt}}{W_{vt}} = \frac{1}{3}$$



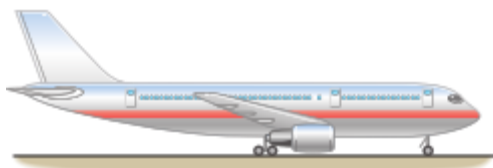
برای جسمی به جرم m که رو به بالا حرکت می‌کند و از سطح زمین دور می‌شود نشان دهید کار نیروی وزن، همچنان از رابطه‌ی ۶-۲ به دست می‌آید. فرض کنید که جسم به اندازه‌ی کافی نزدیک به سطح زمین بماند به گونه‌ای که وزن آن ثابت باشد.



$$W = mgd \cos 180^\circ = -mgd = -mg(h_2 - h_1) = -(mgh_2 - mgh_1) = -(U_2 - U_1) \rightarrow W = -\Delta U$$



انرژی جنبشی و انرژی پتانسیل گرانشی (نسبت به زمین) یک هواپیمای مسافربری به جرم $7 / 50 \times 10^4 \text{ kg}$ که با تندی 864 km/h در ارتفاع $9 / 60 \times 10^3 \text{ m}$ حرکت می‌کند چقدر است؟ مقدار این انرژی‌ها را با هم مقایسه کنید.



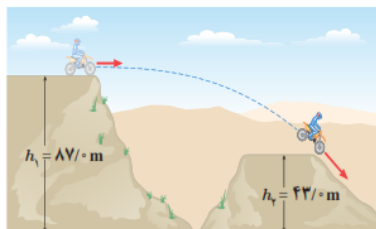
$$m = 7 / 50 \times 10^4 \text{ kg}, v = 864 \frac{\text{km}}{\text{h}} \times \frac{10}{36} = 240 \frac{\text{m}}{\text{s}}, h = 9 / 60 \times 10^3 \text{ m}, K = ?, U = ?$$

$$K = \frac{1}{2}mv^2 = \frac{1}{2} \times 7 / 50 \times 10^4 \times (240)^2 = 216000 \times 10^4 = 21 / 6 \times 10^8 \text{ J} \rightarrow K = 21 / 6 \times 10^8 \text{ J}$$

$$U = mgh = 7 / 50 \times 10^4 \times 10 \times 9 / 60 \times 10^3 = 72 \times 10^8 \text{ J} \rightarrow U = 72 / 0 \times 10^8 \text{ J}$$

$$U - K = 72 \times 10^8 - 21 / 6 \times 10^8 = 50 / 4 \times 10^8 \rightarrow U - K = 50 / 4 \times 10^8 \text{ J}$$

در این ارتفاع انرژی پتانسیل گرانشی هواپیما $50 / 4 \times 10^8 \text{ J}$ بیشتر از انرژی جنبشی آن است.



جرم موتورسواری با موتورش 147kg است. این موتور سوار، پرشی مطابق شکل روبه‌رو انجام می‌دهد.

الف) انرژی پتانسیل گرانشی موتور سوار را روی هر یک از تپه‌ها حساب کنید ($9/81\text{m/s}^2$).

$$U_1 = mgh_1 = 147 \times 9/81 \times 87 = 125460/09\text{J} \rightarrow U_1 = 125 \times 10^3\text{J}$$

$$U_2 = mgh_2 = 147 \times 9/81 \times 43 = 62009/09\text{J} \rightarrow U_2 = 62 \times 10^3\text{J}$$

ب) کار نیروی وزن موتورسوار را در این جابجایی به دست آورید.

$$\text{وزن } W = -\Delta U = -(U_2 - U_1) = -(62 \times 10^3 - 125 \times 10^3) = 63 \times 10^3\text{J} = W = 63 \times 10^3\text{J}$$



یک فنر فلزی یا پلاستیکی نرم و نسبتاً بلند اختیار کنید. فنر را مطابق شکل روبه‌رو، از یک طرف آن در امتداد قائم آویزان کنید. ابتدا پیش‌بینی کنید که با رها کردن فنر چه اتفاقی می‌افتد؟ فنر را رها کنید و با دقت تمامی تبدیل‌های انرژی آن را بررسی کنید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید. اگر دوربین با امکان ضبط و پخش آهسته‌فیلم در اختیار دارید، فیلمی از این فعالیت تهیه کنید و آن را به طور آهسته مشاهده کنید.

(۱) قبل از رها کردن، فنر انرژی پتانسیل کشسانی و گرانشی دارد.

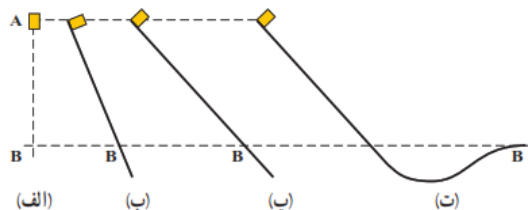
(۲) با رها کردن و باز شدن فنر، انرژی پتانسیل کشسانی و گرانشی آن کاهش و انرژی جنبشی آن افزایش می‌یابد تا به حالت تعادل برسد. در حالت تعادل بیشترین انرژی جنبشی را دارد.

(۳) با گذشتن فنر از حالت تعادل از انرژی جنبشی و پتانسیل گرانشی آن کاسته و به انرژی پتانسیل کشسانی آن افزوده می‌شود تا در نهایت فنر متوقف شده و باز می‌گردد.

(۴) در ادامه همین روند تکرار می‌شود.



شکل روبه‌رو، چهار وضعیت متفاوت را برای حرکت جسمی نشان می‌دهد. در وضعیت الف، جسم از حال سکون سقوط می‌کند و در سه وضعیت دیگر جسم از حال سکون روی مسیری بدون اصطکاک و رو به پایین حرکت می‌کند. تندی جسم را در نقطه‌ی B برای هر چهار وضعیت با هم مقایسه کنید.



چون مسیرها بدون اصطکاک هستند بنابراین بنا به قانون پایستگی انرژی

مکانیکی کل انرژی مکانیکی هر حالت در نقطه A و B با هم برابر هستند. چون ارتفاع اولیه در هر چهار حالت برابر است، پس انرژی اولیه در هر چهار حالت برابر mgh_A است. نقاط B در هر چهار حالت نیز هم ارتفاع هستند، پس انرژی پتانسیل گرانشی در این نقطه نیز برای هر چهار حالت برابر است. بنابراین در هر چهار حالت انرژی جنبشی در نقطه B با هم برابر است و تندی آنها نیز با هم برابر خواهد بود.



در مثال ۱۲-۲ مبدأ انرژی پتانسیل گرانشی را در ارتفاع h_1 بگیرید و بر این اساس تندی توپ را هنگام رسیدن به دهانه‌ی سبد حساب کنید.

$$h_1 = 0, \quad v_1 = 7/2 \frac{m}{s}, \quad h_p = 3 - 1/9 = 1/1m, \quad v_p = ?$$

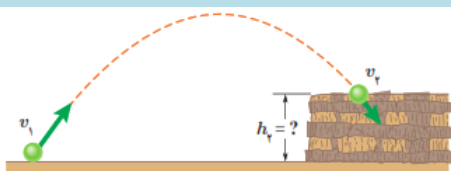
$$E_1 = E_p \rightarrow K_1 + U_1 = K_p + U_p \rightarrow \frac{1}{2}mv_1^2 + mgh_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 + mgh_p$$

$$\rightarrow \frac{1}{2}v_1^2 + gh_1 = \frac{1}{2}v_p^2 + gh_p \rightarrow \frac{1}{2} \times (7/2)^2 + 0 = \frac{1}{2}v_p^2 + 9/11 \times 1/1$$

$$\rightarrow 25/92 = \frac{1}{2}v_p^2 + 10/79 \rightarrow 25/92 - 10/79 = \frac{1}{2}v_p^2 \rightarrow 15/13 = \frac{1}{2}v_p^2 \rightarrow v_p^2 = 30/26$$

$$\rightarrow v_p = \sqrt{30/26} \approx 5/5 \frac{m}{s}$$

اگر نقطه دیگری را به عنوان مبدأ انرژی پتانسیل گرانشی در نظر بگیرید، تفاوتی در پاسخ ایجاد نمی شود.



تویی مطابق شکل از سطح زمین با تندی $v_1 = 42 \text{ m/s}$ به طرف صخره‌ای پرتاب می‌شود. اگر توپ با تندی $v_p = 24 \text{ m/s}$ به بالای صخره برخورد کند، ارتفاع h_p را به دست آورید. مقاومت هوا را هنگام حرکت توپ نادیده بگیرید.

$$v_1 = 42 \frac{m}{s}, \quad h_1 = 0, \quad v_p = 24 \frac{m}{s}, \quad h_p = ?$$

$$E_1 = E_p \rightarrow K_1 + U_1 = K_p + U_p \rightarrow \frac{1}{2}mv_1^2 + mgh_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 + mgh_p \rightarrow \frac{1}{2}v_1^2 + gh_1 = \frac{1}{2}v_p^2 + gh_p$$

$$\rightarrow \frac{1}{2} \times 42^2 + 0 = \frac{1}{2} \times 24^2 + 9/11 \times h_p \rightarrow 882 = 288 + 9/11 h_p \rightarrow 882 - 288 = 9/11 h_p$$

$$\rightarrow 594 = 9/11 h_p \rightarrow h_p = \frac{594}{9/11} \approx 60/6m \rightarrow h_p = 60/6m$$



شخصی توپ در حال حرکتی را با دست خود می‌گیرد (شکل روبه‌رو). پس از توقف توپ، انرژی جنبشی آن کجا رفته است؟



انرژی از بین نرفته است و به انرژی درونی توپ، دست و محیط تبدیل شده و سبب گرم‌تر شدن آنها می‌شود. در حقیقت این انرژی تلف شده است.



تویی به جرم 45 kg با تندی $v_1 = 8 \text{ m/s}$ از نقطه‌ی A می‌گذرد. (شکل روبه‌رو). نیروی مقاومت هوا و نیروی اصطکاک در سطح تماس توپ با زمین، ۲۰ درصد انرژی جنبشی توپ را تا رسیدن به نقطه‌ی B تلف می‌کنند. تندی توپ را در این نقطه به دست آورید.



$$K_A = \frac{1}{2}mv_A^2 = \frac{1}{2} \times 0.45 \times 8^2 = 14.4 J \rightarrow K_A \approx 14 J$$

انرژی جنبشی اولیه توپ عبارت است از:

چون ۲۰٪ از انرژی جنبشی توپ در مسیر تلف شده است؛ بنابراین ۸۰٪ از انرژی جنبشی اولیه توپ به نقطه‌ی B می‌رسد. بنابراین انرژی جنبشی توپ در نقطه‌ی B برابر است با:

$$K_B = \frac{80}{100} \times 14 = 11.2 J \rightarrow K_B = 11 J$$

$$K_B = \frac{1}{2}mv_B^2 \rightarrow 11 = \frac{1}{2} \times 0.45 \times v_B^2 \rightarrow 11 / 0.225 = v_B^2 \rightarrow v_B^2 = 48 \rightarrow v_B \approx 7 \frac{m}{s}$$

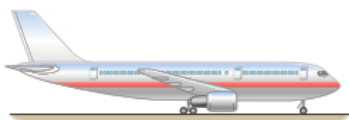
صفحه ۵۲

تمرین ۱۶-۲



هر یک از دو موتور جت یک هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۴۷، پیشرانهای (نیروی جلوبر هواپیما) برابر $1/97 \times 10^5 N$ ایجاد می‌کند. اگر هواپیما در هر دقیقه $15/6 km$ در امتداد این نیرو حرکت کند، توان متوسط هر یک از موتورهای هواپیما چند اسب بخار است؟

$$F = 1/97 \times 10^5, \quad \Delta t = 1 \text{ min} = 60 \text{ s}, \quad d = 15/6 \text{ km} = 15600 \text{ m}, \quad \bar{P} = ?$$



کار انجام شده توسط هر موتور در هر دقیقه برابر است با:

$$W = Fd = 1/97 \times 10^5 \times 15600 = 30732 \times 10^5 J \rightarrow W = 3/07 \times 10^9 J$$

$$\bar{P} = \frac{W}{\Delta t} = \frac{3/07 \times 10^9}{60} = 511/6 \times 10^5 W \rightarrow \bar{P} = 512 \times 10^5 W$$

چون هر اسب بخار برابر ۷۴۶ وات است، پس توان متوسط هر یک از موتورها برابر است با:

$$\bar{P} = 512 \times 10^5 \div 746 = 68632 / 7 hp \rightarrow \bar{P} = 686 \times 10^2 hp$$

صفحه ۵۴

تمرین ۱۷-۲



آب ذخیره شده در پشت سد یک نیروگاه برق‌آبی، از ارتفاع ۹۰٪ متری روی پره‌های توربینی می‌ریزد و آن را می‌چرخاند. با چرخش توربین، مولد می‌چرخد و انرژی الکتریکی تولید می‌شود (شکل روبه‌رو). اگر ۸۵ درصد کار نیروی گرانش به انرژی الکتریکی تبدیل شود، در هرتانیه چند متر مکعب آب باید روی توربین بریزد تا توان الکتریکی خروجی مولد نیروگاه به $200 MW$ برسد؟ جرم هر متر مکعب آب را $1/00 \times 10^3 kg$ در نظر بگیرید.



$$h_1 = 90 \text{ m}, \quad h_2 = 0, \quad Ra = \frac{85}{100} = 0/85, \quad P = 200 MW = 200 \times 10^6 W$$

$$\Delta t = 1 \text{ s}, \quad \rho = 1000 \frac{kg}{m^3}, \quad g = 10 \frac{m}{s^2}, \quad V = ?$$

ابتدا مقدار انرژی خروجی توربین برای تأمین توان $200 MW$ را به دست می‌آوریم:

$$P_{\text{خروجی}} = \frac{E_{\text{خروجی}}}{\Delta t} \rightarrow E = P \times \Delta t = 200 \times 10^6 \times 1 = 200 \times 10^6 J \rightarrow E = 200 \times 10^6 J$$

حال با استفاده از انرژی خروجی و بازده، انرژی ورودی به توربین را محاسبه می‌کنیم:

$$Ra = \frac{E_{\text{خروجی}}}{E_{\text{ورودی}}} \rightarrow E_{\text{ورودی}} = \frac{E_{\text{خروجی}}}{Ra} = \frac{200 \times 10^6}{0.85} = 235 / 29 \times 10^6 J \rightarrow E = 235 \times 10^6 J$$

انرژی ورودی به توربین برابر کار نیروی وزن آب است، بنابراین:

$$E_{\text{ورودی}} = W_{\text{وزن}} = -\Delta U = -(U_p - U_1) = U_1 = mgh_1 \rightarrow E = mgh_1$$

$$\rightarrow 235 \times 10^6 = m \times 10 \times 90 \rightarrow m = \frac{235 \times 10^6}{900} = 0.261 \times 10^6 kg \rightarrow m = 261 \times 10^3 kg \quad \text{جرم آب}$$

$$\frac{261 \times 10^3}{1/0 \times 10^3} = 261 m^3 \rightarrow V = 261 m^3 \quad \text{حجم آب}$$

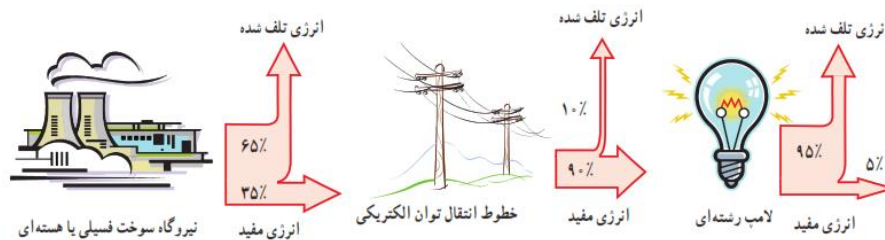
صفحه ۵۴

فعالیت ۲-۲



شکل زیر طرح واره‌ای از درصد انرژی مفید و انرژی تلف شدن در یک نیروگاه سوخت فسیلی یا هسته‌ای را از آغاز تا مصرف در یک لامپ رشته‌ای نشان می‌دهد.

الف) یک نیروگاه سوخت فسیلی را در نظر بگیرید که با مصرف گازوئیل، انرژی الکتریکی تولید می‌کند. با سوختن هر لیتر گازوئیل ۳۴/۲ مگاژول انرژی گرمایی تولید می‌شود. برای اینکه یک لامپ رشته‌ای ۱۰۰ واتن در طول یک ماه به مدت ۱۸۰ ساعت روشن بماند (به طور میانگین هر شبانه‌روز ۶ ساعت)، چقدر گازوئیل باید در نیروگاه مصرف شود؟



کل زمان مصرف بر حسب ثانیه برابر است با؛

بازده کل از تولید تا مصرف انرژی الکتریکی برابر است با؛

انرژی مورد نیاز برای تأمین روشنایی لامپ رشته‌ای ۱۰۰ واتن برابر است با؛

$$E = P \times \Delta t = 100 \times 6 / 48 \times 10^5 = 6 / 48 \times 10^7 J \rightarrow E = 6 / 48 \times 10^7 J$$

با توجه به بازده ۰/۳۱۵ برای تأمین این انرژی، نیروگاه باید انرژی زیر را تولید کند.

$$Ra = \frac{E_{\text{خروجی}}}{E_{\text{ورودی}}} \rightarrow E_{\text{ورودی}} = \frac{E_{\text{خروجی}}}{Ra} = \frac{6 / 48 \times 10^7}{0.315} \approx 20 / 57 \times 10^7 J \rightarrow E = 20 / 6 \times 10^7 J$$

اگر همه انرژی گرمایی گازوئیل به انرژی الکتریکی تبدیل شود، داریم:

$$\text{انرژی مصرفی} = \frac{20 / 6 \times 10^7}{34 / 2 \times 10^6} = 0.602 \times 10 = 6 / 02 L$$

ب) با توجه به نتیجه قسمت الف، درک خود از هشدار معروف «لامپ اضافی خاموش!» را بیان کنید.

تلفات خیلی زیاد انرژی در مسیر تولید تا مصرف، مصرف ۶ لیتر گازوئیل برای روشن نگه داشتن هر لامپ رشته‌ای در ماه، بهره‌گیری از انرژی تجدیدناپذیر سوخت‌های فسیلی و همچنین آلودگی زیاد ناشی از مصرف این سوخت‌ها این هشدار را کاملاً جدی می‌سازد.

پ) اگر در سراسر ایران، هر خانه در طول یک ماه معادل انرژی الکتریکی مصرف شده در قسمت الف، صرفه‌جویی کند، مرتبه‌ی بزرگی گازوئیل صرفه‌جویی شده را تخمین بزنید.

$10^7 \approx 2 \times 10^7 \approx 25,000,000$: تعداد خانوار در سراسر کشور

$10^1 \approx 6 / 0.2$: گازوئیل صرفه‌جویی شده هر خانوار

$10^8 \approx 10^1 \times 10^7$: کل گازوئیل صرفه‌جویی شده

صفحه ۵۵

فعالیت ۳-۲



مدت زمانی را که طول می‌کشد تا با دویدن به بالای یک راه پله برسید اندازه بگیرید. آهنگ انجام این کار را محاسبه کنید. پاسخ خود را بر حسب وات و اسب بخار بیان کنید.

$$h = 5m, \Delta t = 10s, m = 55kg, g = 10 \frac{N}{kg}$$

کار انجام شده برابر است با تغییرات انرژی پتانسیل گرانشی:

$$W = \Delta U = (U_p - U_1) = mg(h_p - h_1) = mgh = 55 \times 10 \times 5 = 2750J \rightarrow W = 2750J$$

$$\bar{P} = \frac{W}{\Delta t} = \frac{2750}{10} = 275W \rightarrow \bar{P} = 275W$$

چون هر اسب بخار ۷۴۶ وات است، توان متوسط بر حسب اسب بخار برابر است با:

$$\bar{P} = 275 \div 746 \approx 0.37hp \rightarrow \bar{P} = 0.37hp$$

۱-۲ انرژی جنبشی



۱) تقریباً بیشتر شهاب‌سنگ‌هایی که وارد جو زمین می‌شوند به دلیل اصطکاک زیاد با ذرات تشکیل دهنده‌ی جو، به دمای بالایی می‌رسند و می‌سوزند. شکل روبه‌رو شهاب‌سنگی به جرم $1/35 \times 10^5 \text{ kg}$ را نشان می‌دهد که با تندی $4/12 \text{ km/s}$ وارد جو زمین شده است. انرژی جنبشی این شهاب سنگ را به دست آورید. این انرژی را با انرژی جنبشی یک هواپیمای مسافربری به جرم $7/25 \times 10^4 \text{ kg}$ که با تندی 936 km/h در حرکت است مقایسه کنید.

انرژی جنبشی شهاب سنگ عبارت است از:

$$m = 1/35 \times 10^5 \text{ kg}, \quad v = 4/12 \frac{\text{km}}{\text{s}} = 4/12 \times 10^3 \frac{\text{m}}{\text{s}}, \quad K_1 = ?$$

$$K_1 = \frac{1}{2} mv^2 = \frac{1}{2} \times 1/35 \times 10^5 \times (4/12 \times 10^3)^2 = \frac{1}{2} \times 1/35 \times 10^5 \times (4/12)^2 \times 10^6 \approx 11/46 \times 10^{11} \text{ J}$$

$$\rightarrow K_1 = 11/5 \times 10^{11} \text{ J}$$

انرژی جنبشی هواپیمای مسافربری برابر است با:

$$m = 7/25 \times 10^4 \text{ kg}, \quad v = 936 \times \frac{10}{36} = 260 \frac{\text{m}}{\text{s}}, \quad K_2 = ?$$

$$K_2 = \frac{1}{2} mv^2 = \frac{1}{2} \times 7/25 \times 10^4 \times (260)^2 = 245050 \times 10^4 \approx 2/45 \times 10^9 \text{ J} \rightarrow K_2 = 0/0245 \times 10^{11}$$

انرژی جنبشی شهاب سنگ تقریباً $\frac{K_1}{K_2} = \frac{11/5 \times 10^{11}}{0/0245 \times 10^{11}} \approx 469$ برابر انرژی جنبشی هواپیمای مسافربری است.



۲) حدود ۵۰۰۰۰ سال پیش شهاب سنگی در نزدیک آریزونای آمریکا به زمین برخورد کرده و چاله‌ای بزرگ از خود به جای گذاشته است (شکل روبه‌رو). با اندازه‌گیری‌های جدید (۲۰۰۵ میلادی) برآورد شده است که جرم این شهاب‌سنگ حدود $1/40 \times 10^8 \text{ kg}$ بوده و با تندی $12/0 \text{ km/s}$ به زمین برخورد کرده است. انرژی جنبشی این شهاب‌سنگ هنگام برخورد به زمین چقدر بوده است؟ (خوب است بدانید انرژی آزاد شده توسط هر تن TNT برابر $4/18 \times 10^9 \text{ J}$ است.)

$$m = 1/40 \times 10^8 \text{ kg}, \quad v = 12 \frac{\text{km}}{\text{s}} = 12 \times 10^3 \frac{\text{m}}{\text{s}}, \quad K = ?$$

$$K = \frac{1}{2} mv^2 = \frac{1}{2} \times 1/40 \times 10^8 \times (12 \times 10^3)^2 = \frac{1}{2} \times 1/40 \times 10^8 \times 12^2 \times 10^6 = 100/8 \times 10^{14} \rightarrow K = 1/01 \times 10^{16} \text{ J}$$

۲-۲ و ۳-۲ کار انجام شده توسط نیروی ثابت و کار انرژی جنبشی

۳) در شکل‌های (الف) و (ب) جرم ارباب‌ها یکسان است. برای اینکه تندی ارباب‌ها از صفر به مقدار معین v برسد، کار انجام شده در هر دو حالت را با هم مقایسه کنید.



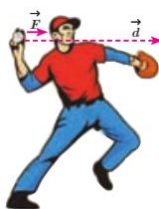
$$W_{t1} = K_p - K_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 - \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}mv^2 \rightarrow W_{t1} = \frac{1}{2}mv^2$$

کار انجام شده در قسمت الف:

$$W_{tP} = K_p - K_1 = \frac{1}{2}(2m)v_p^2 - \frac{1}{2}(2m)v_1^2 = mv^2 \rightarrow W_{tP} = mv^2$$

کار انجام شده در قسمت ب:

کار انجام شده در قسمت (ب) دو برابر کار انجام شده در قسمت (الف) است. زیرا $W_{tP} = 2W_{t1}$



۴) ورزشکاری سعی می‌کند توپ بیسبالی به جرم $145g$ را با بیشترین تندی ممکن پرتاب کند. به این منظور، ورزشکار نیرویی به بزرگی $F = 75 / 0 N$ تا لحظه‌ی پرتاب توپ و در امتداد جابهجایی ($d = 1 / 45m$) بر آن وارد می‌کند (شکل روبه‌رو). تندی توپ هنگام جدا شدن از دست ورزشکار چقدر است؟

$$m = 145g = 0 / 145kg, F = 75N, d = 1 / 45m, v_1 = 0, v_p = ?$$

طبق قضیه کار و انرژی جنبشی:

$$W_t = K_p - K_1 \rightarrow W_F + W_{mg} = K_p - K_1$$

نیروی وزن بر جابهجایی عمود است، بنابراین $W_{mg} = 0$ و انرژی جنبشی اولیه توپ صفر است: $K_1 = 0$

$$W_F + W_{mg} = K_p - K_1 \rightarrow W_F = K_p \rightarrow Fd = \frac{1}{2}mv_p^2 \rightarrow 75 \times 1 / 45 = \frac{1}{2} \times 0 / 145 \times v_p^2$$

$$\rightarrow v_p^2 = \frac{75 \times 1 / 45}{0 / 5 \times 0 / 145} = 1500 \rightarrow v_p = \sqrt{1500} \approx 38 / 7 \frac{m}{s} \rightarrow v_p = 38 / 7 \frac{m}{s}$$

۵) آیا کار کل انجام شده بر یک جسم در یک جابهجایی می‌تواند منفی باشد؟ توضیح دهید.

بله، در حرکت‌های کند شونده، کار کل انجام شده بر روی جسم منفی می‌شود. طبق قضیه کار و انرژی جنبشی اگر سرعت جسم

کاهش یابد، انرژی جنبشی آن نیز کاهش یافته و مطابق رابطه $W_t = K_p - K_1$ ، کار کل نیروهای وارد بر جسم منفی می‌شود.

۶) برای آنکه نیروی خالصی، بتواند تندی جسم را از صفر به v برساند باید مقدار کار W را روی آن انجام دهد. اگر قرار باشد تندی

این جسم از صفر به $3v$ برسد کاری که روی جسم باید انجام شود چند برابر W است؟

طبق قضیه کار و انرژی جنبشی، کار نیروی خالص وارد بر جسم برابر است با تغییر انرژی جنبشی جسم.

$$\left. \begin{aligned} v_1 = 0, v_p = v, W_1 = K_p - K_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 - \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}mv^2 \rightarrow W_1 = \frac{1}{2}mv^2 \\ v_1 = 0, v_p = 3v, W_p = K_p - K_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 - \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}m(3v)^2 = \frac{9}{2}mv^2 \end{aligned} \right\} \rightarrow W_p = 9W_1$$



۷) اگر مطابق شکل روبه‌رو سطلی را در دست نگه دارید، آیا نیروی دست شما هنگامی که با تندی ثابت در مسیر

افقی قدم می‌زنید روی سطل کاری انجام می‌دهد؟ اگر تندی حرکت شما در طول مسیر کم و زیاد شود چطور؟

پاسخ خود را در هر مورد توضیح دهید.

به سطل، نیرویی برابر با وزن سطل و رو به بالا به وارد می‌کنیم. چون سطل با تندی ثابت حرکت می‌کند،

شخص نیرویی در جهت افقی به آن وارد نمی‌کند. از طرفی زاویه بین نیروی F و جابهجایی d ، 90° است. بنابراین؛

$$W = Fd \cos \theta = Fd \cos 90^\circ = 0$$

اگر تندی متغیر باشد، شتاب و در نتیجه نیروی خالصی در راستای جابهجایی به سطل وارد خواهد شد. این نیرو روی سطل کار

انجام می‌دهد. $W = Fd \cos \theta > 0$

۸) شخصی گلوله‌ای برفی به جرم $158g$ را از روی زمین بر می‌دارد و تا ارتفاع $185cm$ بالا می‌برد و سپس آن را با تندی $12/4 m/s$ پرتاب می‌کند. کار انجام شده توسط شخص روی گلوله‌ی برف چقدر است؟

$$m = 158g = 0.158kg, h = 185cm = 1.85m, v = 12/4 m/s, W = ?$$

طبق قضیه کار و انرژی جنبشی، مقدار کار انجام شده برابر تغییرات انرژی جنبشی است.

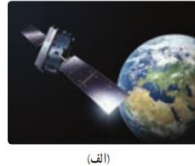
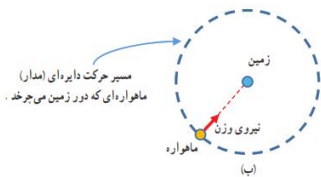
$$W_t = \Delta K = K_p - K_1 = \frac{1}{2} m (v_p^2 - v_1^2) = \frac{1}{2} \times 0.158 \times (12/4)^2 = 12/1 J$$

کل کار برابر کار نیروی دست و نیروی وزن است. پس داریم؛

$$W_t = W_{mg} + W \rightarrow W = W_t - W_{mg} = W_t - mgh \cos(180^\circ) = 12/1 - (-2/9) = 15J$$

۹) ماهواره‌ها در مدارهای معین و با تندی ثابتی دور زمین می‌چرخند.

حرکت یک ماهواره به دور زمین (شکل الف) را می‌توان مطابق شکل (ب) مدل‌سازی کرد. همان‌طور که دیده می‌شود نیروی خالصی (نیروی وزن) همواره بر ماهواره وارد می‌شود. چگونه امکان دارد با وجود وارد شدن این نیرو به ماهواره، انرژی جنبشی آن ثابت بماند؟



نیروی خالص وارد بر ماهواره عمود بر جهت جابه‌جایی است، پس کار کل ماهواره صفر است. از طرفی با توجه به قضیه کار و انرژی، $W_t = \Delta K$ ، تغییرات انرژی جنبشی نیز صفر است، پس انرژی جنبشی ماهواره و سرعت آن ثابت می‌ماند.

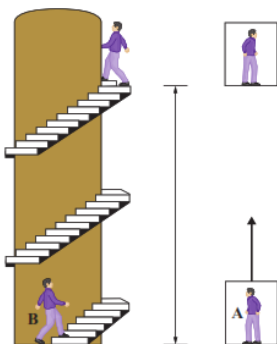
۴-۲ کار و انرژی پتانسیل

۱۰) آیا انرژی جنبشی یک جسم می‌تواند منفی باشد؟ انرژی پتانسیل گرانشی یک سامانه چطور؟ توضیح دهید.

مطابق رابطه $K = \frac{1}{2} mv^2$ انرژی جنبشی به جرم جسم (m) و مجذور سرعت (v^2) بستگی دارد، چون هر دوی این عوامل

کمیت‌های مثبتی هستند، بنابراین انرژی جنبشی جسم همواره مثبت است.

اگر مبدأ انرژی پتانسیل گرانشی را سطح زمین در نظر بگیریم، مطابق رابطه $U = mgh$ انرژی پتانسیل گرانشی نیز به جرم جسم (m)، شتاب گرانشی (g) و ارتفاع (h) بستگی دارد. همه این عوامل مثبت هستند، بنابراین انرژی پتانسیل گرانشی یک سامانه نیز همواره مثبت است.



۱۱) دو شخص هم جرم A و B به طبقه‌ی سوم ساختمانی می‌روند. شخص A با آسانسور و شخص B به آرامی از پله‌های ساختمان بالا می‌روند. گزاره‌های درست را با ذکر دلیل مشخص کنید.

الف) در طبقه سوم، انرژی پتانسیل گرانشی (نسبت به زمین) شخص A از شخص B کمتر است، زیرا آرام‌تر بالا رفته است.

نادرست، زیرا انرژی پتانسیل گرانشی یک جسم به جرم و ارتفاع جسم بستگی دارد و هر دو انرژی پتانسیل گرانشی برابری دارند.

ب) انرژی پتانسیل گرانشی (نسبت به زمین) شخص A کمتر از شخص B است، زیرا برای رسیدن به طبقه‌ی سوم ساختمان مسافت کمتری پیموده است.

نادرست، زیرا انرژی پتانسیل گرانشی یک جسم به مسافت پیموده شده توسط جسم بستگی ندارد.

درست، چون کار نیروی وزن در جابه‌جایی جسم رو به بالا برابر است با : $W_{mg} = mgh \cos 180^\circ = -mgh$ و از طرفی پارامترهای m ، g و h در هر دو شخص یکسان هستند، بنابراین کار نیروی وزن در هر دو شخص برابر است.

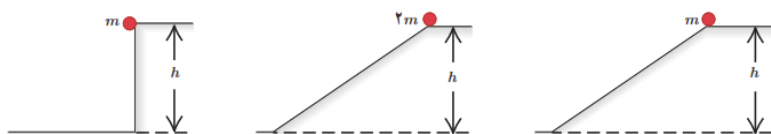
(ت) انرژی پتانسیل گرانشی هر دو شخص در طبقه سوم ساختمان یکسان است.

درست، طبق رابطه $U = mgh$ چون m و g و h برای هر دو شخص برابر است، انرژی پتانسیل گرانشی هر دو شخص یکسان است.

۵-۲ و ۶-۲ پایستگی انرژی مکانیکی و کار و انرژی درونی

(۱۲) در سه شکل زیر اجسامی از حالت سکون و ارتفاع h نسبت به سطح افق می‌شوند و نیروی اصطکاک و مقاومت هوا بر آنها وارد نمی‌شود. در کدام حالت، جسم:

(الف) بیشترین تندى را هنگام رسیدن به سطح افقى دارد؟



هر سه جسم با تندى یکسانی به سطح افقى می‌رسند.

در شکل اول: $E_i = E_f \rightarrow U_i + K_i = U_f + K_f \rightarrow mgh_i = \frac{1}{2}mv_f^2 \rightarrow gh = \frac{v^2}{2} \rightarrow v^2 = 2gh \rightarrow v = \sqrt{2gh}$

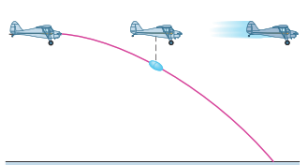
در شکل دوم: $E_i = E_f \rightarrow U_i + K_i = U_f + K_f \rightarrow (2m)gh = \frac{1}{2}(2m)v^2 \rightarrow v^2 = 2gh \rightarrow v = \sqrt{2gh}$

در شکل سوم: $E_i = E_f \rightarrow U_i + K_i = U_f + K_f \rightarrow mgh = \frac{1}{2}mv^2 \rightarrow v^2 = 2gh \rightarrow v = \sqrt{2gh}$

(ب) تا هنگام رسیدن به پایین مسیر، بیشترین مقدار کار نیروی وزن روی آن انجام شده است؟

$$W = -\Delta U = -(mgh_f - mgh_i) = mgh$$

کار نیروی وزن به جرم و ارتفاع جسم بستگی دارد. ارتفاع هر سه شکل برابر است و تنها جرم در شکل وسطی بیشتر است. بنابراین کار نیروی وزن آن بیشتر است.

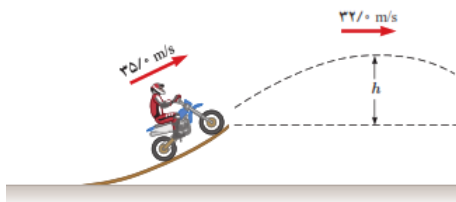


(۱۳) در شکل روبه‌رو هواپیمایی که در ارتفاع ۲۲۵m از سطح زمین و با تندى 198 km/h پرواز می‌کند، بسته‌ای را برای کمک به آسیب دیدگان زلزله رها می‌کند. تندى بسته هنگام برخورد به زمین چقدر است؟ (از تأثیر مقاومت هوا روی حرکت بسته چشم‌پوشی کنید.)

$$h_i = 225 \text{ m}, v_i = 198 \frac{\text{km}}{\text{h}} \times \frac{10}{36} = 55 \frac{\text{m}}{\text{s}}, h_f = 0, v_f = ?$$

با صرف نظر از نیروی مقاومت هوا در طول مسیر، انرژی مکانیکی اولیه و نهایی بسته برابر است:

$$\begin{aligned} E_i &= E_f \rightarrow K_i + U_i = K_f + U_f \rightarrow \frac{1}{2}mv_i^2 + mgh_i = \frac{1}{2}mv_f^2 \rightarrow \frac{1}{2}v_i^2 + gh_i = \frac{1}{2}v_f^2 \\ \rightarrow \frac{1}{2}(55)^2 + 10 \times 225 &= \frac{1}{2}v_f^2 \rightarrow 1512.5 + 2250 = 0.5v_f^2 \rightarrow 3762.5 = 0.5v_f^2 \\ \rightarrow v_f &= \frac{3762.5}{0.5} = 7525 \rightarrow v_f = \sqrt{7525} \approx 86.7 \frac{\text{m}}{\text{s}} \end{aligned}$$

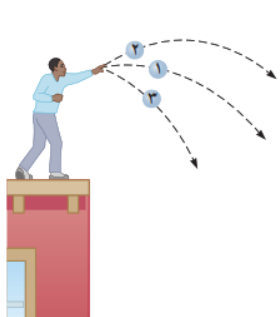


۱۴) موتورسواری از انتهای سکویی مطابق شکل روبه‌رو پرشی را با تندی 35 m/s انجام می‌دهد. اگر تندی موتور سوار در بالاترین نقطه‌ی مسیرش به 32 m/s برسد، ارتفاع h را پیدا کنید. اصطکاک و مقاومت هوا را در طول مسیر حرکت موتورسوار نادیده بگیرید.

$$v_1 = 35 \frac{m}{s}, h_1 = 0, v_2 = 32 \frac{m}{s}, h_2 = h = ?$$

$$E_1 = E_2 \rightarrow K_1 + U_1 = K_2 + U_2 \rightarrow \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}mv_2^2 + mgh \rightarrow \frac{1}{2}v_1^2 = \frac{1}{2}v_2^2 + gh$$

$$\rightarrow \frac{1}{2} \times (35)^2 = \frac{1}{2} \times (32)^2 + 10 \times h \rightarrow 612.5 = 512 + 10 \times h \rightarrow h = \frac{100.5}{10} \approx 10.05 \text{ m}$$



۱۵) سه توپ مشابه، از بالای ساختمانی با تندی یکسانی پرتاب می‌شوند (شکل روبه‌رو). توپ (۱) در امتداد افق، توپ (۲) با زاویه‌ای بالاتر از امتداد افق و توپ (۳) با زاویه‌ای پایین‌تر از امتداد افق پرتاب می‌شود. با نادیده گرفتن مقاومت هوا، انرژی جنبشی توپ‌ها را هنگام برخورد با سطح زمین، با یکدیگر مقایسه کنید.

انرژی پتانسیل گرانشی توپ‌ها به دلیل یکسان بودن جرم و مبدأ پرتاب با هم برابر است. انرژی جنبشی آنها نیز به دلیل یکسان بودن جرم و سرعت اولیه با هم برابر است.

$$E_1 = E_2 = E_3$$

با نادیده گرفتن مقاومت هوا، انرژی‌های مکانیکی اولیه و نهایی هر یک از توپ‌ها برابر است. در زمان برخورد به زمین انرژی پتانسیل توپ‌ها صفر است و فقط انرژی جنبشی دارند. پس انرژی جنبشی توپ‌ها هنگام برخورد با زمین با یکدیگر برابر است.

۱۶) گلوله‌ای به جرم 45 g از دهانه‌ی تفنگی با تندی 22 km/s و ارتفاع 1.62 m از سطح زمین شلیک می‌شود. اگر گلوله با تندی 425 km/s به زمین برخورد کند:

الف) در مدت حرکت گلوله کار نیروی مقاومت هوا چقدر است؟

$$m = 45 \text{ g} = 0.045 \text{ kg}, v_1 = 22 \frac{\text{km}}{\text{s}} = 22 \times 10^3 \frac{\text{m}}{\text{s}} = 22000 \frac{\text{m}}{\text{s}}, h_1 = 1.62 \text{ m}$$

$$v_2 = 425 \frac{\text{km}}{\text{s}} = 425 \times 10^3 \frac{\text{m}}{\text{s}} = 425000 \frac{\text{m}}{\text{s}}, h_2 = 0, g = 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, W_f = ?$$

کار نیروهای مقاوم برابر است با تغییر انرژی مکانیکی جسم. یعنی: $W_f = E_2 - E_1$

$$E_1 = K_1 + U_1 = \frac{1}{2}mv_1^2 + mgh_1 = \frac{1}{2} \times 0.045 \times (22000)^2 + 0.045 \times 10 \times 1.62 = 33489 + 0.729 \rightarrow E_1 = 33490 \text{ J}$$

$$E_2 = K_2 + U_2 = \frac{1}{2}mv_2^2 + mgh_2 = \frac{1}{2} \times 0.045 \times (425000)^2 = 4064 \text{ J} \rightarrow E_2 = 4064 \text{ J}$$

$$W_f = E_2 - E_1 = 4064 - 33490 = -29426 \text{ J} \rightarrow W_f = -2.94 \times 10^4 \text{ J}$$

ب) مقدار به دست آمده در قسمت (الف) را با کار نیروی وزن مقایسه کنید.

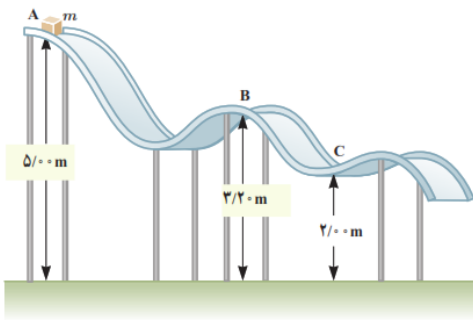
$$W = mgh = 0.045 \times 10 \times 1.62 = 0.729 \text{ J} \rightarrow W = 0.729 \text{ J}$$

کار نیروی وزن در این حرکت بسیار ناچیز و قابل صرف نظر است.

۱۷) جسمی به جرم $m = ۱۲ / ۵ \text{ kg}$ در نقطه‌ی A از حالت سکون رها می‌شود و در

مسیری بدون اصطکاک سُر می‌خورد (شکل زیر). تعیین کنید:

الف) تندی جسم را در نقطه‌ی B



$$m = ۱۲ / ۵ \text{ kg} , v_A = 0 , h_A = ۵ \text{ m} , h_B = ۳ / ۲ \text{ m} , v_B = ? , g = ۱۰ \frac{\text{m}}{\text{s}^2}$$

$$E_A = E_B \rightarrow U_A + K_A = U_B + K_B \rightarrow mgh_A = mgh_B + \frac{1}{2}mv_B^2 \rightarrow ۱۰ \times ۵ = ۱۰ \times ۳ / ۲ + \frac{v_B^2}{۲}$$

$$\rightarrow ۵۰ - ۳۲ = \frac{v_B^2}{۲} \rightarrow v_B^2 = ۳۶ \rightarrow v_B = ۶ \frac{\text{m}}{\text{s}}$$

ب) کار نیروی گرانشی را در حرکت جسم از نقطه‌ی A تا نقطه‌ی C.

$$W = -\Delta U = -(U_C - U_A) = -(mgh_C - mgh_A) = -mg(h_C - h_A) = -۱۲ / ۵ \times ۱۰ \times (۲ - ۵) = ۳۷۵ \text{ J}$$

۱۸) شکل روبه‌رو گلوله‌ای را نشان می‌دهد که از سقف کلاسی آویزان شده و دانش‌آموزی آن را از وضعیت تعادل خارج کرده و در برابر نوک بینی خود گرفته است.



الف) وقتی دانش‌آموز گلوله را رها می‌کند، هنگام برگشت به او برخورد نمی‌کند. چرا؟ (این تجربه‌ی ساده ولی هیجان‌انگیز را در صورت امکان در کلاستان انجام دهید.)

بخشی از انرژی مکانیکی اولیه گلوله در طول مسیر رفت و برگشت به دلیل مقاومت هوا تلف می‌شود. بنابراین انرژی مکانیکی گلوله در مسیر برگشت کاهش یافته و تا ارتفاع کمتری بالا می‌آید.

ب) اگر دانش‌آموز هنگام رها کردن گلوله، آن را هل دهد، هنگام برگشت آن چه اتفاقی می‌افتد؟

در این حالت به دلیل اضافه شده مقداری انرژی جنبشی اولیه، کل انرژی مکانیکی اولیه گلوله نسبت به حالت قبل افزایش می‌یابد و گلوله می‌تواند در مسیر برگشت تا ارتفاع اولیه و حتی بیشتر از آن نیز بالا بیاید.

۷-۲ توان

۱۹) بالابری با تندی ثابت، باری به جرم $۶ / ۸۰ \times ۱۰^۲ \text{ kg}$ را در مدت ۱۸۶ s تا ارتفاع $۷۸ / ۴ \text{ m}$ بالا می‌برد. اگر جرم بالابر $۳ / ۲۰ \times ۱۰^۲ \text{ kg}$ باشد، توان متوسط موتور آن چند وات و چند اسب بخار است؟

$$m = ۶۸ + ۳۲ = ۱۰۰ \text{ kg} , \Delta t = ۱۸۶ \text{ s} , h = ۷۸ / ۴ \text{ m} , g = ۱۰ \frac{\text{N}}{\text{kg}}$$

کار انجام شده توسط آسانسور برابر است با تغییر انرژی پتانسیل گرانشی:

$$W = mgh = ۱۰۰ \times ۱۰ \times ۷۸ / ۴ = ۷۸ / ۴ \times ۱۰^۴ \text{ J}$$

$$\bar{P} = \frac{W}{\Delta t} = \frac{۷۸ / ۴ \times ۱۰^۴}{۱۸۶} = ۴۲۱۵ \text{ W} \rightarrow \bar{P} = ۴۲۱۵ \div ۷۴۶ = ۵ / ۶۵ \text{ hp}$$

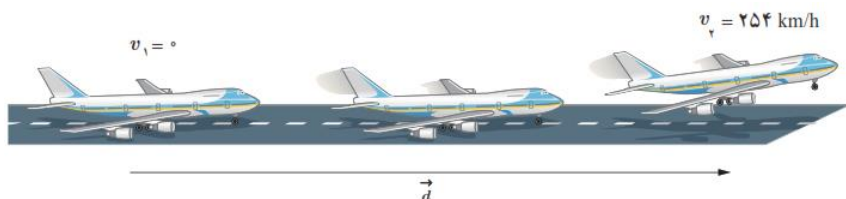
۲۰) شخصی به جرم $۷۸/۵\text{ kg}$ در مدت زمان $۸۴/۰\text{ s}$ از یک پله بالا می‌رود. توان متوسط مفید او چند وات است؟ ارتفاع هر پله را $۲۸/۵\text{ cm}$ فرض کنید.

$$m = ۷۸/۵\text{ kg} , \Delta t = ۸۴\text{ s} , h = ۵۰ \times ۲۸/۵ = ۱۴۲۵\text{ cm} = ۱۴/۲۵\text{ m} , g = ۱۰ \frac{\text{N}}{\text{kg}}$$

کار مفید انجام شده توسط شخص برابر است با تغییر انرژی پتانسیل گرانشی شخص:

$$W = mgh = ۷۸/۵ \times ۱۰ \times ۱۴/۲۵ = ۱۱۱۸۶/۲۵\text{ J}$$

$$\bar{P} = \frac{W}{\Delta t} = \frac{۱۱۱۸۶/۲۵}{۸۴} = ۱۳۳\text{ W} \rightarrow \bar{P} = ۱۳۳\text{ W}$$



۲۱) شکل زیر هواپیمایی به جرم $۷/۲۰ \times ۱۰^۴\text{ kg}$ را نشان می‌دهد که از حال سکون شروع به حرکت می‌کند و پس از $۲/۰۵ \times ۱۰^۳\text{ m}$ جابه‌جایی در امتداد باند هواپیما، به تندی برخاستن $v_p = ۲۵۴\text{ km/h}$ می‌رسد.

الف) کار کل نیروهای وارد بر هواپیما را در این جابه‌جایی حساب کنید.

$$m = ۷/۲۰ \times ۱۰^۴\text{ kg} , v_1 = ۰ , d = ۲۰۵۰\text{ m} , v_p = ۲۵۴ \times \frac{۱۰}{۳۶} = ۷۰/۵ \frac{\text{m}}{\text{s}} , W_t = ?$$

$$W_t = K_p - K_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 = \frac{1}{2} \times ۷/۲ \times ۱۰^۴ \times (۷۰/۵)^2 = ۱۷۸۹۲/۹ \times ۱۰^۴\text{ J}$$

$$\rightarrow W_t = ۱۷۸۹۳ \times ۱۰^۴\text{ J} = ۱/۸ \times ۱۰^۸\text{ J}$$

یک دقیقه پس از برخاستن، هواپیما تا ارتفاع ۵۶۵ m از سطح زمین اوج می‌گیرد و تندی آن به ۳۲۸ km/h می‌رسد. در این مدت،

ب) کار نیروی وزن چقدر است؟

$$h = ۵۶۵\text{ m} , W = ?$$

$$W = -\Delta U = -(U_p - U_1) = -(mgh_p - mgh_1) = -mg(h_p - h_1) = -mgh = -۷/۲ \times ۱۰^۴ \times ۱۰ \times ۵۶۵$$

$$= -۴۰۶۸۰ \times ۱۰^۴\text{ J} \rightarrow W = -۴ \times ۱۰^۸\text{ J}$$

پ) به جز نیروی وزن، چه نیروهای دیگری بر هواپیما اثر می‌کند (با این نیروها در علوم سال ششم آشنا شدید؟) کار کدام یک از این نیروها مثبت و کار کدام یک از آنها منفی است؟

کار نیروی رانشی و نیروی بالابر مثبت و کار نیروی مقاومت هوا منفی است.

ت) کار کل نیروهای وارد بر هواپیما چقدر است؟

$$v_1 = ۲۵۴ \times \frac{۱۰}{۳۶} = ۷۰/۵ \frac{\text{m}}{\text{s}} , v_p = ۳۲۸ \times \frac{۱۰}{۳۶} = ۹۱/۱ \frac{\text{m}}{\text{s}} , W_t = ?$$

$$W_t = K_p - K_1 = \frac{1}{2}mv_p^2 - \frac{1}{2}mv_1^2 = \frac{1}{2}m(v_p^2 - v_1^2) = \frac{1}{2} \times ۷/۲ \times ۱۰^۴ \times (۹۱/۱)^2 - (۷۰/۵)^2$$

$$= \frac{1}{2} \times ۷/۲ \times ۱۰^۴ \times ۳۳۲۸/۹۶ = ۱۱۹۸۴/۲۵ \times ۱۰^۴\text{ J} \rightarrow W_t = ۱۱۹۸۴ \times ۱۰^۴\text{ J} = ۱/۲ \times ۱۰^۸$$

ث) توان کل انجام کار توسط نیروهای غیر از وزن را بیابید.

$$W_t = W_{\text{وزن}} + W_{\text{غیر وزن}} \rightarrow W_{\text{غیر وزن}} = W_t - W_{\text{وزن}} = 1/2 \times 10^8 - (4 \times 10^8)$$

$$= 1/2 \times 10^8 + 4/0 \times 10^8 \rightarrow W = 5/2 \times 10^8 J$$

$$P_{\text{غیر وزن}} = \frac{W_{\text{غیر وزن}}}{\Delta t} = \frac{5/2 \times 10^8}{60} = 8/6 \times 10^6 = 8/6 MW$$

(۲۲) سالانه نزدیک به ۱۲۵ میلیارد لیتر مواد و فرآورده‌های نفتی از طریق حدود $1/40 \times 10^6 km$ خطوط لوله در نقاط مختلف کشور توزیع می‌شود. این خطوط در طول مسیر خود از مراکز انتقال متعددی می‌گذرند تا توان لازم را برای ادامه‌ی راه به دست آورند. شکل زیر یکی از این مراکز را نشان می‌دهد که در ارتفاع $2/05 \times 10^3 m$ از سطح دریای آزاد قرار دارد. در این مرکز، در هر ثانیه یک متر مکعب مواد نفتی از طریق لوله‌ای با قطر $32/0$ اینچ ($81/2 cm$) توسط دو دستگاه پمپ (تلمبه) تا ارتفاع

$2/70 \times 10^3 m$ از سطح دریای آزاد فرستاده می‌شود. اگر بازده هر یک از پمپ‌های این مرکز ۲۸ درصد باشد، توان هر یک از آنها بر حسب مگاوات (MW) و اسب بخار (hp) چقدر است؟ (چگالی مواد نفتی را $8/60 \times 10^3 kg/m^3$ بگیرید.)



مرکز انتقال نفت گندم‌کار، یکی از ۷ مرکزی است که در مسیر مارون - اصفهان قرار دارد. این مسیر، که طولی برابر ۲۲۱ کیلومتر دارد دومین مسیر سخت و صعب‌العبور خطوط انتقال مواد نفتی در دنیاست.

$$h_1 = 2/05 \times 10^3 m, \quad h_2 = 2/70 \times 10^3 m, \quad Ra = \frac{28}{100} = 0/28, \quad \rho = 8/60 \times 10^3 \frac{kg}{m^3}, \quad P = ?$$

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 8/6 \times 10^3 \times 1 = 8/6 \times 10^3 kg$$

$$W = \Delta U = U_2 - U_1 = mgh_2 - mgh_1 = mg(h_2 - h_1) = 8/6 \times 10^3 \times 10 \times (2/70 \times 10^3 - 2/05 \times 10^3)$$

$$= 8/6 \times 10^3 \times 0/65 \times 10^3 = 5/59 \times 10^6 J \Rightarrow W = E = 5/59 \times 10^6 J$$

W خروجی برابر E خروجی برابر $5/59 \times 10^6 J$ است.

$$Ra = \frac{E_{\text{خروجی}}}{E_{\text{ورودی}}} \rightarrow E_{\text{ورودی}} = \frac{E_{\text{خروجی}}}{Ra} = \frac{5/59 \times 10^6}{0/28} = 19/9 \times 10^6 J$$

$$P = \frac{E}{t} = \frac{19/9 \times 10^6}{1} = 19/9 \times 10^6 W$$

$$\text{توان هر پمپ: } \frac{19/9 \times 10^6}{2} = 9/95 \times 10^6 W \rightarrow 9/95 \times 10^6 \div 746 = 1/33 \times 10^6 hp$$



فعالیت ۱-۳

صفحه ۶۳

قلم‌زنی یکی از هنرهای صنعتی ایران و با قدمتی چندین هزار ساله است. تحقیق کنید صنعتگران قلم‌زن، چگونه از شل و سفت شدن قیر کمک می‌گیرند تا بدون سوراخ شدن فلز، بر روی آن نقش و نگارهای متنوعی ایجاد کنند.

صنعتگران برای تنظیم گودی و برجستگی‌های ایجاد شده بر روی فلز و جلوگیری از سوراخ شدن سطح فلز با ضربات چکش، قیر را با گرما دادن شل کرده و داخل ظروف کار خود می‌ریزند تا سطح داخلی آن را به طور کامل بپوشانند. هرچه قیر داغ‌تر باشد، فلز در حین ضربه بیشتر فرو می‌رود. ز قیر سفت شده نیز برای استحکام بخشی و جلوگیری از فرورفتن بیش از حد سطح و شکستن فلز در برابر ضربه و همچنین کاهش سر و صدا استفاده می‌کنند. در برخی از موارد نیز به قیر گچ اضافه می‌کنند تا ترد و شکننده شده و بعد از کار به آسانی از سطح جدا شود.



فعالیت ۲-۳

صفحه ۶۴

یک سرنگ، مثلاً ۱۰ سی‌سی اختیار کنید. پیستون آن را بکشید تا هوا وارد سرنگ شود. انگشت خود را محکم روی دهانه‌ی خروجی سرنگ قرار دهید و تا جایی که می‌توانید پیستون را حرکت دهید تا هوای درون سرنگ متراکم شود.

هوای درون سرنگ را خالی و آن را تا نیمه از آب پر کنید. با مسدود نمودن انتهای سرنگ سعی کنید تا جایی که ممکن است مایع درون آن را متراکم کنید. از این آزمایش ساده چه نتیجه‌ای در مورد تراکم پذیری گازها و مایع‌ها می‌گیرید؟ توضیح دهید.

چون فاصله بین مولکولی در مایع‌ها کم است (تقریباً به اندازه جامدات است)، نیروی دافعه بین مولکولی اجازه نمی‌دهد که این فاصله را با وارد کردن فشار کاهش داد. ولی در گازها فاصله بین مولکول‌ها بسیار زیاد است. بنابراین مولکول‌های گاز را می‌توان تحت فشار به یکدیگر نزدیک و متراکم کرد. در نتیجه می‌توانیم بگوییم مایع‌ها تراکم ناپذیر و گازها تراکم‌پذیرند.



پرسش ۱-۳

صفحه ۶۵

الف) وقتی در شیشه‌ی عطری را در گوشه‌ای از اتاق باز می‌کنید، پس از چند ثانیه ذرات عطر در همه جای اتاق پخش و بوی آن حس می‌شود. با توجه به شکل روبه‌رو، این پدیده را چگونه توجیه می‌کنید؟ چرا پدیده‌ی پخش در گازها سریع‌تر از مایع‌ها رخ می‌دهد؟

حرکت نامنظم و کاتوره‌ای مولکول‌های عطر و هوا در فضای اتاق و برخورد آنها با یکدیگر و انحراف مسیرشان باعث پراکنده شدن این مولکول‌ها در فضای اتاق می‌شود. حرکت مولکول‌ها در گازها سریع‌تر از مایع‌ها است بنابراین پدیده پخش در گازها با سرعت بیشتری رخ می‌دهد.

ب) هوای اطراف کره‌ی زمین، آمیزه‌ای از نیتروژن (۷۸ درصد)، اکسیژن (۲۱ درصد)، کربن دی‌اکسید، بخار آب و مقدار کمی گازهای بی‌اثر (کریپتون، نئون و هلیوم) است. این مولکول‌ها به طور کاتوره‌ای و با تندی زیاد همواره در حرکت‌اند. برخورد مولکول‌های هوا به یکدیگر سبب پخش آنها می‌شود. اهمیت این پدیده را برای حیات روی کره‌ی زمین توضیح دهید.

اکسیژن تولید شده توسط گیاهان در جنگل‌ها طی فرآیند پخش و با وزش بادهای در سراسر کره زمین پراکنده می‌شود. همچنین کربن دی‌اکسید و گازهای مضر تولید شده توسط ماشین‌آلات و کارخانه‌ها با فرآیند پخش پراکنده و در محل تولید باقی نمی‌ماند.



تمرین ۱-۳

صفحه ۶۶

در مکعبی به ابعاد یک نانومتر، چه تعداد اتم را می‌توان جای داد؟ اگر ابعاد مکعب ۱۰ نانومتر باشد چطور؟ قطر هر اتم را $1 \times 10^{-10} \text{ m}$ فرض کنید.

$$\text{قطر اتم} + \text{ضلع مکعب} = 1 \text{ nm} + 1 \times 10^{-10} \text{ m} = \frac{1 \text{ nm}}{1 \times 10^{-10} \text{ m}} = \frac{1 \times 10^{-9}}{1 \times 10^{-10}} = 10$$

بنابراین تعداد کل اتم‌هایی که در این مکعب جای می‌گیرند برابر است با: $10 \times 10 \times 10 = 10^3$ / تعداد کل اتم‌ها
اگر ابعاد مکعب 10 nm (۱۰ برابر) شود تعداد اتم‌هایی که در هر یک از ابعاد طول و عرض و ارتفاع این مکعب جای می‌گیرند ۱۰۰ می‌شود بنابراین:

$$10^6 \times 10^6 \times 10^6 = 10^{18} \text{ / تعداد کل اتم‌ها}$$

صفحه ۶۷

پرسش ۲-۳



به نظر شما چرا در کتاب‌های مرجع دمای ذوب طلا را 1064° ذکر کرده اند؟

زیرا این دمای ذوب برای تمام کاربردهای علمی و صنعتی صحیح است و تمامی قطعه‌هایی از طلا که می‌توان آنها را با چشم دید در این دما ذوب می‌شوند. اما در مقیاس نانو، هرچه ذره کوچک‌تر باشد دمای ذوب کمتری دارد بنابراین نمی‌توان دمای ذوب ثابتی را برای طلا در نظر گرفت.

صفحه ۶۸

فعالیت ۳-۳



علوم و فناوری نانو دستاوردهای فراوانی در عرصه‌های مختلف، از جمله: پزشکی و داروسازی، رایانه‌ها، ذخیره‌سازی داده‌ها و گوشی‌های تلفن همراه، صنایع هواپیماسازی و خودروسازی، پوشاک، خوردنی‌ها و ... داشته است. تأثیر علوم نانو را در یکی از این حوزه‌ها در گروه خود، به عنوان موضوع تحقیق انتخاب کرده و نتیجه‌ی تحقیق را به کلاس ارائه دهید.

دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با مراجعه به سایت www.nano.ir و جستجوی شماره‌های مختلف ماهنامه «فناوری نانو» با آخرین پیشرفت‌های این فناوری در علوم مختلف آشنا شوند.

صفحه ۶۹

پرسش ۳-۳



وقتی شیشه می‌شکند با نزدیک کردن قطعه‌های آن به هم نمی‌توان اجزای شیشه را دوباره به هم چسباند؛ ولی اگر قطعه‌های شیشه را آن قدر گرم کنیم که نرم شوند می‌توان آنها را به هم چسباند. این پدیده‌ها را با توجه به کوتاه بُرد بودن نیروهای بین مولکولی توجیه کنید.

چون نیروهای بین مولکولی کوتاه برد هستند با نزدیک کردن قطعات شیشه نمی‌توان آنها را در فاصله بین مولکولی یکدیگر قرار داده و به هم چسباند ولی بعد از گرم کردن شیشه و اتصال آنها به هم، جنبش بین مولکول‌ها باعث قرار گرفتن آنها در فاصله‌های بین مولکولی شده و جاذبه بین مولکول‌ها سبب اتصال دوباره قطعات به یکدیگر می‌شود.

صفحه ۷۰

فعالیت ۴-۳



الف) سعی کنید یک سوزن ته‌گرد یا گیره‌ی کاغذ را مطابق شکل روی سطح آب شناور کنید. برای این منظور می‌توانید از یک تکه دستمال کاغذی استفاده کنید.



ب) پس از شناور شدن سوزن یا گیره، سطح آب را به دقت مشاهده کنید و مشاهدات خود را به کلاس گزارش دهید.
سوزن یا گیره در محل تماس با سطح آب فرورفتگی ایجاد می‌کند. ولی روی سطح آب شناور بوده و به زیر آب نمی‌رود. (کشش سطحی ناشی از هم چسبی مولکول‌های سطح آب مانع از فرو رفتن جسم در آب می‌شود).

پ) اکنون یکی دو قطره مایع شوینده را به آرامی به آب درون ظرف بیفزایید. مشاهدات خود را به کلاس گزارش کنید و دلیلی برای آن ارائه دهید.



شکل روبه‌رو خروج قطره‌های روغن با دمای متفاوت را از دهانه‌ی دو قطره چکان نشان می‌دهد.



(الف) توضیح دهید در کدام شکل دمای قطره‌های روغن کمتر است؟

در شکل سمت چپ- زیرا هر قدر روغن سردتر باشد، نیروی هم چسبی آن قوی‌تر است و در زمان جدا شدن از قطره‌چکان قطرات بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهد. (با قوی‌تر شدن نیروی هم‌چسبی، قطره برای فرو افتادن و غلبه بر این نیرو باید جرم بیشتری داشته باشد).

(ب) افزایش دما چه تأثیری بر نیروی هم چسبی مولکول‌های یک مایع می‌گذارد؟

افزایش دما باعث افزایش جنبش مولکولی و در نتیجه ضعیف‌تر شدن نیروی هم چسبی مولکول‌های یک مایع می‌شود.

(پ) چرا هنگام شستن ظروف، افزون بر استفاده از مایع ظرف‌شویی، ترجیح می‌دهیم از آب گرم نیز استفاده کنیم؟

گرما باعث افزایش جنبش مولکولی و در نتیجه غلبه بر نیروی دگر چسبی چربی‌ها و ظروف شده و ظروف راحت‌تر شسته می‌شوند.



یک طرف یک تکه شیشه‌ی کوچک (با ابعادی حدود 10cm در 10cm) را کمی بالاتر از شعله‌ی یک شمع بگیرید تا سطح شیشه به طور کامل دوداندود شود. شیشه را از طرف تمیز آن روی سطحی افقی قرار دهید و سپس روی سطح دود اندود شده‌ی آن چند قطره آب بریزید. آنچه را مشاهده می‌کنید در گروه خود به بحث بگذارید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

چون نیروی هم‌چسبی بین مولکول‌های آب از نیروی دگر چسبی مولکول‌های آب و دوده بیشتر است، آب دوده را تر نمی‌کند و قطرات آب بر روی دوده به شلک کروی باقی می‌مانند و به صورت قطره‌های کوچک روی سطح شیشه قرار می‌گیرد.

بار دیگر سطح شیشه را به جای دود اندود کردن، با روغن چرب کنید و آزمایش را تکرار کنید. مشاهده‌ی خود را توضیح دهید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید. (پس از بحث کافی در خصوص این فعالیت، دوباره به تصویر و پرسش شروع فصل بازگردید و پاسخی قانع کننده ارائه دهید.)

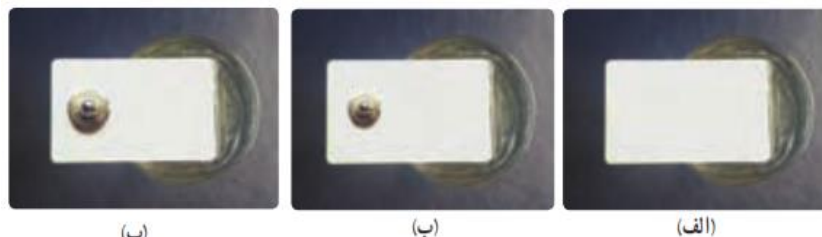
چون نیروی هم‌چسبی بین مولکول‌های آب از نیروی دگر چسبی بین مولکول‌های آب و روغن بیشتر است آب بر سطح شیشه چرب شده با روغن پخش نمی‌شود و به صورت قطره‌های کوچک روی سطح شیشه قرار می‌گیرد.



این فعالیت به شما کمک می‌کند تا درک بهتری از نیروی دگرچسبی به دست آورید. به این منظور از یک لیوان پر از آب، یک کارت بانکی و تعدادی وزنه چند گرمی یا سکه‌های پول استفاده کنید. ابتدا مطابق شکل الف، کارت را طوری روی لبه‌ی لیوان قرار دهید که تنها نیمی از آن با آب در تماس باشد. وزن‌های چند گرمی را روی قسمتی از کارت قرار دهید که با آب در تماس نیست (ابتدا وزنه ۵ گرمی، سپس ۱۰ گرمی و...). نتیجه‌ی مشاهده‌ی خود را با توجه به مفاهیمی که تاکنون فرا گرفته‌اید توضیح دهید.

چون نیروی دگرچسبی آب و کارت بیشتر از نیروی هم چسبی بین مولکول‌های آب است با افزودن وزنه‌ها در یک سمت کارت، سوی دیگر علاوه بر اینکه از سطح اولیه خود بالاتر می‌آید سطح آب در تماس با خود را نیز بالا می‌برد. بنابراین کارت از سطح آب جدا نمی‌شود. با افزایش تعداد وزنه‌ها، نیروی وزن آنها بر نیروی دگر چسبی آب و کارت غلبه کرده و کارت از سطح آب جدا می‌گردد.

یکی دو قطره مایع شوینده به آب اضافه کنید و آزمایش را تکرار کنید. نتیجه‌ی مشاهده خود را در گروه خود به بحث بگذارید.
با افزودن مایع ظرفشویی به آب، نیروی دگر چسبی کاهش یافته و کارت با قراردادن وزنه‌ها به راحتی از سطح آب جدا می‌شود.



(ب)

(ب)

(الف)

صفحه ۷۲

فعالیت ۷-۳



در ساختن دیوارهای ساختمان باید اثر موینگی در نظر گرفته شود، زیرا تراوش آب از منفذهای موین در این دیوارها می‌تواند سبب خسارت در داخل ساختمان شود. برای جلوگیری از این خسارت، دیوارهای داخل یا خارج ساختمان را معمولاً با مواد ناتراوا (مانند قیر) می‌پوشانند. تحقیق کنید در معماری سنتی ایران به جای قیر اندود کردن، چگونه از نفوذ آب به داخل سازه‌ها جلوگیری می‌کردند.



سازه‌های آبی شونستر که از دوران هخامنشیان تا ساسانیان، جهت بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شده‌اند.

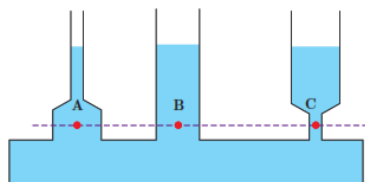
در نواحی بسیار مرطوب کرانه‌های نزدیک دریا خانه‌ها بر روی پایه‌های چوبی بنا می‌شد، شیب بندی مناسب بام‌ها نیز از عوامل مؤثر در جلوگیری از نفوذ آب بوده است. استفاده از کاهگل و روغن به عنوان اندود بر روی کاهگل‌ها، ملات‌های آهکی و ملات قیر چارو (ساروج گچ) که ترکیبی از گچ، گل رس، شیره سوخته انگور یا خرما، خاکستر و مواد الیافی (مغز و پرزهای نوعی نی) است از جمله عایق‌های رطوبتی معماری سنتی ایران بوده است. (به طور کلی مواد که نیروی دگر چسبی آنها با آب کمتر از نیروی هم چسبی مولکول‌های آب باشند، ناتراوا بوده و عایق‌های رطوبتی خوبی هستند.)

صفحه ۷۴

پرسش ۵-۳



در علوم سال نهم دیدید که فشار در نقاط هم تراز از یک مایع ساکن مانند نقاط A و B و C در شکل یکسان است و به شکل ظرف بستگی ندارد. سازگاری این موضوع را با رابطه‌ی ۳-۳ توضیح دهید.



طبق رابطه $P = P_0 + \rho gh$ عوامل مؤثر بر فشار یک مایع عبارتند از فشار در سطح مایع، چگالی مایع، عمق مایع و شتاب گرانشی. چون همه این عوامل در نقاط A, B, C یکسان است، فشار در این نقاط با هم برابر است.

صفحه ۷۶

تمرین ۲-۳



شناگری در عمق ۵/۰ متری از سطح آب دریاچه‌ای شنا می‌کند. فشار ناشی از آب و همچنین فشار کل در این عمق چقدر است؟ اگر مساحت پرده گوش را یک سانتی‌متر مربع (1cm^2) فرض کنیم، بزرگی نیرویی که به پرده‌ی گوش این شناگر وارد می‌شود چند نیوتون است؟ فشار هوای محیط را $1 \times 10^5 \text{Pa}$ بگیرد.

$$\rho = 1 \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}, \quad g \simeq 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, \quad P_0 = 1 \times 10^5 \text{Pa} = 10^5 \text{Pa}$$

$$A = 1\text{cm}^2 = 1 \times 10^{-4} \text{m}^2, \quad h = 5\text{m}$$

$$P = \rho gh = 1 \times 10^3 \times 10 \times 5 = 5 \times 10^4 \text{Pa} \rightarrow P = 5 \times 10^4 \text{Pa} \quad \text{فشار شاره در عمق ۵ متری}$$

$$P = P_0 + \rho gh = P_0 + P = 10 / 1 \times 10^6 + 5 \times 10^6 = 15 / 1 \times 10^6 \text{ Pa} \rightarrow P = 15 / 1 \times 10^6 \text{ Pa}$$

$$P = \frac{F}{A} \Rightarrow F = PA = 15 / 1 \times 10^6 \times 1 \times 10^{-6} = 15 / 1 \text{ N} \rightarrow F = 15 / 1 \text{ N}$$

نیروی وارد بر پرده گوش

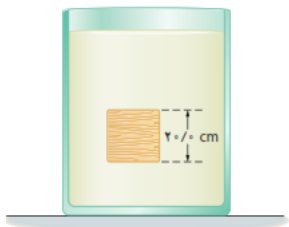
صفحه ۷۶

تمرین ۳-۳



جسمی مکعبی به طول ضلع 20 cm درون شاره‌ای غوطه‌ور و در حال تعادل است (شکل روبه‌رو). فشار در بالا و زیر جسم به ترتیب برابر $105/0$ و $106/8$ کیلوپاسکال است.

چگالی شاره چند کیلوگرم بر متر مکعب است؟ (راهنمایی: از رابطه‌ی ۲-۳ استفاده کنید.)



$$h = 20 \text{ cm} = 0.2 \text{ m}$$

$$g \simeq 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, \quad \rho = ?$$

$$P_1 = 105 \text{ kPa} = 105 \times 10^3 \text{ Pa}$$

$$P_2 = 106.8 \text{ kPa} = 106.8 \times 10^3 \text{ Pa}$$

$$P_2 = P_1 + \rho gh$$

$$106.8 \times 10^3 = 105 \times 10^3 + \rho \times 10 \times 0.2 \rightarrow 106.8 \times 10^3 - 105 \times 10^3 = 2\rho \rightarrow 1.8 \times 10^3 = 2\rho$$

$$\rho = \frac{1.8 \times 10^3}{2} = 0.9 \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} \rightarrow \rho = 900 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

صفحه ۷۷

تمرین ۴-۳



در هواشناسی و روی نقشه‌های آب و هوا، معمولاً از یکای بار (bar) برای فشار هوا استفاده می‌کنند به طوری که داریم:

$$1 \text{ bar} = 1 / 1000 \times 10^5 \text{ N} / \text{m}^2 = 1 / 1000 \times 10^5 \text{ Pa}$$

یک ستون به سطح مقطع 1 m^2 در نظر بگیرید که از سطح دریای آزاد تا بالاترین بخش جو زمین ادامه می‌یابد. (شکل روبه‌رو). اگر فشار هوا را در سطح دریا 1 bar در نظر بگیریم، چند کیلوگرم هوا در این ستون فرضی وجود دارد؟



$$A = 1 \text{ m}^2, \quad P_0 = 1 \times 10^5 \text{ Pa}, \quad g \simeq 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, \quad m = ?$$

نیروی که ستون هوا به سطح مقطع وارد می‌کند برابر است با:

$$P_0 = \frac{F}{A} \rightarrow F = P_0 A = 1 \times 10^5 \times 1 = 1 \times 10^5 \text{ N} \rightarrow F = 1 \times 10^5 \text{ N}$$

این نیرو برابر وزن هوای داخل ستون است بنابراین:

$$F = mg \rightarrow m = \frac{F}{g} = \frac{1 \times 10^5}{10} = 1 \times 10^4 \text{ kg} \rightarrow m = 10000 \text{ kg}$$

با توجه به شکل ۳-۱۸ چند درصد این جرم تا ارتفاع ۹ کیلومتری این ستون فرضی قرار دارد؟ ابتدا جرم ستون هوا را از ارتفاع ۹ کیلومتری تا انتهای جو محاسبه می‌کنیم:

$$P = \frac{F}{A} \Rightarrow F = PA = 300 \times 10^3 \times 1 = 3 \times 10^5 \text{ N} \rightarrow F = 3 \times 10^5 \text{ N}$$

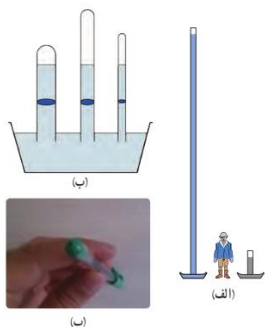
$$F = mg \Rightarrow m = \frac{F}{g} = \frac{3 \times 10^5}{10} = 3 \times 10^4 = 30000 \text{ kg} \Rightarrow m = 30000 \text{ kg}$$

$$10000 - 3000 = 7000 \text{ kg}$$

$$\frac{7000}{10000} = \frac{x}{100} \Rightarrow x = \frac{100 \times 7000}{10000} = 70\%$$

صفحه ۷۸

پرسش ۳-۶



الف) توضیح دهید چرا توربیجلی در آزمایش خود ترجیح داد به جای آب از جیوه استفاده کند؟
(ممکن است شکل الف بتواند در پاسخ به این پرسش به شما کمک کند.)

چون چگالی جیوه بسیار بیشتر از چگالی آب است، ارتفاع ستون جیوه در آزمایش بسیار کمتر از ارتفاع ستون آب می‌شود. بنابراین انجام آزمایش و اندازه‌گیری ارتفاع راحت‌تر است.

ب) برای لوله‌های غیر مویین، اگر سطح مقطع و طول لوله‌ها متفاوت باشد، ارتفاع ستون جیوه تغییر نمی‌کند (شکل ب). علت را توضیح دهید.

با توجه به رابطه $P_0 = \rho gh$ ارتفاع ستون جیوه از رابطه $h = \frac{P_0}{\rho g}$ به دست می‌آید. چون P_0 و ρ و g در همه لوله‌ها ثابت هستند، پس ارتفاع h نیز مقداری ثابت است.

پ) در قلم خودکار، جوهر از طریق یک لوله وارد نوک قلم شده و در آنجا توسط یک گوی فلزی ضدزنگ غلتان، روی ورقه‌ی کاغذ پخش می‌شود. در بدانه‌ی لاکی یا درپوش بالایی این نوع قلم‌های خودکار سوراخ ریزی ایجاد می‌کنند (شکل پ). دلیل این کار را توضیح دهید.

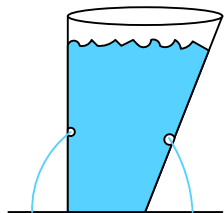
فشار هوا از طریق این روزنه به سطح جوهر وارد و جوهر را به سمت گوی غلتان می‌فشارد.

صفحه ۷۹

فعالیت ۳-۸



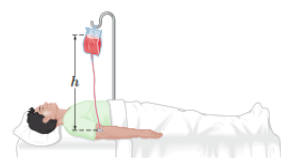
آزمایشی طراحی و سپس اجرا کنید که به کمک آن بتوان نشان داد فشار در یک عمق معین از معین به جهت‌گیری سطحی که فشار به آن وارد می‌شود بستگی ندارد.



ظرفی را مطابق شکل مقابل در نظر می‌گیریم و دو روزنه در محل‌های مشخص شده و با عمق‌های یکسان بر روی بدنه آن ایجاد می‌کنیم. اگر ظرف را از آب پر کرده و روزنه‌ها را باز کنیم، شدت خروج آب در هر دو روزنه برابر است. بنابراین فشار وارد شده از طرف مایع در هر دو نقطه است. (برای پی بردن به درستی این ادعا اگر خروجی از روزنه‌ها را جمع‌آوری کرده و مقایسه کنیم، مشاهده کنیم که حجم آب خروجی از دو روزنه برابر است.)

صفحه ۸۰

تمرین ۳-۵



شکل روبه‌رو یک کیسه‌ی پلاستیکی حاوی محلولی را نشان می‌دهد که در حال تزریق به یک بیمار است. سوزن سرنگی را به قسمت خالی از مایع بالای این کیسه وارد می‌کنند طوری که فشار هوا در این بخش از کیسه همواره با فشار هوای بیرون برابر بماند. اگر فشار پیمانه‌ای در سیاهرگ ۱۳۳۰ پاسکال باشد، ارتفاع کمینه‌ی h چقدر باشد تا محلول در سیاهرگ نفوذ کند؟ چگالی محلول را 1045 kg/m^3 بگیرید.

در ارتفاع کمینه فشار پیمانه‌ای سیاهرگ و فشار پیمانه‌ای محلول برابرند:

$$P_{\text{محلول}} = P_{\text{سیاهرگ}}$$

$$P_g = \rho gh \rightarrow 1330 = 1045 \times 10 \times h \rightarrow h = \frac{1330}{10450} \simeq 0 / 1273 \rightarrow h = 12 / 73 \text{ cm}$$

صفحه ۸۱

فعالیت ۹-۳



درون یک ظرف مقداری آب بریزید. یک فویل آلومینیومی به ابعاد تقریبی $20\text{cm} \times 20\text{cm}$ اختیار کنید و آن را مچال کنید. پیش بینی کنید با قرار دادن فویل مچاله شده روی سطح آب، چه اتفاقی می افتد؟ آزمایش را انجام دهید.

فویل مچاله شده بر روی آب شناور می ماند.

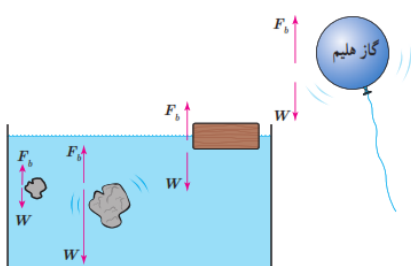


اکنون فویل مچاله شده را آن قدر فشار دهید تا تقریباً مشابه یک توپ کروی شود. اگر این توپ آلومینیومی را روی سطح آب قرار دهید، پیش بینی کنید چه اتفاقی می افتد؟ آزمایش را انجام دهید. پیش بینی ها و نتایج مشاهده‌ی (آزمایش) خود را در گروهتان به بحث بگذارید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

در این حالت فویل مچاله شده در آب فرو می رود. از این آزمایش نتیجه می گیریم شناور شدن یا فرورفتن جسم در یک مایع به جرم جسم بستگی نداشته بلکه به چگالی جسم وابسته است. اگر چگالی جسم کمتر از چگالی مایع باشد، جسم بر روی مایع شناور می ماند و اگر چگالی جسم بیشتر از چگالی مایع باشد، جسم در مایع فرو می رود.

صفحه ۸۱

پرسش ۷-۳



در شکل روبه‌رو، نیروی شناوری F_b و نیروی وزن W وارد بر چند جسم نشان داده شده است. با توجه به نیروی خالص وارد بر هر جسم، وضعیت آن را به کمک یکی از واژه‌های شناوری، غوطه‌وری، فرو رفتن و بالا رفتن توصیف کنید.

بادکنک = بالا رفتن

چوب (شکل سمت راست) = شناوری

شکل وسط = فرو رفتن

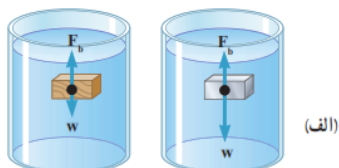
شکل سمت چپ = غوطه‌وری

صفحه ۸۲

پرسش ۸-۳

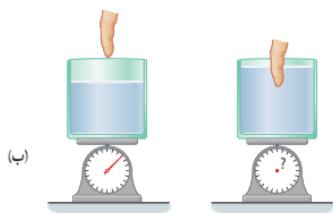


۱) در شکل (الف) نیروهای وارد بر دو جسم با حجم یکسان و چگالی متفاوت نشان داده شده است که در شارهای قرار دارند. جهت حرکت دو جسم را روی شکل تعیین کنید. همچنین چگالی هر جسم را با چگالی آب مقایسه کنید.



در شکل سمت راست چون نیروی وزن از نیروی شناوری بیشتر است، جسم به سمت پایین فرو می رود و در شکل سمت چپ چون نیروی شناوری بیشتر از نیروی وزن است جسم در مایع بالا می رود.

۲) شکل (ب) ظرفی محتوی آب را نشان می دهد که روی یک ترازوی عقربه‌ای قرار دارد. شخصی انگشت خود را وارد آب می کند. توضیح دهید عقربه‌ی ترازو چه تغییری می کند.



ترازو عدد بیشتری را در این حالت نشان می دهد. چون انگشت داخل آب قرار دارد، طبق اصل ارشمیدس آب به انگشت نیروی بالاسویی وارد می کند (F_b) و مطابق قانون سوم نیوتون انگشت نیز نیرویی در خلاف جهت و رو به پایین به آب وارد می کند. در نتیجه نیروی خالصی که از طرف آب به ترازو وارد می شود افزایش یافته و ترازو عدد بیشتری را نشان می دهد.

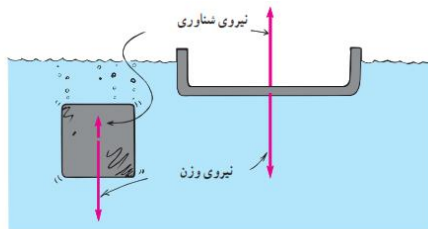
۳) جرم قطعه‌های آهنی در شکل (پ) با یکدیگر برابر است؛ در این صورت، هوا را از این شکل بیان کنید.

برای دوجسم با جرم یکسان جسمی که حجم بیشتری دارد چون در زمان قرار گرفتن در مایع، حجم بیشتری از مایع را جابه‌جا می‌کند طبق اصل ارشمیدس نیروی شناوری وارد بر آن بیشتر است. اگر نیروی شناوری بیشتر از وزن جسم باشد، جسم بر روی مایع شناور می‌ماند و اگر نیروی شناوری کمتر از وزن جسم باشد، جسم در مایع فرو می‌رود.

۴) توضیح دهید چرا یک کشتی هوایی که با گاز هلیوم (که چگالی آن کمتر از چگالی هواست) پر شده است نمی‌تواند به طور نامحدود به بالا رفتن ادامه دهد.



(ت)



(ب)

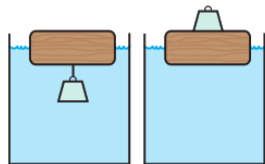
چون چگالی هلیوم کمتر از چگالی هوا است کششی هوایی در هوا به سمت بالا حرکت می‌کند. با افزایش ارتفاع، هوا رقیق‌تر شده و چگالی آن کمتر می‌شود تا در ارتفاع معینی چگالی کشتی و چگالی هوا برابر می‌شود، در نتیجه کشتی در هوا غوطه ور می‌ماند.

صفحه ۸۳

فعالیت ۱۰-۳



یک قطعه‌ی چوبی را روی آب درون ظرفی قرار دهید. یک وزنه‌ی آهنی را یک بار روی چوب قرار دهید (شکل الف) و بار دیگر از زیر چوب آویزان کنید (شکل ب). پیش‌بینی کنید در کدام تجربه، چوب بیشتر در آب فرو می‌رود؟ آزمایش را انجام دهید. پیش‌بینی‌ها و نتایج مشاهده‌ی (آزمایش) خود را در گروه‌تان به بحث بگذارید و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.



(ب)

(الف)

اگر وزنه بر روی چوب قرار گیرد چوب بیشتر در آب فرو می‌رود؛ زیرا اگر وزنه را از زیر چوب آویزان کنیم، نیروی شناوری وارد بر وزنه نیروی خالص رو به پایین کاهش داده و باعث می‌شود چوب کمتر در آب فرو رود.

صفحه ۸۷

پرسش ۹-۳



وقتی شیر آب را کمی باز کنید و آب به آرامی جریان یابد، مشاهده می‌شود که باریکه‌ی آب با نزدیک‌تر شدن به زمین، باریک‌تر می‌شود (شکل روبه‌رو). دلیل این پدیده را با توجه به معادله‌ی پیوستگی توضیح دهید.



معادله پیوستگی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\frac{A_1}{A_2} = \frac{v_2}{v_1}$$

طبق معادله پیوستگی سطح مقطع و تندی شاره نسبت عکس دارند.

چون با نزدیک‌تر شدن باریکه‌ی آب به زمین تندی آن افزایش می‌یابد، طبق معادله پیوستگی سطح مقطع آن کاهش خواهد یافت.

صفحه ۸۸

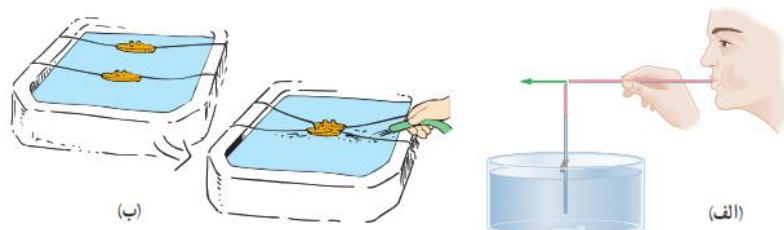
فعالیت ۱۱-۳



الف) یک نی نوشابه را به طور عمودی درون ظرفی محتوی آب قرار دهید به طوری که ته نی با کف ظرف آب در تماس نباشد. مطابق شکل الف، درون یک نی افقی به گونه‌ای بدمید که جریان هوای خروجی درست از بالای سر نی عمودی بگذرد. مشاهده‌ی خود را گزارش کنید و دلیل آن را به کمک اصل برنولی توضیح دهید.

با دمیدن هوا در نی افقی سطح آب در نی عمودی بالا می‌آید. زیرا با افزایش تندی جریان هوا در بالای نی طبق اصل برنولی فشار هوای بالای نی کاهش یافته و اختلاف فشار هوای بیرون و هوای بالای نی باعث بالا آمدن آب در نی می‌شود.

(ب) این فعالیت را می‌توانید در ظرف شویی آشپزخانه‌ی منزل یا یک استیل بزرگ در حیاط مدرسه انجام دهید. مطابق شکل یک جفت قایق اسباب‌بازی را روی سطح آب قرار داده و شل‌کندر هم ببندید. سپس جریانی از آب را بین آنها برقرار کنید. به حرکت قایق‌ها نسبت به یکدیگر توجه کنید (شکل ب). با توجه به اصل برنولی توضیح دهید چرا قایق‌ها به طرف هم کشیده می‌شوند؟ با افزایش تندی جریان آب بین قایق‌ها، فشار آب در بین آنها کاهش یافته و اختلاف فشار آب ایجاد شده بین دو طرف قایق‌ها باعث کشیده شدن آنها به سمت هم می‌شود.



(الف) روزهایی که باد می‌وزد، ارتفاع موج‌های دریا یا اقیانوس بالاتر از ارتفاع میانگین می‌شود. با اصل برنولی چگونه می‌توان افزایش ارتفاع موج را توضیح داد؟

با وزش باد، فشار هوای بالای سطح آب کاهش یافته و در نتیجه امواج می‌توانند تا ارتفاع بیشتری بالا بیایند.

(ب) شکل روبه‌رو کامیونی را در دو وضعیت سکون و در حال حرکت نشان می‌دهد. با استفاده از اصل برنولی توضیح دهید چرا وقتی کامیون در حال حرکت است پوشش برزنتی آن پُف می‌کند؟

پوشش برزنتی صاف و تخت است.

کامیون در حال توقف



پوشش برزنتی پُف کرده است.

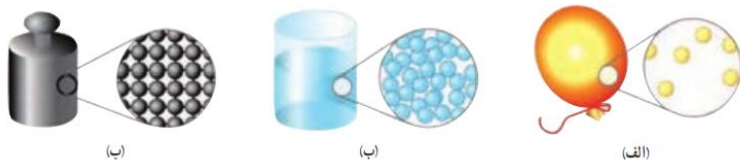
کامیون در حال حرکت



با حرکت کامیون، تندی جریان هوا در بالای پوشش برزنتی افزایش یافته و طبق اصل برنولی فشار هوا در آن قسمت کاهش می‌یابد، در نتیجه اختلاف فشار هوای داخل و بیرون پوشش برزنتی باعث پُف کردن آن می‌شود.

۱-۳ حالت‌های ماده

۱) دریافت خود را از شکل‌های زیر بر اساس مفاهیمی که از سه حالت معمول ماده فراگرفته‌اید بیان کنید.



الف) در گازها فاصله بین مولکول‌ها بسیار زیاد و مولکول‌ها نسبت به هم در وضعیت نامنظمی قرار دارند.

ب) در مایعات فاصله بین مولکول‌ها کم و مولکول‌ها به صورت نامنظم در کنار یکدیگر قرار دارند.

پ) در جامدات فاصله بین مولکول‌ها کم و مولکول‌ها به صورت منظمی در کنار هم قرار دارند.

۲) توضیح دهید از سه حالت مختلف ماده در چه بخش‌هایی از یک دوچرخه به چه دلیلی استفاده شده است؟



- از حالت جامد در ساخت بدنه و به دلیل استحکام زیاد استفاده شده است.

- از حالت مایع (روغن) در زنجیر و چرخ‌دنده به جهت روانکاری و کاهش اصطکاک استفاده شده است.

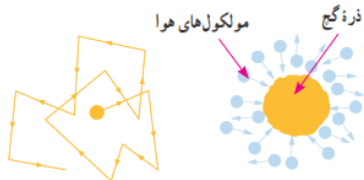
- از حالت گاز در باد لاستیک‌ها به جهت کاهش ضربه وارد شده به بدنه در حین حرکت و کاهش وزن استفاده شده است.

۳) هنگام پاک کردن تخته‌ی سیاه، ذرات گچ به طور نامنظم در هوای اطراف پراکنده شده و حرکت می‌کنند. این حرکت نامنظم ذرات گچ، مطابق شکل روبه‌رو مدل‌سازی شده است.

الف) چه عاملی باعث حرکت نامنظم ذره‌های گچ می‌شود؟

برخورد مولکول‌های هوا به ذرات گچ.

ب) مولکول‌های هوا بسیار کوچک‌تر و سبک‌تر از ذره‌های گچ هستند و توسط میکروسکوپ هم دیده نمی‌شوند. توضیح دهید چگونه این تجربه‌ی ساده، شاهی بر وجود مولکول‌های هواست.



در مولکول‌های هوا جهت و تعداد برخوردهای انجام شده در راستای متفاوت و تندی حرکت مولکوها بسیار زیاد است؛ بنابراین حرکت نامنظمی در ذرات گچ ایجاد می‌شود. اگر مولکول‌های هوا وجود نداشتند، ذرات گچ با شتاب ثابت g در اثر نیروی وزن به سمت زمین سقوط می‌کردند.

۴) توضیح دهید چرا:

الف) پدیده‌ی پخش در گازها، سریع‌تر از مایعات انجام می‌شود. در توضیح خود به چند مثال نیز اشاره کنید.

۱- تندی حرکت مولکول‌های گاز بیشتر از مایعات است. ۲- تراکم مولکول‌های گاز در محیط کمتر است بنابراین حرکت مولکول‌های گاز در محیط با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. پدیده پخش به دو دلیل بالا در گازها سریع‌تر از مایعات انجام می‌گیرد، مثلاً وقتی گلی خوشبو را به اتاق می‌بریم بوی گل در همه جای اتاق حس می‌شود ولی وقتی مقداری شکر را در آب می‌ریزیم تا زمانی که آن هم نزنیم همه آب به طور کامل شیرین نمی‌شود.

ب) یک بادکنک پر از باد، حتی اگر دهانه‌ی آن نیز کاملاً بسته شده باشد، باز هم رفته رفته کم باد می‌شود.

فاصله‌ی بین مولکول‌های دیواره بادکنک بزرگتر از اندازه مولکول‌های هوا است، بنابراین مولکول‌های هوا می‌توانند با برخورد به دیواره بادکنک از آن عبور کرده و در نتیجه بادکنک رفته رفته کم باد می‌شود.

(۵) هر یک از موارد زیر را توضیح دهید.

الف) علوم و فناوری نانو

دانش و ابزاری است که ما را قادر به بررسی، مشاهده و به کارگیری مواد در مقیاس نانو می‌کند. همچنین علم نانو شاخه‌ای از علوم است که تغییر در ویژگی‌های فیزیکی مواد را در مقیاس نانون بررسی می‌کند.

ب) ابعاد مواد مورد بررسی در علوم و فناوری نانون و اهمیت بررسی مواد در ابعاد نانو

ابعاد مواد مورد بررسی در مقیاس نانو بسته به نوع ماده و ویژگی‌های فیزیکی آن می‌تواند حدود ۱ تا ۱۰۰ نانومتر باشد، در این ابعاد ویژگی‌های فیزیکی مواد از قبیل نقطه ذوب، رسانندگی گرمایی و الکتریکی، شفافیت، استحکام، رنگ و... تغییر می‌کند. فناوری نانو در واقع از ویژگی‌های خاصی از مواد که در ابعاد نانو تغییر می‌کند بهره‌برداری می‌نماید.

پ) تفاوت نانو ذره و نانو لایه

در نانو ذره هر سه بعد ماده در مقیاس نانو است، ولی در نانو لایه فقط یک بُعد از ماده در مقیاس نانو است.

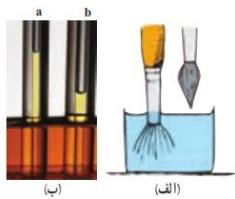
۳-۳ نیروهای بین مولکولی

(۶) شیشه‌گران برای چسباندن تکه‌های شیشه به یکدیگر، آنها را آن قدر گرم می‌کنند که نرم شوند. این کار را با توجه به کوتاه بُرد بودن نیروی جاذبه‌ی بین مولکولی توضیح دهید.

چون نیروهای بین مولکولی کوتاه‌برد هستند، برای اتصال دو قطعه شیشه‌ای به هم باید مولکول‌های این دو قطعه را در فاصله‌ی مناسبی از هم قرار دهیم تا این نیروها بین مولکول‌های دو قطعه به وجود آید. افزایش حرارت باعث بیشتر شدن جنبش مولکولی می‌شود و در نتیجه مولکول‌های دو قطعه شیشه‌ای می‌توانند در لابه‌لای هم و در فاصله‌ی مناسبی از یکدیگر قرار گرفته تا نیروی جاذبه بین مولکولی سبب اتصال دو قطعه به هم شود.

(۷) الف) توضیح دهید چرا وقتی قلم‌مویی را از آب بیرون می‌کشیم (شکل الف)، موه‌ای آن به هم می‌چسبند؟ (اشاره: به پدیده‌ی کشش سطحی در مایع‌ها توجه کنید.)

با بیرون کشیدن قلمو از آب چون سطح خارجی با آب پوشیده می‌شود نیروی کشش سطحی که بین مولکول‌های آب وجود دارد این موها را در کنار هم قرار داده و به هم می‌چسبند.



ب) شکل (ب) دو لوله‌ی مویین هم جنس را نشان می‌دهد که درون مایعی قرار دارند. چرا ارتفاع مایع درون لوله‌ی b از دو لوله‌ی دیگر کمتر است؟ با توجه به شکل، نیروی هم چسبی مایع را با نیروی دگر چسبی مایع و لوله‌های مویین مقایسه کنید.

در لوله‌های مویین هر قدر قطر لوله بیشتر باشد تغییر ارتفاع مایع در لوله نسبت به سطح مایع ظرف کمتر است. در اینجا چون قطر لوله b بیشتر است، ارتفاع مایع در آن کمتر است.

نیروی دگرچسبی بین مولکول‌های مایع و مولکول‌های شیشه بیشتر از نیروی هم چسبی بین مولکول‌های مایع است.

(۸) تغییرات اقلیمی سال‌های اخیر در کشورهای غرب ایران، پدیده‌ی خطرناک ریزگردها را به مناطق وسیعی از کشورمان گسترش داده است. چگالی ریزگردها در حالتی که ته نشین شده باشد تقریباً دو برابر چگالی آب است.

الف) چرا بادهای نسبتاً ضعیف قادرند توده‌های بزرگی از ریزگردها را به حرکت درآورند در حالی که توفان‌های شدید دریایی تنها مقدار اندکی آب را به صورت قطره‌های ریز به طرف بالا می‌پاشند؟

نیروی کشش سطحی آب مانع از جدا شدن قطرات ریز آب از سطح آن می‌شود ولی این نیرو در بین ذرات ریزگردها وجود ندارد.

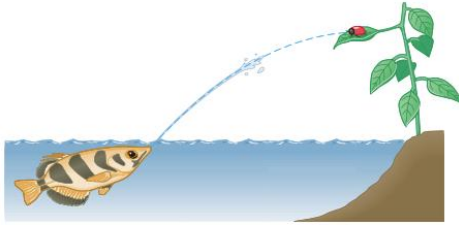
ب) بررسی کنید برای مقابله با این پدیده و مهار آن، چه تدابیری را می‌توان اندیشید؟



هر قدر رطوبت سطح زمین بیشتر باشد جدا شدن این ریزگردها از سطح زمین کمتر است؛ بنابراین مقابله با خشکسالی و برداشت-های بی‌رویه منابع آبی زمین و کاشت گیاهان از جمله عواملی است که می‌تواند رطوبت سطح زمین را حفظ و مانع از چنین پدیده‌هایی شود.

۹) نوعی ماهی به نام ماهی کمان‌گیر با جمع کردن آب در دهان خود و پرتاب آن به سوی حشراتی که در بیرون از آب، روی گیاهان نشسته‌اند، آنها را شکار می‌کند و می‌خورد (شکل الف). هدف گیری آنها به اندازه‌ای دقیق است که معمولاً در این کار اشتباه نمی‌کنند. کدام ویژگی آب این امکان را به ماهی کمان‌گیر برای شکار می‌دهد؟

نیروی دگر چسبی بین آب و بدن حشره باعث می‌شود تا آب در حین پایین آمدن حشره را نیز با خود به داخل آب بیاورد.



۳-۴ فشار در شاروها

۱۰) مساحت روزنه‌ی خروج بخار آب، روی درب زودپزی $4 / 100 \text{ mm}^2$ است (شکل روبه‌رو). جرم وزنه‌ای که روی این روزنه باید گذاشت چقدر باشد تا فشار داخل آن در 2 atm نگه داشته شود؟ فشار بیرون دیگ زودپز را 1 atm بگیرید.



$$A = 4 \text{ mm}^2 = 4 \times 10^{-6} \text{ m}^2$$

$$P = 2 \text{ atm} - 1 \text{ atm} = 1 \text{ atm} = 1 \times 10^5 \text{ Pa}$$

$$g \simeq 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, m = ?$$

برای ثابت ماندن فشار داخل زودپز باید نیروی ناشی از اختلاف فشار داخل و بیرون ظرف با وزن وزنه برابر باشد:

$$F = mg \rightarrow PA = mg \rightarrow 1 \times 10^5 \times 4 \times 10^{-6} = m \times 10 \rightarrow 0.4 = 10m \rightarrow m = \frac{0.4}{10} = 0.04 \text{ kg} \rightarrow m = 40 \text{ g}$$

۱۱) شکل روبه‌رو یک جوسنج ساده‌ی جیوه‌ای را نشان می‌دهد. (ضخامت دیواره‌ی شیشه‌ای را نادیده بگیرید).

الف) در ناحیه‌ی A چه چیزی وجود دارد؟

مقدار بسیار ناچیزی بخار جیوه

ب) چه عاملی جیوه را درون لوله نگه می‌دارد؟

فشار هوای محیط

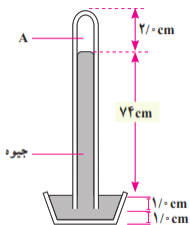
پ) فشار هوای محیطی که این جوسنج در آنجا قرار دارد چقدر است؟

$$\rho = 13600 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}, g \simeq 10 \frac{\text{N}}{\text{kg}}, h = 74 \text{ cm} = 0.74 \text{ m}$$

$$P_0 = \rho gh = 13600 \times 10 \times 0.74 = 100640 \text{ Pa} \rightarrow P_0 = 1.0064 \times 10^5 \text{ Pa}$$

ت) اگر این جوسنج را بالای کوهی ببریم چه تغییری در ارتفاع ستون جیوه‌ی درون لوله رخ می‌دهد؟ دلیل آن را توضیح دهید.

در ارتفاعات با کاهش فشار هوای محیط طبق رابطه $P_0 = \rho gh$ و با توجه به اینکه ρ و g تقریباً ثابت هستند، ارتفاع ستون جیوه (h) کاهش می‌یابد.



شهرکرد: $2072m$

بروجن: $2265m$

سمیرم: $2434m$

فریدون شهر: $2612m$

با توجه به نمودار شکل ۳-۱۸، فشار تقریبی هوا را در این چهار شهر بنویسید.

فریدون شهر $74kPa$ ، سمیرم $76kPa$ ، بروجن $78kPa$ ، شهرکرد $80kPa$

(ب) چگالی میانگین هوا تا ارتفاع ۳ کیلومتری از سطح دریای آزاد حدود $\bar{\rho} = 1/01 kg/m^3$ است. با استفاده از رابطه $P = P_0 - \bar{\rho}gh$ فشار هوا را در این شهرها حساب کنید و مقادیر به دست آمده را با نتیجه قسمت الف مقایسه کنید.

فریدون شهر: $h = 2612m$, $\bar{\rho} = 1/01 \frac{kg}{m^3}$, $g \simeq 10 \frac{N}{kg}$, $P_0 = 1/01 \times 10^5 Pa$, $P = ?$

$$P = P_0 - \bar{\rho}gh = 101000 - 1/01 \times 10 \times 2612 = 101000 - 26381/2 \simeq 74619 Pa = 74/619 kPa$$

سمیرم: $h = 2434m$

$$P = P_0 - \bar{\rho}gh = 101000 - 1/01 \times 10 \times 2434 = 101000 - 24583/4 \simeq 76417 Pa = 76/417 kPa$$

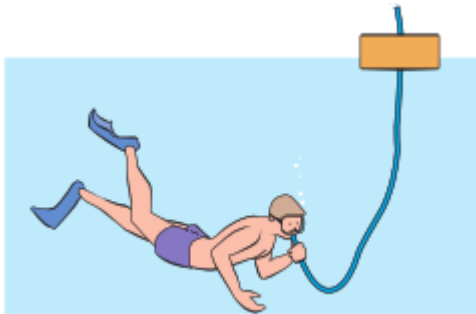
بروجن: $h = 2265m$

$$P = P_0 - \bar{\rho}gh = 101000 - 1/01 \times 10 \times 2265 = 101000 - 22876/5 \simeq 78124 Pa = 78/124 kPa$$

شهرکرد: $h = 2072m$

$$P = P_0 - \bar{\rho}gh = 101000 - 1/01 \times 10 \times 2072 = 101000 - 20927/2 \simeq 80073 Pa = 80/073 kPa$$

(۱۳) غواص‌ها می‌توانند با قرار دادن یک سر لوله‌ای در دهان خود، در حالی که سر دیگر آن از آب بیرون است، تا عمق بیشینه‌ای در آب فرو روند و نفس بکشند. (شکل روبه‌رو). با گذشتن از این عمق، اختلاف فشار درون و بیرون ریه‌ی غواص افزایش می‌یابد و غواص را ناراحت می‌کند. چون هوای درون ریه از طریق لوله با هوای بیرون ارتباط دارد، فشار هوای درون ریه، همان فشار جو است در حالی که فشار وارد بر قفسه‌ی سینه‌ی او، همان فشار در عمق آب است. در عمق $6/15m$ از سطح آب، اختلاف فشار درون ریه‌ی غواص با فشار وارد بر قفسه‌ی سینه‌ی او چقدر است؟ (خوب است بدانید که غواص‌های مجهز به مخزن هوای فشرده می‌توانند تا عمق بیشتری در آب فرو روند، زیرا فشار هوای درون ریه با افزایش عمق، همپای فشار آب بر سطح بیرونی بدون زیاد می‌شود).



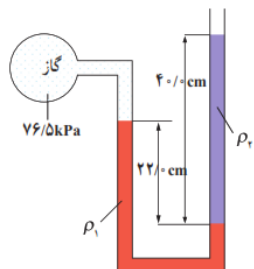
$$\rho = 1000 \frac{kg}{m^3} , g \simeq 10 \frac{N}{kg} , h = 6/15m$$

چون فشار هوای درون ریه غواص همان فشار جو (P_0) و فشار وارد بر قفسه سینه غواص همان فشار در عمق آب (P) است. اختلاف فشار درون ریه با فشار وارد بر قفسه سینه به صورت زیر به دست می‌آید:

$$P = P_0 + \rho gh \rightarrow P - P_0 = \rho gh = 1000 \times 10 \times 6/15 \rightarrow P - P_0 = 6/15 \times 10^4 Pa$$

(۱۴) درون لوله‌ی U شکلی که به یک مخزن محتوی گاز وصل شده است جیوه ($\rho_1 = 13/6 \times 10^3 kg/m^3$) و مایعی با چگالی ρ_2 نامعلوم وجود دارد. (شکل روبه‌رو).

اگر فشار هوای بیرون لوله‌ی U شکل $10kPa$ باشد، چگالی مایع را تعیین کنید.



$$P = 76/5 kPa = 76500 Pa , \rho_1 = 13/6 \times 10^3 \frac{kg}{m^3} , h_1 = 22cm = 0/22m$$

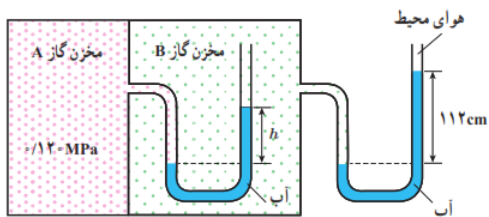
$$\rho_2 = ? , h_2 = 4cm = 0/04m , P_0 = 10kPa = 10000 Pa , g \simeq 10 \frac{N}{kg}$$

$$P_{\text{مخزن}} + P_{\text{جیوه}} = P_{\text{مایع}} + P_0$$

$$P + \rho_1 gh_p = \rho_p gh_p + P_o \rightarrow 76500 + 13600 \times 10 \times 0 / 11 = \rho_p \times 10 \times 0 / 4 + 101000 \rightarrow 76500 + 29920 = 4\rho_p + 101000$$

$$\rightarrow 4\rho_p = 5420 \rightarrow \rho_p = \frac{5420}{4} = 1355 \frac{kg}{m^3} \rightarrow \rho_p = 1 / 36 \times 10^3 \frac{kg}{m^3}$$

۱۵) در شکل روبه‌رو مقدار h چند سانتی‌متر است؟ فشار هوای محیط را ۱۰۱kPa و چگالی آب را $1000 \times 10^3 kg / m^3$ بگیرید.



$$P_o = 101kPa = 101 \times 10^3 Pa, \quad \rho = 1 \times 10^3 \frac{kg}{m^3}, \quad P_A = 0.12 MPa = 0.12 \times 10^6 Pa = 120 \times 10^3 Pa,$$

$$h_C = 112cm = 1.12m, \quad g \simeq 10 \frac{N}{kg}, \quad h_B = ?$$

فشار مخزن A برابر است با: $\rho gh_B + P_B$

فشار مخزن B: $\rho gh_C + P_o$

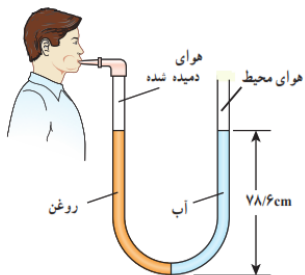
$$\Rightarrow P_A = \rho gh_B + \rho gh_C + P_o \rightarrow$$

$$120 \times 10^3 = 1 \times 10^3 \times 10 \times h_B + 1 \times 10^3 \times 10 \times 1.12 + 101 \times 10^3$$

$$120 = 10h_B + 11.2 + 101 \rightarrow 120 - 112 / 10 = 10h_B \rightarrow 7 / 10 = 10h_B \rightarrow h_B = \frac{7}{10} = 0.7m = 70cm$$

$$\rightarrow h_B = 70cm$$

۱۶) لوله‌ی لاشکی را در نظر بگیرید که محتوی حجم مساوی از آب و روغن است (شکل روبه‌رو). با توجه به اطلاعات روی شکل، فشار پیمانه‌ای هوای درون ریه‌ی شخصی که از شاخه‌ی سمت چپ لوله درون آن دمیده، چقدر است؟ چگالی روغن را $805 kg / m^3$ بگیرید.



$$h_W = h_O = 78 / 6 cm = 78 / 6 \times 10^2 m, \quad \rho_W = 1000 \frac{kg}{m^3}, \quad \rho_O = 805 \frac{kg}{m^3}, \quad g \simeq 10 \frac{N}{kg}$$

اگر فشار هوای درون ریه فرد را با P نشان دهیم می‌توان نوشت:

$$P + P_{\text{روغن}} = P_{\text{آب}} + P_o \rightarrow P_g = P_{\text{آب}} - P_{\text{روغن}} = \rho_{\text{آب}} gh_{\text{آب}} - \rho_{\text{روغن}} gh_{\text{روغن}}$$

$$P_g = gh(\rho_W - \rho_O) = 10 \times 78 / 6 \times 10^{-2} (1000 - 805) = 1532 / 6 Pa \rightarrow P_g = 1 / 53 \times 10^3$$

چون حجم آب و روغن برابر و سطح مقطع لوله ثابت است، ارتفاع آب روغن برابر است.

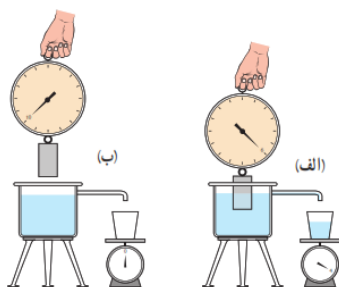
۵-۳ شناسایی و اصل ارشمیدس

۱۷) دو قوطی نوشابه، یکی معمولی و دیگری رژیمی را در ظرفی محتوی آب بگذارید. متوجه خواهید شد که نوشابه رژیمی شناور می‌ماند در حالی که نوشابه معمولی فرو می‌رود. با استفاده از اصل ارشمیدس، این نتیجه را توضیح دهید. (اشاره: چگالی شیرین کننده‌های مصنوعی مورد استفاده در نوشابه‌های رژیمی کمتر از شکر است.)

هر دو نوشابه حجم ثابتی دارند، وقتی داخل آب قرار می‌گیرند وزن شاره جابه‌جا شده توسط آنها یکسان و در نتیجه طبق اصل ارشمیدس نیروی شناوری هر دو برابر است؛ از طرفی چون چگالی نوشابه رژیمی کمتر از چگالی نوشابه معمولی است وزن نوشابه رژیمی نیز کمتر از وزن نوشابه معمولی است، پس نیروی خالص که به نوشابه رژیمی وارد می‌شود رو به بالا و نیروی خالصی که به نوشابه معمولی وارد می‌شود رو به پایین است که باعث شناور شدن نوشابه رژیمی و فرو رفتن نوشابه معمولی در آب می‌شود.

با توجه به شکل (ب) وزن جسم $10N$ است؛ از طرفی چون نیروسنج نیروی خالص رو به پایین جسم را نشان می‌دهد در شکل (الف) می‌توان نوشت:

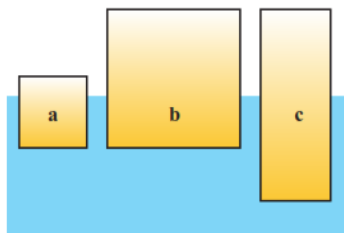
نیروی شناوری - وزن جسم = عدد نیروسنج



$$\rightarrow 6 = 10 - F_b \rightarrow F_b = 4N$$

با توجه به ترازوی شکل (الف) نتیجه می‌گیریم نیروی شناوری با وزن مایع جابه‌جا شده توسط جسم برابر است.

۱۹) سه جسم a و b و c با چگالی‌های متفاوت، مطابق شکل روبه‌رو درون آب شناورند. چگالی این سه جسم را با یکدیگر مقایسه کنید.



هر قدر چگالی جسم نسبت به آب بیشتر باشد حجم بیشتری از جسم در آب فرو می‌رود

$$\rho_a > \rho_c > \rho_b$$

۲۰) توضیح دهید چرا نیروی شناوری برای جسمی که در یک شاره قرار دارد، روبه بالاست؟

برای جسمی که در شاره قرار دارد چون فشار وارد بر سطح پایینی جسم از سوی شاره بیشتر از فشار وارد بر سطح بالایی جسم از طرف شاره است، نیروی خالص رو به بالایی به جسم وارد می‌شود که همان نیروی شناوری است.

۲۱) توضیح دهید چه موقع نیروی شناوری وارد بر یک شناگر به بیشینه مقدار خود می‌رسد.

وقتی بدن شناگر به طور کامل درون آب قرار می‌گیرد از آنجا که وزن مایع جابه‌جا شده بیشترین مقدار است طبق اصل ارشمیدس نیروی شناوری نیز بیشینه خواهد بود.

۳-۶ شاره‌ی در حرکت و اصل برنولی

۲۲) در لوله‌ای پر از آب مطابق شکل زیر، آب از چپ به راست در جریان است. روی این لوله ۵ قسمت (A، B، C، D، E) نشان شده است.

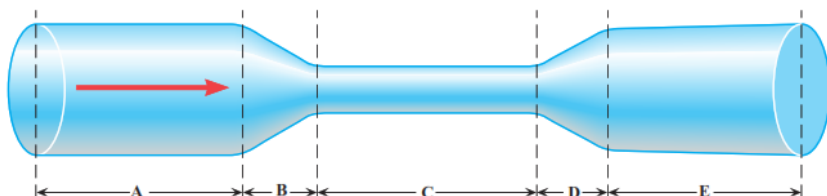
الف) در کدام یک از قسمت‌های لوله، تندی آب، در حال افزایش، در حال کاهش یا ثابت است؟

طبق معادله پیوستگی () تندی شاره و سطح مقطع نسبت عکس دارند، بنابراین در محل‌هایی که سطح مقطع کاهش می‌یابد تندی افزایش و در محل‌هایی که سطح مقطع افزایش می‌یابد تندی جریان آب کاهش می‌یابد. در محل‌هایی که سطح مقطع ثابت است، تندی جریان آب نیز ثابت است. بنابراین:

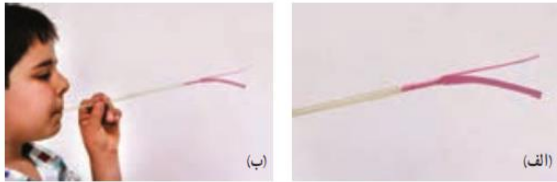
A: تندی ثابت است. B: تندی افزایش می‌یابد. C: تندی ثابت است. D: تندی کاهش می‌یابد. E: تندی ثابت است.

ب) تندی آب را در قسمت‌های A، C و E لوله با یکدیگر مقایسه کنید.

$$V_A = V_E < V_C$$

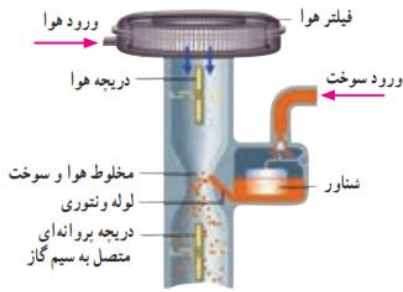


۲۳) دو نوار کاغذی به طول تقریبی ۱۰ سانتی‌متر را مطابق شکل (الف) به انتهای یک نی نوشابه بچسبانید. وقتی مطابق شکل (ب) به درون نی دمیده می‌شود نوارهای کاغذی به طرف یکدیگر جذب می‌شوند. با توجه به اصل برنولی دلیل این پدیده را توضیح دهید.



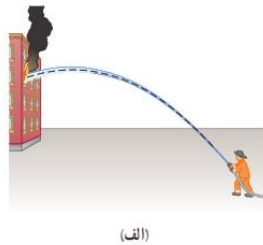
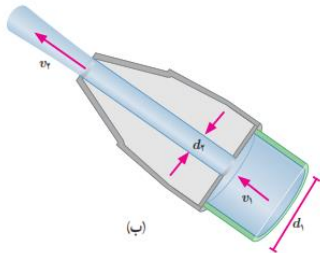
با دمیدن در نی تندى هوا در بين کاغذها افزايش و طبق اصل برنولى فشار هوا در بين آنها کاهش مى‌يابد. در نتيجه فشار هواى خارج باعث نزديک‌تر شدن نوارهاى کاغذى به يکديگر مى‌شود.

۲۴) شکل زیر کاربراتور یک موتور بنزینی قدیمی را نشان می‌دهد. حجم هوایی که وارد کاربراتور می‌شود توسط دریچه‌ی پروانه‌ای که به سیم گاز خودرو وصل شده، قابل تنظیم است. با توجه به کاربرد اصل برنولی در ساختمان یک کاربراتور، توضیح دهید چرا با فشردن بیشتر پدال گاز، دور موتور خودرو افزایش می‌یابد و خودرو می‌تواند سریع‌تر حرکت کند؟



با فشردن پدال گاز، دریچه پروانه‌ای باز و هوا به داخل کشیده می‌شود. در قسمت میانی لوله چون سطح مقطع کاهش می‌یابد طبق معادله پیوستگی تندى جریان هوا افزايش و در نتيجه طبق اصل برنولى فشار هوا کاهش مى‌يابد. اختلاف فشار ايجاد شده بين مخزن سوخت و قسمت میانی لوله باعث انتقال سوخت به لوله مى‌شود. هر قدر پدال بیشتر فشرده شود اختلاف فشار بیشتری ايجاد شود و سوخت بیشتری وارد و دور موتور افزايش مى‌يابد.

۲۵) شکل (الف) آتش‌نشانی را در حال خاموش کردن آتش از فاصله‌ی نسبتاً دوری نشان می‌دهد. نمایی بزرگ شده از شیر بسته شده به انتهای لوله‌ی آتش‌نشانی در شکل (ب) نشان داده شده است. اگر آب با تندى $v_1 = 1/50 \text{ m/s}$ از لوله وارد شیر شود و قطر ورودی شیر $d_1 = 9/6 \text{ cm}$ و قطر قسمت خروجی آن $d_2 = 2/50 \text{ cm}$ باشد، تندى خروج آب را از شیر پیدا کنید.



شعاع ورودی شیر $v_1 = 1/50 \frac{m}{s}$, $d_1 = 9/6 \text{ cm} \rightarrow r_1 = 9/6 \text{ cm} \div 2 = 4/8 \text{ cm} = 4/8 \times 10^{-2} \text{ m}$

شعاع خروجی شیر $v_2 = ?$, $d_2 = 2/50 \text{ cm} \rightarrow r_2 = 2/50 \text{ cm} \div 2 = 1/25 \text{ cm} = 1/25 \times 10^{-2} \text{ m}$

با استفاده از معادله پیوستگی می‌توان نوشت:

$$A_1 v_1 = A_2 v_2 \rightarrow \pi r_1^2 v_1 = \pi r_2^2 v_2 \rightarrow v_2 = \frac{r_1^2 v_1}{r_2^2} = \frac{(4/8 \times 10^{-2})^2 \times 1/50}{(1/25 \times 10^{-2})^2} = \frac{34/56 \times 10^{-4}}{1/5625 \times 10^{-4}}$$

$$v_2 \simeq 22/11 \frac{m}{s}$$

تمرین ۱-۴

$$\begin{aligned}\Delta T &= T_r - T_1 \\ &= (\theta_r + 273/15) - (\theta_1 + 237/15) \\ &= \theta_r - \theta_1 = \Delta\theta\end{aligned}$$

تمرین ۲-۴

همان‌طور که در پانویشت کتاب درسی آمده است، در حل مسئله‌ها از رابطه تقریبی $T = \theta + 273$ استفاده می‌کنیم.
(الف)

$$T = 37 + 273 = 310 \text{ K}$$

همچنین برای تبدیل به فارنهایت داریم

$$F = \frac{9}{5}\theta + 32 = \frac{9}{5}(37) + 32 = 98.6^\circ\text{F} \approx 99^\circ\text{F}$$

(ب) برحسب کلونین داریم

$$T_1 = 70 + 273 = 343 \text{ K}$$

$$T_r = -89 + 273 = 184 \text{ K}$$

و برحسب فارنهایت داریم

$$F_1 = \frac{9}{5}\theta_1 + 32 = \frac{9}{5}(70) + 273 = 399^\circ\text{F}$$

$$F_r = \frac{9}{5}\theta_r + 32 = \frac{9}{5}(-89) + 273 = 112.8^\circ\text{F} \approx 113^\circ\text{F}$$

فعالیت ۱-۴

این دما حدود 196°C - است و نمونه در ظرف‌های مخصوص و نیز برای مدت طولانی جهت پیوند نگهداری می‌شود. این دما توسط نیتروژن (یا هیدروژن) مایع حاصل می‌شود و نمونه‌ها در ظرف‌های نیتروژن مایع نگهداری می‌شود و تا مدت ۱۵ سال می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

فعالیت ۲-۴

هنگامی که دما بالا رود، به دلیل انبساط الکل یا روغن موجود در مخزن وسطی و لوله سمت چپ دماسنج، جیوه در لوله سمت راست به بالا رانده می‌شود و شاخص فولادی لوله سمت راست را با خود بالا می‌برد. اگر سطح جیوه در لوله سمت راست پایین بیاید، شاخص فولادی که به آن فنرهای ریزی متصل است، همراه آن حرکت نمی‌کند و در همان محل قبلی خود در مقابل دمای بیشینه می‌ایستد.

وقتی الکل به علت کاهش دما منقبض می‌شود، جیوه از طرف چپ لوله U شکل بالا می‌رود و شاخص فولادی دیگر را در

با استفاده از آهنربا، این دو شاخص در پایان مدت زمان مورد نظر به سطح جیوه برگردانده می شود. در طراحی جدید این نوع دماسنج ها، به علت سمی بودن جیوه از مایع ترکیبی جدیدی به عنوان جایگزین استفاده می شود. این دماسنج به Six نیز مشهور است و فیلم های زیادی از آن در اینترنت پیدا می شود

در مورد انواع دماسنج های دیگر پیشنهاد می شود وب سایت زیر را نیز ملاحظه فرمایید:

www.omnilexia.com/?q=thermometer

پرسش ۱-۴

الف) در این صورت انبساط و انقباض گرمایی هر دو به یک گونه خواهد بود و بنابراین تغییرات دمایی تأثیری بر جا گرفتن درست کلید در قفل نخواهد گذاشت.

ب) به دلیل انبساط های گرمایی متفاوت درب و چارچوب، تغییرات ابعاد آنها یکسان نخواهد بود.

فعالیت ۳-۴

۱) در هر دو شکل فاصله یا «شکاف های انبساطی» برای انبساط تعبیه شده است تا دو بخش خط آهن در روزهای گرم فضایی برای انبساط داشته باشند. عکس جاسبی در اینترنت از خطوط ریل قدیمی وجود دارد که به دلیل عدم تعبیه چنین فاصله هایی خطوط کج و معوج شدند.

۲) خطوط ریل جدید دارای چنین فضاهایی برای انبساط نیستند. آنها به طور پیوسته به هم جوش خورده اند. این ریل ها زمانی درست می شوند که دما حدوداً برابر با میانگین کمینه و بیشینه دمای سالیانه در منطقه مورد نظر باشد. با این تدبیر دامنه تغییرات دما که موجب تغییر طول ریل می شود کاهش می یابد و بنابراین حتی در صورتی که ریل دارای شکاف های انبساطی باشد نیز انبساط آن تا نصف کاهش می یابد. (توجه کنید که اگر در انتهای میله ای را محکم ببندیم و مانع انبساط و انقباض آن شویم و سپس دما را تغییر دهیم، گیره های دو انتهای میله مانع انبساط و تراکم میله می شود و اگر تغییر دما بسیار زیاد باشد، همان طور که در قسمت ۱) گفتیم ممکن است میله تغییر شکل دهد تا اینکه حتی ممکن است بشکند. محاسبات مربوط به این پدیده را می توان در مبحث تنش گرمایی در کتاب های پیشرفته جستجو کرد.)

فعالیت ۴-۴

با استفاده از معادله (۲-۴) می توان Δa و Δb را به دست آورد:

$$\Delta a = \alpha a_1 \Delta T \Rightarrow a_T = a_1 + \alpha a_1 \Delta T \Rightarrow a_T = a_1 (1 + \alpha \Delta T)$$

$$\Delta b = \alpha b_1 \Delta T \Rightarrow b_T = b_1 + \alpha b_1 \Delta T \Rightarrow b_T = b_1 (1 + \alpha \Delta T)$$

مساحت ورقه پس از افزایش دما برابر $a_T b_T$ است و بنابراین داریم

$$A_T = a_T b_T = a_1 (1 + \alpha \Delta T) b_1 (1 + \alpha \Delta T) = a_1 b_1 (1 + \alpha \Delta T)$$

$$= a_1 b_1 (1 + 2\alpha \Delta T + (\alpha \Delta T)^2)$$

با توجه به اینکه α معمولاً از مرتبه 10^{-5} بر درجه سلسیوس است (جدول ۱-۴ را ببیند) و ΔT معمولاً بیشتر از مرتبه 10^2 درجه سلسیوس نیست، می توان نتیجه گرفت که جمله $(\alpha \Delta T)^2$ در مقایسه با جمله $2\alpha \Delta T$ بسیار کوچک است و می شود از آن چشم پوشی کرد. از طرفی $a_1 b_1$ همان مساحت اولیه ورقه است که آن را با A_1 نشان می دهیم. بنابراین می توان نوشت:

باید از رابطه $\Delta A = \alpha A \Delta T$ استفاده کنیم. این را می توان به طور شهودی دریافت. رابطه ΔA را برای سطح دایره ای می توان به طور مستقیم نیز اثبات کرد:

$$\begin{aligned}\Delta A &= \Delta(\pi R^2) = 2\pi R \Delta R = 2\pi R(\alpha R \Delta T) \\ &= 2\alpha(\pi R^2) \Delta T = 2\alpha A \Delta T\end{aligned}$$

در هر حال با جای گذاری خواهیم داشت:

$$\begin{aligned}\Delta T &= 2(19 \times 10^{-6} / ^\circ\text{C})(\pi)((2/54 \times 10^{-2} \text{m})^2/4)(200^\circ\text{C}) \\ &= 3/8 \times 10^{-6} \text{m}^2\end{aligned}$$

فعالیت ۵-۴

این فعالیت در واقع در همان امتداد مثال ۴-۴ است. یک ارلن شیشه ای را (همراه با یک لوله شیشه ای بلند) پر از گلیسرین می کنیم، به طوری که هیچ هوایی در ارلن نباشد و گلیسرین تا لبه لوله بالا آمده باشد. سپس ظرف شیشه ای بزرگی را پر از آب کرده و آن را داغ می کنیم. بعد ارلن را وارد ظرف داغ می کنیم. گلیسرین از لوله جاری می شود. حجم گلیسرین جاری شده را با پیمانه ای مدرج اندازه می گیریم. باید حجم اولیه گلیسرین را نیز با روش مناسبی اندازه گیری کرده باشیم (دقت کنید که این حجم متفاوت از حجم نوشته شده روی ارلن است) همچنین لازم است دمای اولیه و نهایی گلیسرین را نیز داشته باشیم. آنگاه همان طور که در مثال ۴-۴ دیدیم حجم سرریز شده از رابطه زیر به دست می آید

$$\Delta V_{\text{گلیسرین}} - \Delta V_{\text{ظرف}} = (\beta_{\text{گلیسرین}} - \beta_{\text{ظرف}}) V_1 \Delta T$$

با معلوم بودن ضریب انبساط حجمی ظرف، ضریب انبساط حجمی گلیسرین پیدا می شود.

تمرین ۴-۴

الف) با استفاده از رابطه (۴-۴) داریم

$$\Delta V = \beta V_1 \Delta T$$

که آن را می توان به صورت $V_2 = V_1(1 + \beta \Delta T)$ نوشت. بدیهی است با توجه به اینکه جرم تغییر نمی کند با افزایش دما، چگالی جسم باید کاهش یابد. ولی شکل آن چگونه است؟ از رابطه $\rho = m/V$ (تعریف چگالی) داریم:

$$\frac{\rho_2}{\rho_1} = \frac{V_1}{V_2} = \frac{1}{1 + \beta \Delta T}$$

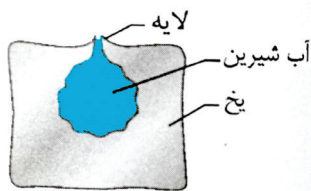
$$\Rightarrow \rho_2 = \frac{\rho_1}{1 + \beta \Delta T}$$

ب) صورت و مخرج رابطه بالا را در $(1 - \beta \Delta T)$ ضرب می کنیم:

$$\begin{aligned}\rho_2 &= \frac{\rho_1(1 - \beta \Delta T)}{(1 + \beta \Delta T)(1 - \beta \Delta T)} \\ &= \frac{\rho_1(1 - \beta \Delta T)}{1 - \beta^2 (\Delta T)^2}\end{aligned}$$

فعالیت ۴-۶

وقتی آب یخ می‌بندد، آب منبسط می‌گردد. اگر یخ در ظرفی روباز تشکیل شود، چون از اطراف نمی‌تواند انبساط یابد، انبساط آن رو به بالا رخ می‌دهد. ابتدا بخش‌هایی از آب که کنار دیواره ظرف هستند یخ می‌زند و به این ترتیب لایه یخ نازکی روی سطح آب تشکیل می‌شود. با ادامه فرایند یخ زدن، آبی که در میانه ظرف باقی مانده یخ می‌زند و منبسط می‌گردد. در این انبساط، آب میانه ظرف، لایه یخ بالای سرش را به طرف بالا می‌راند و این فرایند تا پایان یخ زدن کل آب ادامه می‌یابد و سرانجام سطح بالایی یخ، چیزی شبیه به یک مخروط کوتاه می‌شود. این فرایند گاهی می‌تواند یک تیزی تشکیل دهد. در این مواقع آب در حال انبساط زیرین، لایه یخ را می‌شکند و بقیه آب از محل شکستگی به بالا هدایت می‌شود.



هرچه سرعت یخ بستن به حد کافی کم باشد، آب بیشتری می‌تواند از طریق این پوسته به بالا فشرده و منجمد شود. وقتی همه آب یخ زد، این پوسته تشکیل تیزی رو به بالای صلبی را می‌دهد. به این تیزی روبه بالا «یخ میخی»^۱ می‌گویند. درست کردن یخ میخی، موضوع پرجاذبه‌ای است که می‌توانند دانش‌آموزان را به شوق بیاورد. به فیلم مربوطه در سایت گروه مراجعه شود.

پرسش ۴-۲

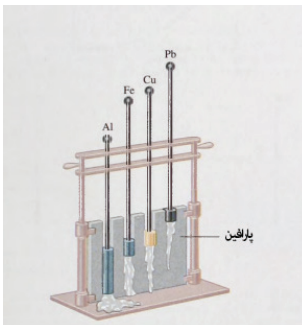
(الف) در واقع دماسنج‌ها، دمای تعادل خود با محیط را اندازه می‌گیرند. پس، دماسنج دمای خود را که در تعادل با محیط است اندازه می‌گیرد.

(ب) دمای بدن دانش‌آموز بیشتر از دمای بقیه اجسام است. دمای شیشه پنجره که در تماس با هوای سرد بیرون است از دمای بقیه اجسام کمتر است. دمای اجسامی مثل میز، صندلی و تخته، با دمای هوای اتاق تقریباً یکسان است، گرچه ممکن است در تماس دست خود با آنها، دماهای متفاوتی را احساس کنیم که این به خوب یا بد بودن رسانش گرمایی آن اجسام مربوط می‌شود.

(پ) با کاهش دمای جسم گرم، میانگین انرژی جنبشی ذرات آن کاهش می‌یابد و با افزایش دمای جسم سرد، میانگین انرژی جنبشی ذرات آن افزایش می‌یابد. در صورتی که دو جسم از یک جنس باشند، هنگام برقراری تعادل گرمایی و هم‌دما شدن دو جسم، میانگین انرژی جنبشی ذرات آنها با هم مساوی است.

پرسش ۴-۳

این به گرماهای ویژه گوی‌ها بستگی دارد. اگر به جدول ۴-۳ رجوع کنید برحسب J/kg.K گرماهای ویژه سرب، برنج، مس، فولاد و آلومینیوم به ترتیب ۱۲۸، ۳۸۰، ۳۸۶، ۴۵۰ و ۹۰۰ است. بنابراین میزان ذوب شدن پارافین از کمترین تا بیشترین به همان ترتیب است. آزمایش اصلی که توسط جان تیندل/ انجام شد به وسیله وزنه‌های استوانه‌ای انجام شده که شکل آن به صورت زیر است.



۱. Ice - spike

در این فرایند آب، گرما از دست می‌دهد و جسم گرما می‌گیرد و به دمای تعادل ($\theta = 21/0^\circ\text{C}$) می‌رسد. به ازای www.konkur.in
 آب : $m_1 = 0/500\text{ kg}$, $\theta_1 = 25/0^\circ\text{C}$, $c_1 = 4187\text{ J/kg}\cdot^\circ\text{C}$
 جسم : $m_2 = 0/250\text{ kg}$, $\theta_2 = 3/0^\circ\text{C}$

از رابطه (۴-۱) خواهیم داشت.

$$m_1 c_1 (\theta - \theta_1) + m_2 c_2 (\theta - \theta_2) = 0$$

$$\Rightarrow c_2 = \frac{m_1 c_1 (\theta - \theta_1)}{m_2 (\theta - \theta_2)} = \frac{(0/500\text{ kg})(4187\text{ J/kg}\cdot^\circ\text{C})(25/0^\circ\text{C} - 21/0^\circ\text{C})}{(0/250\text{ kg})(21/0^\circ\text{C} - 3/0^\circ\text{C})}$$

$$= 1861\text{ J/kg}\cdot^\circ\text{C} \approx 1/9 \times 10^4\text{ J/kg}\cdot^\circ\text{C}$$

فعالیت ۴-۷

اگر به ویراست هفتم کتاب حرارت و ترمودینامیک زیمانسکی رجوع کنید (منبع شماره ۱۲ منابع انگلیسی کتاب درسی) درمی‌یابید که فشار برای دمای نقطه سه گانه آب طبیعی $611/73\text{ Pa}$ است که می‌بینید چه تفاوت فاحشی با فشار مربوط به دمای 0°C دارد. (توجه کنید این فشار نقطه سه گانه را با فشار P_{tr} در «خوب است بدانید دماسنج گازی حجم ثابت» اشتباه نگیرید. P_{tr} فشار گاز دماسنج گازی در نقطه سه گانه است.)

فعالیت ۴-۸

هوا شامل بخار آب است. وقتی دمای هوا در ابتدا بالای نقطه انجماد آب باشد و هوا خنک شود همان پدیده میعان رخ می‌دهد و بخار به شکل باران، مه و شبنم تبدیل می‌شود. با سردتر شدن هوا، این آب به شکل تگرگ یخ می‌زند. اما اگر در ابتدا دما زیر نقطه انجماد آب باشد، بخار آب مستقیماً از حالت گازی به حالت جامد می‌رود (عکس پدیده تصعید). در این صورت بلورهای یخ معلق در هوا ضمن حفظ تقارن شش وجهی خود، به آرامی رشد می‌کند و تشکیل دانه‌های برف را می‌دهند. (فرایند مشابهی موجب تشکیل برفک در یخچال می‌شود.)

فعالیت ۴-۹

وجود ناخالصی موجب فروافتادن نقطه انجماد می‌شود. برای توضیح این پدیده به قطعه یخی فکر کنید که روی آن لایه نازکی از آب وجود دارد. در سطح جدایی لایه آب و یخ، دائماً تعدادی مولکول از آب به یخ می‌پیوندند و تعدادی مولکول نیز از یخ به آب می‌پیوندند. وجود تعادل در این دو فرایند سبب می‌شود مقدار آب و مقدار یخ ثابت بماند. حال اگر مقداری نمک طعام روی این قطعه یخ بپاشیم، مولکول‌های نمک در لایه آب به یون‌های مثبت و منفی تجزیه می‌شوند. مولکول‌های آب دور هر دو یون جمع می‌شوند و اصطلاحاً یون‌ها را هیدراته می‌کنند. در نتیجه هیدراته شدن یون‌ها، تعداد مولکول‌هایی که از یخ به آب می‌پیوندند کاهش می‌یابد، در حالی که تعداد مولکول‌هایی که از یخ به آب می‌پیوندند تغییری نکرده است. به عبارتی، تعادل قبلی برهم می‌خورد و از یخ کاسته و به لایه آب افزوده می‌شود، و آن قدر آب موجود در لایه آب زیاد می‌شود تا دوباره تعادل برقرار گردد. در پیوستن مولکول‌های آب از یخ به آب، انرژی مولکول‌ها افزایش می‌یابد، زیرا مولکول‌های آب در حالت مایع نسبت به حالتی که در ساختار بلورین و صلب یخ قرار دارند، دارای انرژی بیشتری هستند. این افزایش انرژی مولکول‌ها، با گرفتن گرما از لایه آب تأمین می‌شود و در نتیجه دمای لایه آب پایین می‌آید و به دنبال آن دمای یخ که در تماس با این لایه آب است نیز کاهش می‌یابد. اصطلاحاً گفته می‌شود نقطه انجماد آب به دلیل وجود نمک «فرو می‌افتد». با پاشیدن نمک بیشتر روی یخ، مقدار بیشتری از یخ ذوب می‌شود و دمای آب و یخ بیشتر کاهش می‌یابد. البته برای این کاهش حدی وجود دارد، مثلاً برای نمک طعام (NaCl) این دمای حدی، -21°C و برای کلسیم

الف) تبخیر سطحی با افزایش دما زیاد می‌شود. در واقع مولکول‌ها برای آنکه بتوانند از سطح آزاد مایع فرار کنند باید انرژی جنبشی لازم برای فرار از چنگ کشش سطحی را داشته باشند و بدیهی است که این با افزایش دما بیشتر می‌شود. وانگهی کشش سطحی آب نیز با افزایش دما کم می‌شود که این هم به تبخیر ساده‌تر آب می‌انجامد. در جدول ۵-۴ نیز این بستگی به دما به‌وضوح نمایان است.

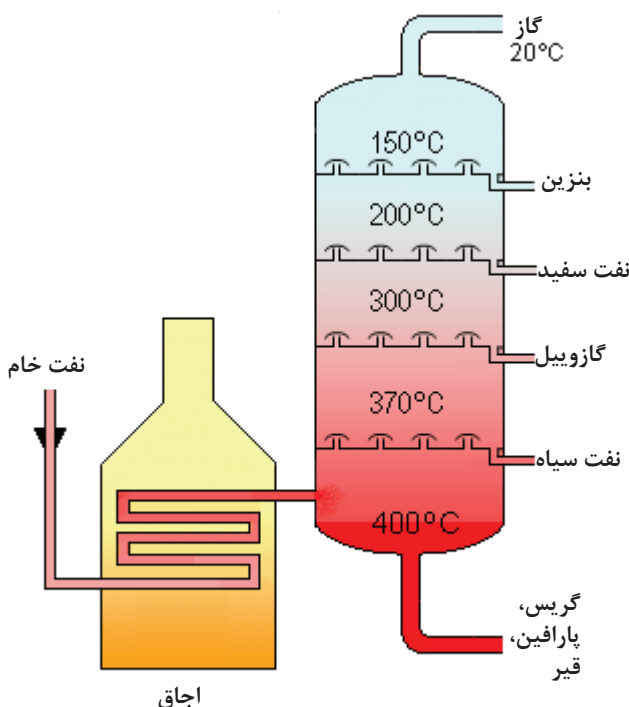
افزایش مساحت نیز موجب افزایش تبخیر سطحی می‌شود. چراکه هرچه مساحت سطح آزاد بیشتر شود بدیهی است که مولکول‌های بیشتری برای فرار از سطح آزاد مایع وجود خواهد داشت.

ب) دانش‌آموزان مثلاً می‌توانند سطح آزاد مایع را در معرض نسیم یا باد طبیعی و یا مصنوعی (مثلاً باد پنکه) قرار دهند و بدین ترتیب دریابند که آهنگ تبخیر سطحی افزایش می‌یابد. همچنین اگر بتوان شرایطی را فراهم کرد که فشار هوا بر سطح آزاد مایع کاهش یابد و ظرف در محیطی با خلأ نسبی قرار گیرد، آهنگ تبخیر سطحی افزایش می‌یابد.

پ) آبی که از دیواره‌های متخلخل کوزه به بیرون تراوش کرده بخار می‌شود و ضمن تبخیر از کوزه و آب داخل آن، گرمای لازم (گرمای نهان تبخیر) گرفته می‌شود. حال اگر نسیمی بوزد این عمل تشدید می‌شود. زیرا همان‌طور که گفتیم در حین تبخیر، مولکول‌های آب از آن جدا می‌شوند تا به هوای مجاور خود بروند. مقداری انرژی صرف می‌شود تا این مولکول‌ها از جاذبه مولکول‌های سطح آب رها شوند. بسیاری از این مولکول‌ها، مثلاً با برخورد با مولکول‌های هوا، به سطح آب باز می‌گردند. اما اگر هوا با یک نسیم حرکت کند این مولکول‌های آزاد شده از محل دور می‌شوند و نمی‌توانند انرژی را برگردانند که به این در قسمت (ب) نیز پرداختیم. اگر این از دست دادن انرژی سریع باشد، دمای آب پیش از آنکه انرژی قابل توجهی از محیط به آب انتقال یابد، فرو می‌افتد. بنابراین اگر یک کوزه متخلخل در سایه قرار داده شود، وزش یک نسیم می‌تواند آب داخل کوزه را با جدا کردن مولکول‌های بخار شده از آبی که از دیواره کوزه به بیرون تراویده است خنک کند. عرق کردن بدن و یا خیساندن لباس و پوشیدن آن و سپس قرار گرفتن در زیر سایه و محلی بادگیر نیز به‌طور مشابه می‌تواند باعث خنک شدن شخص شود.

فعالیت ۴-۱۱

اجزای تشکیل‌دهنده یک محلول چند جزئی مانند نفت خام نقطه‌های جوش متفاوتی دارند، به‌طوری که سنگین‌ترین آنها بالاترین نقطه جوش و سبک‌ترین آنها کمترین نقطه جوش را دارند. وقتی نفت خام را چنان حرارت دهیم که ناگهان همه اجزای آن تبدیل به بخار گردد و سپس آنها را سرد کنیم تا به مایع تبدیل شوند، اجزای مختلف نفت خام با نقاط جوش مختلف را می‌توان در یک ستون تقطیر از هم جدا کرد. سبک‌ترین محصولات با پایین‌ترین نقطه جوش از بالای ستون و سنگین‌ترین محصولات با بالاترین نقطه جوش از پایین ستون خارج می‌شود.



این مورد را می توان با نیروهای بین مولکولی که در فصل ۱ معرفی شدند توضیح داد. همان طور که دیدیم نیروهای چسبندگی مولکولی به فاصله بین مولکول ها بستگی دارند. با افزایش دما و کاهش چگالی، فاصله بین مولکولی در حالت مایع افزایش و نیروی چسبندگی بین مولکول ها کاهش می یابد و در نتیجه تفاوت بین انرژی های درونی جسم در حالت های مایع و بخار کاهش می یابد. به بیانی بسیار ساده شده، با افزایش دما، مولکول ها ساده تر می توانند از سطح آزاد مایع بگریزند و به گرمای کمتری برای این امر نیاز است و بالعکس (همچنین نگاه کنید به پاسخ فعالیت ۴-۱۰ الف).

پرسش ۴-۵

الف) این مثالی از افزایش نقطه جوش آب با افزایش فشار وارد بر سطح آزد مایع است. در درون دیگ زودپز، با افزایش بخار آب بر روی سطح مایع درون دیگ، نقطه جوش افزایش می یابد و در نتیجه مواد درون زودپز در دمای بالاتر و سریع تر پخته می شود.

ب) در ارتفاعات، فشار هوا پایین تر است و بنابراین نقطه جوش پایین می آید. مثلاً در قله دماوند نقطه جوش آب حدود 80°C و در قله اورست نقطه جوش آب در حدود 72°C است. البته این دما برای پختن تخم مرغ که به دمای 70°C نیاز دارد کافی است ولی زمان پختن را طولانی می کند. معمولاً گفته می شود کوهنوردان از نمک استفاده می کنند، ولی خوب است بدانید که افزودن 20 g نمک (حدود یک لیوان) در 1 لیتر آب حداکثر 2°C بر نقطه جوش آب می افزاید.

تمرین ۴-۶

گرمای لازم برای تبدیل یخ 20°C به بخار 100°C از مجموع گرما در چهار فرایند حاصل می شود.

(۱) تبدیل یخ 20°C به یخ 0°C

(۲) تبدیل یخ 0°C به آب 0°C

(۳) تبدیل آب 0°C به آب 100°C

(۴) تبدیل آب 100°C به بخار 100°C .

یعنی

$$\begin{aligned} Q &= mc_{\text{یخ}} \Delta\theta_1 + mL_F + mc_{\text{آب}} \Delta\theta_2 + mL_V \\ &= (1/0\text{ kg})(2200\text{ J/kg}\cdot^{\circ}\text{C})(20^{\circ}\text{C}) + (1/0\text{ kg})(333/7 \times 10^3\text{ J/kg}) \\ &\quad + (1/0\text{ kg})(4187\text{ J/kg}\cdot^{\circ}\text{C})(100^{\circ}\text{C}) + (1/0\text{ kg})(2256 \times 10^3\text{ J/kg}) \\ &= 3052800\text{ J} \approx 3/1 \times 10^6\text{ J} \end{aligned}$$

(توجه کنید گرچه جدول ۴-۳ گرمای ویژه یخ را برای 1°C داده است، ولی در این مسئله از همان داده استفاده کردیم.)

فعالیت ۴-۱۲

به بیان ساده شده ای می توان گفت که با برخورد مولکول های بخار آب با سطح برگ که در صبحگاهان دمای پایین تری از دمای بخار آب دارند، بخار آب مایع می شود.

اما پاسخ تفصیلی آن نیاز به معرفی برخی مفاهیم دارد. مقدار بخار آب موجود در هوا اغلب به صورت رطوبت نسبی در مقایسه با حد اشباع داده می شود. برای مثال، رطوبت نسبی 50% به معنی آن است که مقدار بخار، نصف حد اشباع است. مثلاً در یک دوش آب گرم در محیطی بسته، رطوبت نسبی ممکن است به 100% برسد و پس از آن وقتی بخار آب اضافی

www.konkur.in

است (یعنی سرچند دما کمتر باشد، هوا بخار کمتری را می‌تواند در حالت اشباع خود جای دهد) و بنابراین میزان بخار آب بیشتر رخ می‌دهد. به همین دلیل است که آینه سرد حمام باعث پخش بخار آب به صورت مایع بر روی آن می‌شود. در پدیده شبنم صبحگاهی هم پدیده مشابهی رخ می‌دهد.

فعالیت ۴-۱۳

معمولاً این از آن پرسش‌هایی است که ذهن دانش‌آموزان را به شدت درگیر می‌کند. چرا که در جایی عنوان می‌شود وقتی به مخلوط آب و یخ گرما می‌دهیم دماسنج درون ظرف آب و یخ تغییر دمایی نشان نمی‌دهد و از طرفی گفته می‌شود که با گرم شدن، انرژی درونی ماده افزایش می‌یابد. ولی باید توجه کرد این‌ها دو امکان متفاوت برای افزایش انرژی درونی ماده هستند و با هم تناقضی ندارند و افزایش درونی حتماً با افزایش دما همراه نیست. البته در اینجا بحث‌هایی وجود دارد که به راستی انرژی درونی چیست. بسیاری از کتاب‌ها در کنار انرژی درونی به انرژی گرمایی می‌پردازند و بیان می‌دارند انرژی درونی مجموع انرژی پتانسیل و انرژی گرمایی است. ولی در هر حال باید توجه داشت که بررسی این موضوع بدون توجه به منحنی‌های انرژی پتانسیل ممکن نیست، که البته پیشتر به معرفی آنها در این کتاب راهنمای معلم پرداختیم. تشریح کامل‌تر این منحنی‌ها را می‌توانید در مقاله زیر بیابید: «مولکول‌ها، اتم‌ها و ساختار داخلی اتم‌ها، مجله رشد آموزش فیزیک، شماره ۷۲ صفحه ۹۰». در اینجا یادآوری می‌کنیم که این منحنی‌ها می‌توانند نیروهای بین اتمی و بین مولکولی را توضیح دهند که با نیروهای بین مولکولی در فصل ۳ آشنا شدیم. در نتیجه افزایش دما، نقطه تعادل در این منحنی‌ها به سمت راست انتقال می‌یابد و به دلیل نامتقارن بودن شکل منحنی انرژی پتانسیل، فاصله بین مولکول‌ها افزایش می‌یابد. همچنین می‌توان گفت با افزایش دما از عمق چاه پتانسیل که نمود قدرت پیوند مولکولی است کاسته می‌شود. با افزایش دما سرانجام به وضعیتی می‌رسیم که جدا شدن یک مولکول H_2O از سطح یخ ساده می‌شود. پس گرما، نه صرف افزایش دمای یخ، بلکه صرف کم شدن قدرت پیوند بین مولکول می‌شود. برای دانش‌آموزان می‌توان به همین توضیح ساده اکتفا کرد که پیش از آنکه گرما صرف جنبش مولکول‌ها شود باید بتوانند یک مولکول را بکنند. (بنابراین اینکه گرما را لزوماً معادل انرژی درونی بگیریم نادرست است). پس از این وضعیت است که گرما به جنبش مولکول‌ها می‌انجامد. در مورد این مباحث به مقاله‌های زیر نیز رجوع کنید: «دو خطای رایج در آموزش فیزیک، رشد و آموزش فیزیک، شماره ۱۰۹ صفحه ۱۵» و «گرمای نهان ذوب و گرمای ویژه آب، رشد آموزش فیزیک شماره ۱۰۲، صفحه ۲۶».

پرسش ۴-۶

یک سیخ کوچک فلزی، انرژی گرمایی را از طریق رسانش به درون سیب زمینی انتقال می‌دهد. چون فلز انرژی گرمایی را بهتر به درون سیب زمینی انتقال می‌دهد، بنابراین زمان لازم برای پخت سیب زمینی کاهش می‌یابد. البته نشان داده شده است که سیخ‌های کوچک بیش از ۱ تا ۲ دقیقه زمان متعارف برای بختن سیب زمینی را کاهش نمی‌هند، ولی اگر سر آزاد سیخ سنگین و یا پهن باشد، این عمل به مراتب تأثیرگذارتر است.

تمرین ۴-۷

از رابطه (۴-۱۵) استفاده می‌کنیم.

$$H = kA \frac{(T_H - T_L)}{L}$$

www.konkur.in

فعالیت ۴-۱۷

اگر اصطکاک پیستونِ سرنگ با سیلندر آن کم باشد، پیستون هیچ اختلاف فشاری را برای هوای درون سرنگ با آب بیرون سرنگ تحمل نمی‌کند و همواره طوری جابه‌جا می‌شود و در وضعیتی قرار می‌گیرد که فشار هوای درون سرنگ با فشار آب بیرون آن برابر باشد. چون در این آزمایش فشار آب بیرون سرنگ تغییری نمی‌کند، برای یک پیستون کم‌اصطکاک، فشار هوای درون سرنگ نیز ثابت می‌ماند. بنابراین در اینجا انبساط هوای درون سرنگ در فشار ثابت است و در فشار ثابت با افزایش دما حجم زیاد می‌شود تا V/T ثابت بماند. بنابراین دما و حجم افزایش و فشار و مقدار هوا ثابت می‌ماند. در عمل، اگر از سرنگی با پیستون کم‌اصطکاک استفاده کنید و این آزمایش را انجام دهید، ثابت ماندن فشار، افزایش همزمان حجم و دما، و ثابت ماندن نسبت V/T در مدت انجام آزمایش را مشاهده می‌کنید.

فعالیت ۴-۱۸

وقتی هواپیما بالا می‌رود و فشار هوا کم می‌شود، گاز یا هوای درون نوشیدنی که فشار بیشتری از هوای بیرون ظرف دارد. به درِ منعطف ظرف فشار وارد می‌آورد. توجه کنید که با فرض همدما بودن این فرایند، الگوی تغییر فشار - حجم از رابطه «ثابت PV » پیروی می‌کند و با افزایش حجم ظرف نوشیدنی، از فشار داخل آن کاسته می‌شود. اگر در این ظرف بر اثر انبساط هوای محبوس باز نشود و شما پیش از نوشیدن، ظرف نوشیدنی را تکان دهید، با باز کردن ناگهانی درِ ظرف، محتویات آن به سمت بیرون پرت خواهد شد.

پاسخ به پرسش‌ها و مسئله‌های پایان فصل ۴

در فصل اول آموختیم که در مورد عددهایی مانند 600 یا 6000 و از این قبیل که به صفر ختم می‌شوند تعداد رقم‌های بامعنا مشخص نیست. ما در پاسخ به پرسش‌ها و مسئله‌هایی با معنا از این دست در فصل‌های ۴ و ۵، حداکثر تعداد رقم‌های با معنای ممکن را فرض کرده‌ایم. مثلاً در $\theta = 800\text{ K}$ سه رقم بامعنا و در $V = 20\text{ L}$ دو رقم فرض کرده‌ایم.

۱-

(الف)

$$K = -273/15^\circ\text{C} \approx -273^\circ\text{C}$$

$$F = [(-273/15) \left(\frac{9}{5}\right) + 32/00]^\circ\text{F} = -459/67^\circ\text{F} \approx -460^\circ\text{F}$$

(ب)

$$273\text{ K} = -0/15^\circ\text{C} \approx 0^\circ\text{C}$$

$$F = [(0/15) \left(\frac{9}{5}\right) + 32/00]^\circ\text{F} = +31/73^\circ\text{F} = 32^\circ\text{F}$$

(پ)

$$373\text{ K} = 99/85^\circ\text{C} \approx 100^\circ\text{C}$$

$$F = [(99/85) \left(\frac{9}{5}\right) + 32/00]^\circ\text{F} = 211/73^\circ\text{F} = +212^\circ\text{F}$$

(ت)

$$F = \left[\left(\frac{273}{1.8} \right) + 32 \right] F = 523/73^\circ F = 523^\circ F$$

www.konkur.in

- ۲- اگر دماسنج، جیوه‌ای یا الکلی باشد باید دما را از روبه‌رو بخوانیم تا اختلاف منظر (خطای مشاهده‌ای) نداشته باشیم. اندازه‌گیری را چند بار تکرار می‌کنیم. باید از دماسنج مناسبی برای گستره موردنظر استفاده کنیم.
- ۳- مقیاس، (فاصله میان خط‌های نشانه)، ضخامت و قطر دایره، هر سه با یک عامل بزرگ می‌شوند.
- ۴- الف) ۲ و ۳ یکسان، سپس ۱، سپس ۴
 ب) ۳، ۲، سپس ۱ و ۴ یکسان
 پ) همه یکسان.

۵-

$$\Delta L = L_1 \alpha \Delta T = (25/^\circ \text{m})(14 \times 10^{-6} \text{K}^{-1})(40/^\circ \text{K})$$

$$= 1/4 \times 10^{-3} \text{m} = 1/4 \text{cm}$$

۶-

$$\Delta V_{\text{گلسیرین}} = \beta_{\text{گلسیرین}} V_1 \Delta \theta$$

$$\Delta V_{\text{ظرف}} = \beta_{\text{آلومینیم}} V_1 \Delta \theta$$

$$V = \Delta V_{\text{گلسیرین}} - \Delta V_{\text{ظرف}} = (\beta_{\text{گلسیرین}} - \beta_{\text{آلومینیم}}) V_1 \Delta \theta$$

$$= (49 \times 10^{-5} \text{K}^{-1} - 3(23 \times 10^{-6} \text{K}^{-1}))(400 \text{cm}^3)(30/^\circ \text{C} - 20/^\circ \text{C})$$

$$= 1/684 \text{cm}^3 \approx 1/7 \text{cm}^3$$

- ۷- چون سطح مقطع ظرف ثابت است، حجم بنزین داخل مخزن متناسب با ارتفاع بنزین داخل آن است. بنابراین در فرمول انبساط حجمی به جای V_1 و ΔV به ترتیب $A\Delta h$ و Ah_1 قرار می‌دهیم و چنین به‌دست می‌آوریم:
- $$\Delta h = \beta h_1 \Delta \theta \Rightarrow h_2 = h_1(1 + \beta \Delta \theta)$$
- با توجه به $h_2 = h_1 + \Delta h$ داریم:

$$\theta_2 = \frac{\Delta h}{\beta(h - \Delta h)} + \theta_1$$

$$= \frac{50 \text{cm}}{(1/000 \times 10^{-3} ^\circ \text{C})(1000 \text{cm} - 50 \text{cm})} - 10^\circ \text{C}$$

$$= 42/63^\circ \text{C} \approx 43^\circ \text{C}$$

- ۸- الف) چون با کاهش دما، نوار به سمت پایین خم شده است ضریب انبساط طولی نوار پایین باید بیشتر از نوار بالایی بوده باشد. اگر به جدول ۱-۴ مراجعه کنید درمی‌یابید که ضریب انبساط طولی برنج بیشتر از فولاد است و بنابراین نوار بالایی از جنس فولاد است.

- ب) در این صورت نوار در جهت مخالف خم می‌شود به‌طوری که برنج کمان بیرونی شود.
- ۹- الف)

$$\Delta L = \alpha L_1 \Delta T = (10 \times 10^{-6} \text{K}^{-1})(2/30 \times 10^5 \text{m})(60 \text{K})$$

ب) معمولاً در بخش‌هایی از این سطح بویژه، مانند سطل، بویژه را به صورت سطل در می‌آورند. همچنین (به خصوص در مورد ریل‌های راه‌آهن) این لوله‌ها (ریل‌ها) را زمانی می‌سازند که L_1 حدوداً برابر با نصف میانگین مقدارهای بیشینه و کمینه سالیانه‌اش است.

۱۰-

$$\begin{aligned}\Delta V &= \beta V_1 \Delta \theta \\ \Rightarrow V_2 &= V_1 (1 + \beta \Delta \theta) \\ &= (30000 \text{ L})(1 + (1/00 \times 10^{-5} \text{ K}^{-1})(-20/0 \text{ K})) \\ &= 29400 \text{ L} \approx 2/94 \times 10^4 \text{ L}\end{aligned}$$

۱۱- با توجه به اینکه $Q = Pt$ است داریم:

$$\begin{aligned}Pt &= mc\Delta \theta \\ (200 \text{ J/s})(t) &= (0/200 \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C})(70^\circ \text{C}) \\ \Rightarrow t &= 293/09 \text{ s} \approx 2/9 \times 10^2 \text{ s}\end{aligned}$$

۱۲- رابطه‌های $Q = mc\Delta \theta$ و $Q = Pt$ را برابر هم قرار می‌دهیم:

$$\begin{aligned}Pt &= mc\Delta \theta \\ \Rightarrow c &= \frac{Pt}{m\Delta \theta} = \frac{(50 \text{ J/s})(110 \text{ s})}{(0/60 \text{ kg})(38 - 18)^\circ \text{C}} \\ &= 458 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C} \approx 4/6 \times 10^2 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C}\end{aligned}$$

احتمالاً بحثی از گرمای داده شده توسط گرمکن به هوا و مواد پیرامون فلز داده شده است. بنابراین در رابطه $Q = mc\Delta \theta$ که برای قطعه فلز به کار می‌بریم Q کمتر از Pt است و در نتیجه مقدار واقعی گرمای ویژه فلز، کمتر از پاسخ به‌دست آمده در حل است.

۱۳- از شرط تعادل گرمایی در حالت کلی داریم:

$$m_{\text{ظرف}} c_{\text{ظرف}} (\theta - \theta_{1\text{ظرف}}) + m_{\text{قطعه}} c_{\text{قطعه}} (\theta - \theta_{1\text{قطعه}}) + m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} (\theta - \theta_{1\text{آب}}) + m'_{\text{آب}} c_{\text{آب}} (\theta - \theta'_{1\text{آب}}) = 0$$

توجه کنید که در این رابطه با توجه به اینکه دمای اولیه ظرف، قطعه و 50°C آب اولیه یکسان و برابر 30°C است، داریم:

$$\theta_{1\text{ظرف}} = \theta_{1\text{قطعه}} = \theta_{1\text{آب}} = 30^\circ \text{C}$$

و در این رابطه $m'_{\text{آب}}$ در واقع جرم آبی است که بعداً افزوده می‌شود ($m'_{\text{آب}} = 100 \text{ g}$) و $\theta'_{1\text{آب}}$ دمای اولیه آب افزوده شده ($\theta'_{1\text{آب}} = 70^\circ \text{C}$) است. هدف، محاسبه گرمای ویژه قطعه است. با توجه به اینکه دمای تعادل $\theta = 52^\circ \text{C}$ است، خواهیم داشت.

$$\begin{aligned}& (0/200 \text{ kg})(386 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C})(52 - 30)^\circ \text{C} + \\ & (80 \times 10^{-3} \text{ kg}) \times c_{\text{قطعه}} (52 - 30)^\circ \text{C} + (50 \times 10^{-3} \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C})(52 - 30)^\circ \text{C} \\ & + (0/100 \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C})(52 - 70)^\circ \text{C} = 0\end{aligned}$$

از اینجا خواهیم داشت

$$c_{\text{قطعه}} = 700/3 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C} \approx 7/0 \times 10^2 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C}$$

۱۴- همان‌طور که در متن کتاب اشاره شده است در پدیده‌های تغییر فاز جامد به مایع و مایع به بخار، با آنکه ماده‌ای که تغییر فاز می‌دهد گرما می‌گیرد ولی تغییر دما نمی‌دهد.

۱۷- با دادن گرما به نقره، ابتدای آن از $20/0^{\circ}\text{C}$ به نقطه ذوب (960°C) می رسد و سپس نقره ذوب می شود:

$$\begin{aligned} Q &= Q_1 + Q_2 = m_{\text{نقره}} c_{\text{نقره}} \Delta\theta + mL_F \\ &= (0/200 \text{ kg})(236 \text{ J/kg} \cdot ^{\circ}\text{C})(960 - 20/0^{\circ}\text{C}) + (0/200 \text{ kg})(88/3 \times 10^3 \text{ J/kg}) \\ &= 62028 \text{ J} \approx 6/20 \times 10^4 \text{ J} \end{aligned}$$

۱۸- برای یخ زدن کامل، مجموعاً دو فرایند صورت می گیرد. نخست آب $20/0^{\circ}\text{C}$ به آب 0°C تبدیل می شود و سپس در دمای صفر درجه یخ می زند. پس گرمای کل منتقل شده برابر است با

$$\begin{aligned} Q &= mc_{\text{آب}} \Delta\theta + mL_F \\ &= (150 \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot \text{K})(20/0^{\circ}\text{C}) + (150 \text{ kg})(333/7 \times 10^3 \text{ J/kg}) \\ &= 6/26 \times 10^4 \text{ J} \end{aligned}$$

۱۹- گرمایی که گرمکن می دهد صرف گرم کردن آب و ظرف گرماسنج می شود و بنابراین داریم

$$\begin{aligned} Pt = Q &= Q_{\text{آب}} + Q_{\text{ظرف}} \\ &= m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} \Delta\theta + C_{\text{ظرف}}(\Delta\theta) \\ &= (m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} + C_{\text{ظرف}}) \Delta\theta \end{aligned}$$

الف) با استفاده از این رابطه داریم

$$(50 \text{ J/s})(60 \text{ s}) = [(0/100 \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot ^{\circ}\text{C}) + C_{\text{ظرف}}](25 - 20)^{\circ}\text{C}$$

$$\Rightarrow C_{\text{ظرف}} = 181/3 \text{ J/}^{\circ}\text{C} \approx 1/8 \times 10^2 \text{ J/}^{\circ}\text{C}$$

ب) دوباره از رابطه بالا استفاده می کنیم. ولی اکنون گرمای ویژه ظرف مشخص و زمان نامشخص است.

$$\begin{aligned} t &= \frac{(m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} + C_{\text{ظرف}}) \Delta\theta}{P} \\ &= \frac{[(0/100 \text{ kg})(4187 \text{ J/kg} \cdot ^{\circ}\text{C}) + 180 \text{ J/}^{\circ}\text{C}](75^{\circ}\text{C})}{50 \text{ J/s}} \\ &= 898/05 \text{ s} \approx 9/0 \times 10^2 \text{ s} \end{aligned}$$

پ) برای اینکه آب 100°C به بخار 100°C تبدیل شود، آب به اندازه $Q = mL_V$ گرما می گیرد و چون در این رخداد دما تغییر نمی کند، گرماسنج گرما نمی گیرد. پس داریم

$$Pt = mL_V$$

و از آنجا

$$\begin{aligned} t &= \frac{mL_V}{P} = \frac{(0/200 \text{ kg})(2/256 \times 10^6 \text{ J/kg})}{50 \text{ J/s}} \\ &= 902/4 \text{ s} \approx 9/0 \times 10^2 \text{ s} \end{aligned}$$

۲۰- الف) گرمای لازم برای تبدیل آب 100°C به بخار آب 100°C از رابطه $Q = Pt$ به دست می آید و از طرفی $Q = mL_V$

است. در نتیجه داریم

$$t = \frac{P}{\dot{Q}} = \frac{200 \text{ J/s}}{112 \text{ W}} = 1.79 \text{ s}$$

$$= 112 \text{ W} = 112 \text{ J/s}$$

(ب) گرمکن در این مدت گرمایی معادل mL_V را تأمین کرده است. بنابراین اگر چنین گرمایی صرف گرم کردن یخ شده باشد، داریم

$$(0.10 \text{ kg})(2256 \times 10^3 \text{ J/kg}) = (m_{\text{یخ}})(333 \times 10^3 \text{ J/kg})$$

$$\Rightarrow m_{\text{یخ}} = 0.676 \text{ kg}$$

(۲۱- الف) همان طور که شکل نشان می دهد تغییر فاز از جامد به مایع در زمان 300 s شروع می شود و بنابراین 300 s طول می کشد تا جامد به نقطه ذوب خود برسد.

(ب) از نمودار درمی یابیم دمای جسم پیش از تغییر فاز از دمای 20°C به دمای 80°C می رسد. بنابراین از تلفیق رابطه های $Q = Pt$ و $Q = mc\Delta\theta$ که در آنها P توان گرمکن، t زمان رسیدن به نقطه ذوب، و m و c به ترتیب جرم و گرمای ویژه جسم جامد است، خواهیم داشت

$$Pt = mc\Delta\theta$$

و در نتیجه

$$C = \frac{Pt}{m\Delta\theta} = \frac{(100 \text{ J/s})(300 \text{ s})}{(0.0500 \text{ kg})(80 - 20)^\circ \text{C}}$$

$$= 100 \times 10^3 \text{ J/kg} \cdot ^\circ \text{C}$$

(پ) گرمای نهان ذوب را با استفاده از رابطه $L_F = Q/m$ به دست می آوریم. دوباره به جای Q از رابطه $Q = Pt$ قرار می دهیم. ولی توجه کنید که در اینجا t زمان تغییر فاز جامد است که از روی منحنی حدس می زنیم $85 \text{ s} - 300 \text{ s} = 115 \text{ s}$ می شود که البته با توجه به مبحث ارقام معنی دار باید آن را به صورت $115 \times 10^3 \text{ s}$ بیان کنیم. یعنی با دو رقم معنی دار و یک رقم حدسی. بنابراین برای L_F داریم

$$L_F = \frac{(100 \text{ J/s})(115 \times 10^3 \text{ s})}{0.0500 \text{ kg}} = 2.3 \times 10^6 \text{ J/kg}$$

(۲۲- در حین یخ زدن جرم m_1 آب، مقداری انرژی گرمایی برابر با $Q_1 = m_1 L_F$ آزاد می شود. در حین تبخیر، جرم باقی مانده $m_2 = (m - m_1)$ ، مقدار گرمای جذب شده برابر $Q_2 = m_2 L_V$ است. چون $Q = Q_1$ است، داریم:

$$m_1 L_F = (m - m_1) L_V$$

که در آن L_V گرمای نهان تبخیر آب در دمای 80°C است که آن را از جدول ۴-۵ قرار می دهیم. در نتیجه برای m_1 داریم

$$m_1 = \frac{m L_V}{L_F + L_V} = \frac{(100 \text{ kg})(2490 \text{ kJ/kg})}{(2490 \text{ kJ/kg}) + (234 \text{ kJ/kg})}$$

$$= 0.880 \text{ kg} = 880 \text{ g}$$

(توجه کنید که در این مسئله چون فرایندها بدون تغییر دما صورت گرفته اند، لذا دلیل مبادله انرژی اختلاف دما نبوده است و بنابراین انرژی مبادله شده را انرژی گرمایی و نه گرما نامیدیم.)

(۲۳- با فرض آنکه تمام انرژی لازم برای تبخیر آب، از بدن شخص گرفته شده، داریم:

$$Q_{\text{آب}} = Q_{\text{شخص}}$$

$$m_{\text{آب}} = \frac{m_{\text{شخص}} c_{\text{شخص}} |\Delta\theta|}{L_V}$$

$$= \frac{(\Delta\theta)(c_{\text{شخص}})(m_{\text{شخص}})}{L_V}$$

$$= \frac{(50/0\text{g})(3480\text{J/kg.K})(1/0\text{K})}{2/42 \times 10^6 \text{J/kg}}$$

$$= 0/0719\text{kg} = 71/9\text{g}$$

ب) حجم آب را با استفاده از تعریف چگالی $P = m/V$ به دست می آوریم. با توجه به اینکه چگالی آب از جدول ۸-۱ برابر $1000 \times 10^3 \text{kg/m}^3$ است، حجم این جرم از آب چنین می شود

$$V = \frac{m}{\rho} = \frac{0/072\text{kg}}{1000 \times 10^3 \text{kg/m}^3} = 71/9 \times 10^{-6} \text{m}^3 = 71/9 \text{cc}$$

۲۴- احساس اینکه یک جسم چقدر سرد است به آهنگ رسانش گرما از دستان شما به جسم بستگی دارد. فلز رساننده گرمای بهتری از چوب است و در نتیجه گرما از دست شما با آهنگ بیشتری به لوله فلزی شماش می کند و لوله سردتر به نظر می رسد. انگشتان به این دلیل می توانند به یک سطح فلزی سرد بچسبند که رطوبت روی پوست می تواند به صورت دندانهای ریزی روی سطح فلز یخ بزند.

۲۵- کلاً روشهای اتلاف انرژی همان روشهای انتقال انرژی، یعنی رسانش، تابش و همرفت است و نیز ممکن است انرژی را از طریق تبخیر عرق از پوست خود، از دست بدهید. هدف از پوشیدن پالتو کاهش اتلاف انرژی از راههای بالاست. مثلاً پوششهایی از جنس چرم می تواند اتلافهای ناشی از همرفت و تبخیر ناشی از وزیدن باد را کاهش دهد. در مورد رسانش گرمایی، پالتو می تواند یک لایه هوا در اطراف بخشی از بدن شما ایجاد کند که چون انتقال گرما از طریق هوا نسبتاً کم است، این لایه به عایق بندی شما کمک می کند. پوشیدن چند لباس در زیر پالتو این عمل را تشدید می کند، زیرا در این صورت چند لایه هوا شما را عایق بندی می کند.

۲۶- باید از رابطه $Q = k \frac{A(T_H - T_L)}{L} t$ استفاده کنیم. توجه کنید رسانندگی گرمایی شیشه بین ۱ تا ۰/۶ بر حسب W/m.K است که ما در این مسئله آن را برابر ۱ اختیار کرده ایم.

الف) داده های مسئله عبارتند از

$$A = (2/0\text{m})(1/0\text{m}) = 2/0\text{m}^2 \quad t = 1/0\text{s}$$

$$L = 4/0 \times 10^{-3}\text{m} \quad \Delta T = 7/0\text{K} - 2/0\text{K} = 5/0\text{K}$$

بنابراین

$$Q = (1/0\text{J/s.mK}) \frac{(2/0\text{m}^2)(5/0\text{K})}{4/0 \times 10^{-3}\text{m}} (1/0\text{s}) = 2/5 \times 10^3 \text{J}$$

ب) حالا $t = (24)(60)(60) = 86400\text{s}$ است. بنابراین

$$Q = (1/0\text{J/s.mK}) \frac{(2/0\text{m}^2)(5/0\text{K})}{4/0 \times 10^{-3}\text{m}} (86400\text{s})$$

$$= 2/16 \times 10^8 \text{J} \approx 2/2 \times 10^8 \text{J}$$

۲۷- با استفاده از رابطه $Q = \frac{kA(T_H - T_L)}{L} t$ خواهیم داشت:

$$Q = (0/010 \text{ W/m.K})(0/80 \text{ m}) \times 872000 \text{ s} \\ = 691200 \text{ J} \approx 6/9 \times 10^5 \text{ J}$$

بنابراین جرم یخ ذوب شده چنین می شود

$$m = \frac{Q}{L_T} = \frac{691200 \text{ J}}{333700 \text{ J/kg}} = 2/07 \text{ kg} \approx 2/1 \text{ kg}$$

۲۸- قوری سیاه تابش گرمایی بیشتری می کند و زودتر سرد می شود.

۲۹- الف) چون فشار ثابت است از قانون گازها داریم

$$\frac{V_1}{T_1} = \frac{V_2}{T_2} \Rightarrow$$

$$T_2 = \left(\frac{T_1 V_2}{V_1} \right) = \frac{(20 + 273)(200/0 \text{ cm}^3)}{100/0 \text{ cm}^3} = 586 \text{ K} \\ = 313^\circ \text{C}$$

(ب)

$$T_2 = \frac{(20 + 273)(50/0 \text{ cm}^3)}{100/0 \text{ cm}^3} = 146/5 \text{ K} = -126/5^\circ \text{C} \approx -127^\circ \text{C}$$

۳۰- الف) چون دما ثابت است از قانون گازها به صورت زیر استفاده می کنیم:

$$P_1 V_1 = P_2 V_2$$

اگر مساحت قاعده استوانه تلمبه را A بگیریم خواهیم داشت

$$(1/0 \text{ atm})(24 \text{ cm} \times A) = P_2 (30/0 \text{ cm} \times A)$$

و در نتیجه $P_2 = 0/80 \text{ atm}$ می شود.

(ب) اکنون داریم

$$(1/0 \text{ atm})(24 \text{ cm} \times A) = (3/0 \text{ atm})(AL)$$

و از اینجا $L = 8/0 \text{ cm}$ می شود و بنابراین باید طول استوانه را به اندازه $16 \text{ cm} = 24 \text{ cm} - 8/0 \text{ cm}$ کاهش دهیم.

۳۱- در این مسئله حجم ثابت است و بنابراین از قانون گازها داریم

$$\frac{P_1}{T_1} = \frac{P_2}{T_2}$$

توجه کنید که فشاری که فشارسنج اندازه می گیرد فشار پیمانه ای (سنجه ای) است. ولی در این رابطه باید فشارهای مطلق را قرار دهیم و نه فشار پیمانه ای را. بنابراین

$$\frac{(2/00 + 1/00) \text{ atm}}{(17 + 273) \text{ K}} = \frac{(2/30 + 1/00) \text{ atm}}{T_2}$$

و از اینجا $T_2 = 319 \text{ K} = 46^\circ \text{C}$ می شود.

۳۲- از رابطه $PV = \pi RT$ استفاده می کنیم

$$V = \frac{\pi RT}{P} = \frac{(1/00 \text{ mol})[8/314 \text{ J/mol.K}](273 \text{ K})}{1/013 \times 10^5 \text{ Pa}}$$

توجه کنید که در این مسئله، منظور از یک مول گاز، دقیقاً یک مول است و نه 1 mol یا $17 \times 10^{-3} \text{ mol}$ و ... به همین دلیل مقدار رقم‌های با معنی در یک مول، محدودکننده تعداد ارقام با معنی پاسخ نهایی نیست.

۳۳- از قانون گازهای کامل داریم

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2}$$

که در اینجا شاخص ۱ مربوط به ته دریاچه و شاخص ۲ مربوط به سطح آب دریاچه است. با فرض اینکه فشار هوا در حباب همان فشار آب اطراف آن باشد، داریم

$$P_1 = P_{\text{atm}} + \rho gh$$

که در آن ρ چگالی آب و h عمق دریاچه است، بدیهی است که $P_2 = P_{\text{atm}}$. از اینجا داریم

$$\begin{aligned} V_2 &= \frac{T_2}{T_1} \times \frac{P_{\text{atm}} + \rho gh}{P_{\text{atm}}} \times V_1 \\ &= \left(\frac{293 \text{ K}}{277 \text{ K}} \right) \frac{(1.01 \times 10^5 \text{ Pa} + (1.0 \times 10^3 \text{ kg/m}^3)(9.8 \text{ m/s}^2)(40.0 \text{ cm}))}{1.01 \times 10^5 \text{ Pa}} \times (0.20 \text{ cm}^3) \\ &= 1.03 \text{ cm}^3 \approx 1.0 \text{ cm}^3 \end{aligned}$$

۳۴- تعداد مولکول‌های گاز داخل سحابی در واحد حجم بسیار ناچیز است (به این منظور، عدد داده شده را با تعداد مولکول‌های هوا در واحد حجم در مثال ۴-۲۱ کتاب مقایسه کنید). بنابراین گاز داخل سحابی، تقریباً بسیار خوبی برای گاز کامل است و در قانون گازهای کامل داریم

$$P = \frac{nRT}{V} = \frac{(N/N_A)RT}{V} = \frac{(N/V)RT}{N_A}$$

که در اینجا $T = 1000 \text{ K}$ ، N_A عدد آووگادرو و R ثابت جهانی گازها و N/V تعداد مولکول‌های گاز بر متر مکعب است.

$$\begin{aligned} \frac{N}{V} &= 1000/0 \frac{\text{مولکول}}{\text{cm}^3} = 1000/0 \frac{\text{مولکول}}{(10^{-2} \text{ m})^3} \\ &= 1000/0 \times 10^6 \frac{\text{مولکول}}{\text{m}^3} \\ \Rightarrow P &= \frac{(1000/0 \times 10^6 \text{ مولکول/m}^3)(8.314 \text{ J/mol.K})(1000 \text{ K})}{(6.02 \times 10^{23} \text{ مولکول/mol})} \\ &= 1.38 \times 10^{-1} \text{ Pa} \end{aligned}$$

این نتیجه دوباره نشان می‌دهد که تقریب ما برای کامل در نظر گرفتن گاز داخل سحابی درست بوده است. در واقع، فشار بهترین خلاء آزمایشگاهی حدود 10^{-7} Pa است که حدوداً 1000 بار بزرگ‌تر از فشار گاز درون سحابی است.

صفحه ۹۷

تمرین ۱-۴



نشان دهید که تغییر دما در مقیاس‌های سلسیوس و کلون با هم برابر است.

اگر T_1 و T_2 به ترتیب دمای اولیه و نهایی جسمی در مقیاس کلون و θ_1 و θ_2 به ترتیب دمای اولیه و نهایی جسم در مقیاس سلسیوس باشد، می‌توان نوشت:

$$\begin{aligned} T_1 &= \theta_1 + 273 \\ T_2 &= \theta_2 + 273 \rightarrow T_2 - T_1 = (\theta_2 + 273) - (\theta_1 + 273) = \theta_2 + 273 - \theta_1 - 273 = \theta_2 - \theta_1 \\ \rightarrow T_2 - T_1 &= \theta_2 - \theta_1 \end{aligned}$$

صفحه ۹۷

تمرین ۲-۴



الف) دمای بدن یک انسان سالم تقریباً $37^\circ C$ است. این دما را بر حسب کلون و فارنهایت بنویسید.

$$\theta = 37^\circ C \begin{cases} T = \theta + 273 = 37 + 273 = 310 K \\ F = \frac{9}{5}\theta + 32 = \frac{9}{5} \times 37 + 32 = 98.6^\circ F \end{cases}$$

ب) گرم‌ترین نقطه‌ی روی زمین، ناحیه‌ای در کویر لوت است که دمای آن تا حدود $70^\circ C$ و سردترین نقطه در قطب جنوب است که دمای آن تا $-89^\circ C$ گزارش شده است. این دماها را بر حسب کلون و فارنهایت به دست آورید.

$$\begin{aligned} \theta = 70^\circ C & \begin{cases} T = \theta + 273 = 70 + 273 = 343 K \\ F = \frac{9}{5}\theta + 32 = \frac{9}{5} \times 70 + 32 = 158^\circ F \end{cases} \\ \theta = -89^\circ C & \begin{cases} T = \theta + 273 = -89 + 273 = 184 K \\ F = \frac{9}{5}\theta + 32 = \frac{9}{5} \times (-89) + 32 = -128.2^\circ F \end{cases} \end{aligned}$$

صفحه ۹۷

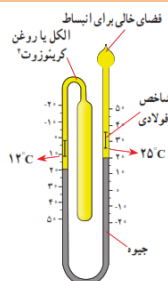
فعالیت ۱-۴



تحقیق کنید برای نگهداری یاخته‌های بنیادی بندناف خون، به چه دمایی نیازمندیم. این دما چگونه ایجاد و حفظ می‌شود؟
دمای نگهداری سلول‌های بند ناف در حدود $-196^\circ C$ است. این دما توسط نیتروژن مایع با نقطه‌ی جوش $-196^\circ C$ ایجاد می‌شود. در این حالت نیتروژن و سلول‌های بند ناف در تانک‌های خلاء که مبادله‌ی گرما با محیط را تقریباً به صفر می‌رسانند، نگهداری می‌شوند. در این تانک‌ها بین جداری داخلی و بیرونی خلاء وجود دارد.

صفحه ۹۹

فعالیت ۲-۴



نوع ویژه‌ای از دماسنج‌های مایعی که بیشینه و کمینه‌ی دما را در یک مدت زمان معین نشان می‌دهد، دماسنج بیشینه-کمینه نام دارد. از این دماسنج‌ها معمولاً در مراکز پرورش گل و گیاه، باغداری، هواشناسی و... استفاده می‌شود. در مورد چگونگی کار این دماسنج‌ها تحقیق کنید.

طرح این نوع دماسنج در شکل مقابل رسم شده است. هنگامی که دما بالا می‌رود، به سبب انبساط الکل در مخزن سمت چپ، جیوه در لوله‌ی سمت راست به بالا رانده می‌شود و شاخص فولادی لوله‌ی سمت راست را

با خود بالا می‌برد. اگر سطح جیوه در لوله‌ی سمت راست پایین بیاید، شاخص فولادی که به آن فنرهای ریزی متصل است همراه با آن حرکت نمی‌کند و در همان محل قبلی خود در مقابل دمای بیشینه می‌ایستد. هنگامی که الکل به علت کاهش دما منقبض می‌شود جیوه از طرف چپ لوله ل شکل بالا می‌رود و شاخص فولادی دیگر را در این طرف لوله به بالا می‌راند اگر سطح جیوه در لوله سمت چپ پایین بیاید. شاخص فولادی سمت چپ نیز که به آن فنرهای ریزی متصل است همراه با آن حرکت نمی‌کند و در همان محل قبلی خود در مقابل دمای کمینه می‌ایستد. در پایان مدت زمان مورد نظر، با استفاده از آهن‌ربا این دو شاخص به سطح جیوه برگردانده می‌شود. در شکل مقابل حداقل دما 0°C و حداکثر آن 30°C است.

صفحه ۱۰۰

پرسش ۱-۴



الف) چرا بهتر است قفل و کلید یک در، هم جنس باشند؟

زیرا در این صورت در اثر تغییر دما، ابعاد هر دو به یک میزان تغییر کرده و کلید در قفل گیر نمی‌کند.

ب) چرا در برخی از فصل‌های سال، بعضی از درب‌ها در چارچوب خود گیر می‌کنند؟

زیرا تغییرات دما در فصول مختلف سال، تغییرات متفاوتی را در ابعاد درب و چارچوب ایجاد کرده (این تغییر می‌تواند به دلیل تفاوت جنس درب و چارچوب باشد) و در نتیجه در گیر می‌کند.

صفحه ۱۰۰

فعالیت ۳-۴



۱) شکل (الف) طرحی از دو قسمت متوالی خط آهن (ریل راه‌آهن) های قدیمی و شکل (ب) تصویر واقعی از آن را در گذشته نشان می‌دهد. اگر فاصله‌ی خالی بین این دو قسمت به حدّ کافی زیاد نمی‌بود، چه مشکلی پیش می‌آمد؟

تغییر طول هر بخش از ریل‌ها در اثر انبساط و انقباض ناشی از تغییرات دما، موجب وارد شدن نیرو به بخش‌های دیگر می‌شد و این نیرو باعث خمیده شدن ریل‌ها و یا جدا شدن اتصالات آن می‌شد.

۲) امروزه بین قسمت‌های متوالی خط آهن فاصله‌ای در نظر گرفته نمی‌شود و این قسمت‌ها پشت سر هم جوشکاری می‌شوند. تحقیق کنید در این روش چگونه مشکل ناشی از انبساط در یک روز گرم تابستانی برطرف می‌شود؟

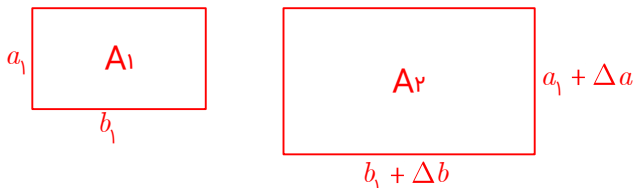
امروزه برای اتصال ریل‌ها به پایه‌های زیرین خطوط (به این پایه‌ها تراورس می‌گویند) از پیچ و مهره استفاده نمی‌شود بلکه ریل توسط بسط‌های فلزی محکمی به پایه‌ها می‌چسبد در نتیجه امکان انبساط طولی به هر میزان از دو طرف آزاد ریل که معمولاً در محل تعویض خطوط در ایستگاه‌ها است وجود دارد.

صفحه ۱۰۴

فعالیت ۴-۴



ورقه‌ای فلزی و مستطیلی شکل به اضلاع a_1 و a_2 را در نظر بگیرید. بر اثر افزایش دمای ΔT ، طول اضلاع مستطیل به اندازه‌ی Δa و Δb افزایش می‌یابند. اگر ضریب انبساط طولی ورقه α باشد، نشان دهید که افزایش مساحت این ورقه با تقریب مناسب از رابطه‌ی $\Delta A = 2\alpha A_1 \Delta T$ به دست می‌آید.



$$A_p = (a_1 + \Delta a)(b_1 + \Delta b) = a_1 b_1 + a_1 \Delta b + b_1 \Delta a + \Delta a \Delta b$$

$$\left. \begin{aligned} \Delta a &= a_1 \alpha \Delta T \\ \Delta b &= b_1 \alpha \Delta T \end{aligned} \right\} \rightarrow A_p = a_1 b_1 + a_1 b_1 \alpha \Delta T + b_1 a_1 \alpha \Delta T + a_1 \alpha \Delta T b_1 \alpha \Delta T$$

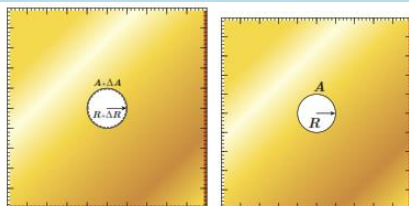
$$A_1 = a_1 b_1 \rightarrow A_p = A_1 + A_1 \alpha \Delta T + A_1 \alpha \Delta T + A_1 (\alpha \Delta T)^2$$

با توجه به کوچک بودن ضریب α از عبارت $A_1 (\alpha \Delta T)^2$ می‌توان صرف نظر کرد. در نتیجه:

$$A_p = A_1 + 2A_1 \alpha \Delta T \rightarrow A_p - A_1 = 2\alpha A_1 \Delta T \rightarrow \Delta A = 2\alpha A_1 \Delta T$$

صفحه ۱۰۴

تمرین ۳-۴



(ب)

(الف)

شکل‌های (الف) و (ب) نشان می‌دهند که وقتی روی یک ورقه‌ی فلزی حفره‌ای دایره‌ای داشته باشیم و ورقه را گرم کنیم، قطر (یا مساحت) حفره بزرگ می‌شود. فرض کنید جنس ورقه، برنجی است و حفره‌ای به قطر یک اینچ (۲ / ۵۴ cm) درون آن ایجاد شده است. وقتی دمای ورقه، $200^\circ C$ افزایش یابد، افزایش مساحت حفره چقدر خواهد شد؟

$$\alpha = 19 \times 10^{-6} \frac{1}{K}, \quad R = 2 / 56 \div 2 = 1 / 27, \quad \Delta T = 200^\circ C$$

شعاع حفره $1/27$ است. حال مساحت اولیه‌ی حفره را محاسبه می‌کنیم:

$$A_1 = \pi R^2 = 3 / 14 \times (1 / 27)^2 \simeq 5 cm$$

$$\Delta A = 2\alpha A_1 \Delta T = 2 \times 19 \times 10^{-6} \times 5 \times 200 = 2 \times 19 \times 5 \times 2 \times 10^{-4} = 380 \times 10^{-4} = 38 \times 10^{-3} cm^2 \rightarrow \Delta A = 3 / 8 \times 10^{-2} cm^2$$

صفحه ۱۰۶

فعالیت ۵-۴



آزمایشی را طراحی و اجرا کنید که با آن بتوانید حجم گلیسرین سرریز شده در مثال ۴-۴ را اندازه بگیرید. سپس از روی آن، ضریب انبساط حجمی گلیسرین را تعیین کنید.

وسایل آزمایش: گلیسرین، استوانه‌ی مدرج، درپوش پلاستیکی استوانه‌ی مدرج با دو سوراخ، دماسنج، لوله‌ی مدرج، چراغ الکلی و پایه.

شرح آزمایش: داخل استوانه‌ی مدرج تا حجم $100 cm^3$ گلیسرین می‌ریزیم. $V_1 = 100 cm^3$. دماسنج و لوله‌ی مدرج را از سوراخ‌های درپوش عبور داده و درپوش را بر روی ظرف طوری قرار می‌دهیم که سطح گلیسرین را به طور کامل بپوشاند. دمای اولیه‌ی گلیسرین را با دماسنج اندازه‌گیری می‌کنیم. ($\theta_1 = 20^\circ C$)

ظرف را بر روی پایه قرار داده و توسط چراغ به آن گرما می‌دهیم تا دمای آن به $60^\circ C$ برسد ($\theta_2 = 60^\circ C$). گلیسرین منبسط شده و از لوله‌ی مدرج بالا می‌آید. حجم گلیسرین منبسط شده در دمای $60^\circ C$ را توسط لوله‌ی مدرج مشخص می‌کنیم. ($\Delta V = 2 cm^3$) حال با کمک رابطه $\Delta V = \beta V_1 \Delta T$ ضریب انبساط حجمی گلیسرین را محاسبه می‌کنیم:

$$V_1 = 100 cm^3, \quad \theta_1 = 20^\circ C, \quad \theta_2 = 60^\circ C, \quad \Delta T = \Delta \theta = 40^\circ C, \quad \Delta V = 2 cm^3$$

$$\Delta V = \beta V_1 \Delta T \rightarrow 2 = \beta \times 100 \times 40 \rightarrow \beta = \frac{2}{4000} \rightarrow \beta = 5 \times 10^{-4} = 5 / 0 \times 10^{-4} \frac{1}{K}$$

صفحه ۱۰۶

تمرین ۴-۴



افزایش دما که به طور معمول موجب افزایش حجم اجسام می‌شود، بر جرم آنها تأثیری ندارد. به همین دلیل انتظار داریم که چگالی اجسام با افزایش دما کاهش یابد. رابطه‌ی چگالی با تغییر دما به صورت $\rho_p = \rho_1 / (1 + \beta \Delta T)$ است که در آن ρ_p و ρ_1 به ترتیب چگالی ماده در دماهای T_p و T_1 ، ضریب انبساط حجمی و $\Delta T = T_p - T_1$ است.

$$V_p = V_1 + \Delta T = V_1 + \beta V_1 \Delta T = V_1(1 + \beta \Delta T) \rightarrow V_p = V_1(1 + \beta \Delta T) \rightarrow \frac{m}{\rho_p} = \frac{m}{\rho_1}(1 + \beta \Delta T)$$

$$\rightarrow \frac{1}{\rho_p} = \frac{1 + \beta \Delta T}{\rho_1} \rightarrow \rho_p = \frac{\rho_1}{1 + \beta \Delta T}$$

ب) نشان دهید با تقریب مناسبی می‌توان چگالی جسم را از رابطه‌ی $\rho_p = \rho_1(1 - \beta \Delta T)$ نیز به دست آورد.

عبارت را در $\frac{1 - \beta \Delta T}{1 - \beta \Delta T}$ ضرب می‌کنیم:

$$\rho_p = \frac{\rho_1}{1 + \beta \Delta T} \times \frac{1 - \beta \Delta T}{1 - \beta \Delta T} = \frac{\rho_1(1 - \beta \Delta T)}{1 - (\beta \Delta T)^2}$$

با توجه به اینکه $(\beta \Delta T)^2$ مقدار کوچکی است می‌توان از آن صرف نظر کرد. $((\beta \Delta T)^2 \simeq 0)$ بنابراین:

$$\rho_p = \frac{\rho_1(1 - \beta \Delta T)}{1 - 0} \rightarrow \rho_p = \rho_1(1 - \beta \Delta T)$$

صفحه ۱۰۸

فعالیت ۶-۴



وقتی آب در یک ظرف روباز یخ می‌بندد معمولاً یک برآمدگی مرکزی ایجاد می‌شود. در این مورد تحقیق کنید.
 یخ زدن از سطح آب شروع شده و نقاطی که نزدیک به دیواره‌های ظرف هستند سریع‌تر یخ می‌زنند (چون رسانندگی گرمایی جامدها بیشتر از مایع‌ها است مولکول‌های آب نزدیک دیواره سریع‌تر گرمای خود را از دست می‌دهند) می‌دانیم با کاهش دمای آب از 4°C تا 0°C حجم آب افزایش می‌یابد. پس در حین یخ زدن آب از طرف دیواره‌ها حجم نیز افزایش می‌یابد. چون مایع‌ها تراکم ناپذیرند این افزایش حجم به تدریج به نقطه‌ی میانی ظرف منتقل و باعث بالا آمدن سطح آب در حین انجام می‌شود.

صفحه ۱۰۹

پرسش ۲-۴



الف) منظور از این جمله که «دماسنج‌های معمولی دمای خودشان را اندازه‌گیری می‌کنند» چیست؟
 چون در اندازه‌گیری دما، دماسنج و محیط به تعادل گرمایی رسیده و هم دما می‌شوند، دماسنج‌ها با نشان دادن دمای خودشان، دمای محیط را نیز نشان می‌دهند.

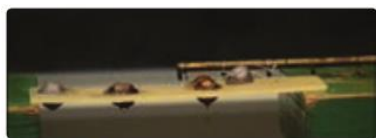
ب) در یک کلاس درس میز، صندلی، دانش‌آموز، تخته، شیشه پنجره و... وجود دارد. در یک روز زمستانی، دمای کدام یک از آنها بیشتر از دمای هوای اتاق است؟ دمای کدام یک کمتر از دمای هوای اتاق است؟
 بدن انسان چون منبع تولید گرماسات دمایی بیشتر از دمای هوای کلاس دارد. اجسامی مثل شیشه و پنجره که به هوای بیرون در ارتباط هستند نیز به دلیل مبادله‌ی گرما با بیرون دمای کمتری نسبت به دمای هوای کلاس دارند. سایر اجسام داخل کلاس نیز چون همگی با هوای کلاس در تعادل گرمایی هستند دمای ثابتی دارند.

پ) در شکل ۴-۱۷ میانگین انرژی جنبشی ذرات دو جسم چگونه تغییر کرده است؟

با رسیدن به تعادل گرمایی، میانگین انرژی جنبشی ذرات جسم گرم کاهش و جسم سرد افزایش می‌یابد.

صفحه ۱۱۱

پرسش ۳-۴



گوی‌ها بسته به جنس خود، ورقه بارافین را در زمان‌های متفاوت ذوب می‌کنند.

چندگوی فلزی از جنس‌های مختلف، مثلاً از آلومینیم، فولاد، برنج، مس، سرب و... را اختیار می‌کنیم که همگی جرم یکسانی داشته باشند. گوی‌ها را توسط ریسمان‌هایی داخل ظرف آبی قرار می‌دهیم که آب آن در حال جوشیدن است و پس از مدتی گوی‌ها را بیرون آورده

و آنها را روی یک ورقه‌ی پارافین قرار می‌دهیم. به نظر شما کدام گوی پارافین بیشتری را ذوب می‌کند و علت آن چیست؟ این آزمایش را نخستین بار فیزیک‌دان ایرلندی، جان تیندال (۱۸۹۳-۱۸۲۰م) طراحی و اجرا کرد.

گویی که گرمای ویژه‌ی بیشتری دارد پارافین بیشتری را ذوب می‌کند. زیرا اجسامی که گرمای ویژه‌ی بالاتری دارند در زمان سرد شدن گرمای بیشتری را به محیط و اجسامی که در تماس با آنها هستند منتقل می‌کنند.

صفحه ۱۱۴

تمرین ۵-۴



جسمی به جرم 250 kg و دمای 3°C را درون ظرف عایقی حاوی 500 kg آب 0°C می‌اندازیم. پس از چند دقیقه دمای تعادل را اندازه می‌گیریم. دمای تعادل 21°C می‌شود. گرمای ویژه‌ی جسم را محاسبه کنید. از تبادل گرما بین ظرف و سایر اجسام چشم‌پوشی کنید.

$$\text{آب: } c = 4200 \frac{\text{J}}{\text{kg}^\circ\text{C}}$$

ابتدا خلاصه اطلاعات مسئله را به صورت زیر می‌نویسیم:

$$\left. \begin{array}{l} \text{جسم: } m_1 = 250 \text{ kg}, \theta_1 = 3^\circ\text{C}, c_1 = ? \\ \text{آب: } m_2 = 500 \text{ kg}, \theta_2 = 0^\circ\text{C}, c_2 = 4200 \frac{\text{J}}{\text{kg}^\circ\text{C}} \end{array} \right\} \xrightarrow{\text{دمای تعادل}} \theta = 21^\circ\text{C}$$

چون جسم و آب به تعادل گرمایی رسیده‌اند، می‌توان نوشت:

$$Q_{\text{جسم}} + Q_{\text{آب}} = 0 \rightarrow m_1 c_1 (\theta - \theta_1) + m_2 c_2 (\theta - \theta_2) = 0$$

$$\rightarrow 250 \times c_1 \times (21 - 3) + 500 \times 4200 \times (21 - 0) = 0$$

$$4 / 5 c_1 - 8400 = 0 \rightarrow 4 / 5 c_1 = 8400 \rightarrow c_1 = \frac{8400 \times 5}{4} \simeq 10500 \frac{\text{J}}{\text{kg}^\circ\text{C}}$$

صفحه ۱۱۷

فعالیت ۷-۴



در نقطه سه‌گانه آب، سه فاز آب در تعادل‌اند.

نقطه‌ی ذوب یخ در فشار 1 atm برابر 0°C است. برای آب نقطه‌ای موسوم به نقطه‌ی سه‌گانه وجود دارد که در آن سه حالت یخ، آب و بخار در تعادل‌اند. دمای این نقطه 0.01°C است. تحقیق کنید برای رسیدن به این نقطه به چه فشاری نیاز است؟

نقطه سه‌گانه آب نقطه ثابتی است که در آن یخ، آب و بخار در حال تعادل قرار دارند. این حالت فقط در فشار معینی حاصل می‌شود. فشار بخار آب در نقطه سه‌گانه $4/58$ میلی‌مترجیوه یا 612 پاسکال است.

صفحه ۱۱۷

فعالیت ۸-۴



برف و یخ دو شکل آشنای حالت جامد آب هستند، اما با وجود این، ظاهر متفاوتی دارند. دلیل این امر را تحقیق کنید.

علت این تفاوت مربوط به نحوه‌ی فرآیند تشکیل برف و یخ است. در تشکیل برف، هوای سرد، مولکول‌های بخار آب را به کریستال‌های یخ تبدیل می‌کند. این کریستال‌ها در مسیر فرود به زمین با مولکول‌های بخار آب برخورد می‌کنند. به محض برخورد بخار آب با کریستال، بخار آب حالت گازی خود را از دست داده و به کریستال جامد تبدیل شده و به هسته‌ی دانه‌ی برف می‌پیوندد. این فرآیند مدام تکرار و دانه‌های بزرگ‌تری از برف ساخته می‌شود. ولی در فرایند شکل‌گیری یخ، مولکول‌های مایع از ابتدا در کنار هم قرار دارند، و با سرد شدن، ساختار یخ را تشکیل می‌دهند.



تحقیق کنید وجود ناخالصی در مایع چه تأثیری بر نقطه‌ی انجماد آن دارد؟

وجود ناخالصی موجب می‌شود که مایع، نقطه‌ی انجماد مشخصی نداشته و انجماد در گستره‌ای دماها رخ دهد. مثلاً هنگام یخ زدن آب نمک، اولین بلورها در دمای کمتر از 0°C تشکیل می‌شود و انجماد کامل در دماهای کمتر، (تا -18°C) روی می‌دهد.



الف) بررسی کنید از دیدگاه مولکولی، افزایش دما و افزایش مساحت سطح مایع چگونه بر آهنگ تبخیر سطحی مایع اثر می‌گذارد؟ با افزایش دما جنبش مولکولی افزایش یافته و مولکول‌های بیشتری تندی کافی را برای جداسدن از سطح مایع پیدا می‌کنند. بنابراین آهنگ تبخیر سطحی افزایش می‌یابد. با افزایش مساحت مایع، تعداد مولکول‌های جدا شده از سطح نیز بیشتر می‌شود، در نتیجه آهنگ تبخیر سطحی افزایش می‌یابد.

ب) با بررسی تبخیر سطحی در شرایط مختلف سعی کنید از راه تجربه، عامل یا عامل‌های دیگری را پیدا کنید که بر آهنگ تبخیر سطحی مؤثر باشند؟

- ۱- جنس مایع: تبخیر سطحی در برخی مایع‌ها بیشتر از سایر مواد است. مثلاً تبخیر سطحی در الکل بسیار بیشتر از آب است.
 - ۲- فشار سطح مایع: فشار سطح مایع و تبخیر سطحی نسبت عکس دارند، یعنی کاهش فشار بر سطح مایع‌ها باعث افزایش آهنگ تبخیر سطحی می‌شود. بنا بر همین قاعده، جریان هوا هم می‌تواند بر آهنگ تبخیر سطحی مؤثر باشد. طبق اصل برنولی، جریان هوا بر روی سطح مایع باعث کاهش فشار هوا در سطح مایع و در نتیجه افزایش آهنگ تبخیر سطحی می‌شود.
 - پ) تحقیق کنید کوزه‌های سفالی چگونه می‌توانند آب داخل خود را خنک کنند؟
- کوزه‌های سفالی مولکول‌های آب را از داخل به سطح خارجی خود منتقل می‌کنند و چون تبخیر فرآیندی گرماگیر است این مولکول‌ها برای تبخیر شدن، از سطح کوزه گرما گرفته و آب درون کوزه خنک می‌شود.



از تفاوت نقطه‌ی جوش اجسام مختلف در صنعت، استفاده‌ی زیادی می‌شود. تحقیق کنید چگونه از این ویژگی برای جدا کردن محصولات نفتی استفاده می‌شود؟

در این روش مخلوط مواد و محصولات نفتی را گرما می‌دهند. از آنجا که دمای جوش اجزای تشکیل دهنده‌ی مخلوط متفاوت است. بخارهای نفتی ایجاد شده در دماهای مختلف، هر یک مربوط به جزء خاصی از اجزای مخلوط است که طی فرایند میعان و تقطیر، جمع‌آوری می‌شوند.



چرا در جدول ۴-۵ گرمای تبخیر آب با افزایش دمای آن کاهش می‌یابد؟

با افزایش دما جنبش مولکولی و تندی حرکت مولکول‌ها افزایش یافته در نتیجه پیوند بین آنها سست‌تر می‌شود و مولکول‌ها برای جدا شدن از سطح به انرژی کمتری نیاز دارند؛ بنابراین با افزایش دمای آب گرمای کمتری برای تبخیر آن نیاز است.



الف) چرا غذا در دیگ زودپز، زودتر پخته می‌شود؟

بسته بودن در دیگ زودپز باعث محبوس شدن بخار آب در آن و افزایش فشار در سطح مایع می‌شود. بنابراین نقطه جوش مایع افزایش یافته و غذا در دمایی بالاتر قرار می‌گیرد و در نتیجه زودتر پخته می‌شود.

ب) دلیل دیرتر پخته شدن تخم‌مرغ در ارتفاعات چیست؟ کوهنوردان برای رفع این مشکل چه کاری انجام می‌دهند؟

در ارتفاعات به دلیل کاهش فشار هوا نقطه‌ی جوش آب پایین می‌آید. در نتیجه تخم‌مرغ در دمای کمتری قرار می‌گیرد و دیرتر پخته می‌شود. کوهنوردان برای رفع این مشکل تخم‌مرغ‌ها را در ظروف در بسته می‌جوشانند زیرا با بسته شدن در ظرف فشار هوا و در نتیجه نقطه جوش افزایش می‌یابد.

صفحه ۱۲۴

تمرین ۶-۴



قطعه یخی به جرم 1 kg و دمای اولیه‌ی -20°C را آن قدر گرم می‌کنیم تا تمام آن تبدیل به بخار 100°C شود. کل گرمای مورد نیاز برای این تبدیل چند کیلوژول است؟

$$L_F \text{ یخ} = 334 \frac{\text{kJ}}{\text{kg}}, \quad c_{\text{یخ}} = 2100 \frac{\text{J}}{\text{kg}^\circ\text{C}}, \quad L_V \text{ آب} = 2256 \frac{\text{kJ}}{\text{kg}}, \quad c_{\text{آب}} = 4200 \frac{\text{J}}{\text{kg}^\circ\text{C}}$$

مراحل طی شده در این فرآیند به صورت زیر است:



به منظور سهولت در محاسبات نتایج را بر حسب کیلوژول می‌نویسیم:

$$Q_1 = mc\Delta\theta = 1 \times 2100 \times (0 - (-20)) = 42000 \text{ J} = 42 \text{ kJ}$$

$$Q_2 = mL_F = 1 \times 334 = 334 \text{ kJ}$$

$$Q_3 = mc\Delta\theta = 1 \times 4200(100 - 0) = 420000 \text{ J} = 420 \text{ kJ}$$

$$Q_4 = mL_V = 1 \times 2256 = 2256 \text{ kJ}$$

$$Q = Q_1 + Q_2 + Q_3 + Q_4 = 42 + 334 + 420 + 2256 = 3052 \text{ kJ} \rightarrow Q = 3 / 1 \times 10^3 \text{ kJ}$$

صفحه ۱۲۴

فعالیت ۱۲-۴



در مورد ایجاد شب‌نم صبحگاهی روی گیاهان تحقیق کنید.

صبحگاهان قبل از طلوع خورشید خنک‌ترین زمان شبانه‌روز است. زیرا بیشترین فاصله‌ی زمانی را از زمان تابش خورشید به زمین دارد. در صبحگاهان بخار آب موجود در هوا در اثر برخورد بار سطوح سردتر مثل شاخه و برگ گیاهان با از دست دادن گرما و طی فرآیند میعان به مایع تبدیل شده و شب‌نم صبحگاهی ایجاد می‌شود.

صفحه ۱۲۴

فعالیت ۱۳-۴



در فرآیندهای تغییر حالت (تغییر فاز) دما تغییر نمی‌کند، اما انرژی درونی ماده تغییر می‌کند. در این باره تحقیق کنید.

انرژی درونی مجموع انرژی‌های جنبشی همه‌ی اتم‌ها و مولکول‌های تشکیل دهنده جسم و انرژی پتانسیل مربوط به برهم کنش‌های اتم‌ها و مولکول‌های آنهاست. وقتی جسم گرم می‌شود، چون انرژی جنبشی ذرات تشکیل دهنده‌ی آن افزایش می‌یابد، انرژی درونی آن بیشتر می‌شود. اما در زمان تغییر حالت ماده، چون گرمای داده شده صرف غلبه بر نیروهای بین مولکولی می‌شود انرژی جنبشی متوسط مولکول‌ها تغییر نمی‌کند، بنابراین دما ثابت می‌ماند ولی چون با از بین رفتن نیروهای بین مولکولی، انرژی پتانسیل آنها افزایش می‌یابد انرژی درونی بیشتر می‌شود.

صفحه ۱۲۶

پرسش ۶-۴



برخی آشپزها برای آنکه سیب‌زمینی زودتر آب‌پز شود، ابتدا چند سیخ کوچک فلزی درون سیب‌زمینی فرو می‌کنند و بعد آن را در آب انداخته و روی اجاق قرار می‌دهند. علت این کار آشپزها چیست؟

چون فلزات رساناهای گرمایی خوبی هستند، گرما از طریق این رساناهای مادی به داخل سیب زمینی منتقل شده و سیب زمینی زودتر پخته می‌شود.

صفحه ۱۲۷

تمرین ۷-۴



مساحت استخری با کف تخت، ۸۲۰ متر مربع و عمق آن ۲/۰ متر است. در یک روز گرم دمای سطح آب 25°C و دمای کف آب 12°C است. آهنگ رسانش گرمایی از سطح استخر به کف آن چقدر است؟

$$k = 0.6 \frac{\text{W}}{\text{m.K}}, \quad A = 820 \text{ m}^2, \quad L = 2 \text{ m}, \quad T_H - T_L = 25 - 12 = 13 \text{ K}$$

$$H = k \frac{A(T_H - T_L)}{L} = 0.6 \times 820 \times 13 = 3198 \rightarrow H = 3/2 \times 10^3 \text{ W}$$

صفحه ۱۲۷

فعالیت ۱۴-۴



موهای خرس قطبی تو خالی هستند. تحقیق کنید این موضوع چه نقشی در گرم نگه داشتن بدن خرس در سرمای قطب دارد؟ از آنجا که بخش عمده‌ای از گرمای بدن جانداران از طریق فرآیند رسانش به بیرون منتقل می‌شود و این فرآیند نیاز به محیط مادی دارد، توخالی بودن موهای خرس قطبی انتقال گرما به طریق رسانش را از بدن جاندار به حداقل می‌رساند.



تصویری بسیار بزرگ شده از موی یک خرس قطبی

صفحه ۱۲۹

پرسش ۷-۴



به نظر شما چه ارتباطی بین انتقال گرما به روش همرفت و ضریب انبساط حجمی، برای یک مایع وجود دارد؟ هرچه ضریب انبساط حجمی یک مایع بیشتر باشد پدیده همرفت با سرعت بیشتری در آن ماده رخ می‌دهد. چون پدیده همرفت به علت اختلاف چگالی بین شاره گرم و شاره سرد روی می‌دهد، این اختلاف چگالی در مایعاتی که ضریب انبساط حجمی بزرگ‌تری دارند بیشتر است.

صفحه ۱۲۹

فعالیت ۱۵-۴



چهار بطری شیشه‌ای یکسان، دو رنگ جوهر قرمز و آبی، دو کارت ویزیت مقوایی و آب بسیار سرد و بسیار گرم تهیه کنید. در دو تا از بطری‌ها جوهر آبی و در دو بطری دیگر جوهر قرمز بریزید. سپس بطری‌های آبی را با آب خیلی سرد و بطری‌های قرمز را با آب خیلی گرم پر کنید. اکنون در حالی که دهانه‌ی یک بطری قرمز را با کارت ویزیت گرفته اید، دهانه‌ی آن را دقیقاً روی دهانه‌ی یک بطری آب قرار دهید و سپس کارت را بیرون بکشید. همین آزمایش را به طور معکوس نیز انجام دهید؛ یعنی این بار، یک بطری آبی رنگ که دهانه‌ی آن با کارت پوشیده شده است را روی دهانه‌ی یک بطری قرمز رنگ قرار دهید و سپس کارت را بیرون بکشید. مشاهدات خود را توضیح دهید. از این آزمایش چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟



اگر بطری قرمز بالا باشد، با بیرون کشیدن کارت، رنگ‌ها به حالت اولیه خود باقی مانده و ترکیب نمی‌شوند. ولی اگر بطری آبی بالا باشد با بیرون کشیدن کارت، رنگ آبی به سمت پایین و رنگ قرمز به طرف بالا حرکت کرده و رنگ‌ها ترکیب می‌شوند.

از این آزمایش نتیجه می‌گیریم اختلاف دما بین بخش‌های مختلف یک شاره، تنها زمانی که شاره سردتر بالاتر از شاره‌ی گرم‌تر باشد موجب به وجود آمدن جریان همرفتی می‌شود.



رادیومتر وسیله‌ای است که از یک حباب شیشه‌ای تشکیل شده است که درون آن چهار پره‌ی فلزی قائم قرار دارد که می‌توانند حول یک محور (سوزن عمودی) بچرخند. دو وجه هر چهار پره، یک در میان سفید و سیاه است. وقتی این وسیله کنار یک چشمه‌ی نور قرار گیرد، پره‌ها حول سوزن عمودی می‌چرخند و هر چه شدت نور بیشتر باشد، این چرخش سریع‌تر است. در مورد چرخش پره‌ها تحقیق کنید.



در این وسیله یک طرف هر پره سفید و طرف دیگر سیاه است. زمانی که این پره‌ها در مقابل نوری که از یک جسم گرم تابش می‌کند قرار می‌گیرند می‌چرخند، جهت چرخش به گونه‌ای است که سمت سیاه‌پره‌ها از نور دور و سمت سفید به نور نزدیک می‌شوند. در این وسیله گرما از طریق تابش امواج الکترومغناطیسی به سمت سیاه هر پره که گرمای بیشتری را جذب می‌کند منتقل و سبب گرم شدن پره و مولکول‌های هوای اطراف آن می‌شود، با گرم شدن مولکول‌های هوا انرژی جنبشی آنها افزایش یافته و این مولکول‌ها به سطح پره سیاه برخورد کرده و ضربه می‌زنند که باعث حرکت پره سیاه می‌شود.

اگر داخل این وسیله خلاء کامل باشد مولکول‌های هوایی وجود ندارد که باعث حرکت پره‌ها شود و برعکس اگر با هوای تحت فشار جو پر شده باشد انباشت مولکول‌های هوا مانع از انتقال انرژی جنبشی مولکول‌های هوا به سطح پره برای چرخش می‌شود.



سر سرنگی را که پیستون آن آزادانه حرکت می‌کند به فشارسنجی می‌بندیم و آن را به طور افقی درون ظرف آبی می‌گذاریم و ظرف را به آرامی گرم می‌کنیم. توضیح دهید کدام یک از کمیت‌های دما، حجم، فشار و مقدار هوای درون سرنگ تغییر می‌کند و تغییر آنها چگونه است؟



۱) دمای هوای داخل سرنگ افزایش می‌یابد چون هوای سرنگ با آب داخل ظرف به تعادل گرمایی می‌رسد.

۲) فشار هوای درون سرنگ ثابت می‌ماند و مقدار آن برابر با مقدار فشاری است که از طرف آب و هوای بالای آن به سرنگ وارد می‌شود.

۳) حجم هوای سرنگ افزایش می‌یابد. چون در فشار ثابت، حجم و دمای گاز نسبت مستقیم دارند. با افزایش دما، حجم گاز هم افزایش می‌یابد.

۴) مقدار هوای داخل سرنگ تغییر نمی‌کند زیرا هوایی از سرنگ خارج نمی‌شود.



با وجود تلاش در جهت ثابت نگه داشتن فشار هوای درون هواپیما، همواره مقدار آن کمتر از فشار هوای روی زمین است. وقتی هواپیما بالا می‌رود و فشار هوا کم می‌شود، بسته‌های نوشیدنی یا دسر باد می‌کنند و حتی گاهی درشان باز می‌شود. با فرض ثابت بودن دما، این پدیده را توضیح دهید.

چون این نوشیدنی‌ها بر روی زمین پر می‌شوند، فشار هوای داخل آنها به اندازه‌ی فشار در سطح زمین است. زمانی که فشار هوای بیرون بسته‌ها کاهش می‌یابد، اختلاف فشار ایجاد شده بین داخل و بیرون نیرویی به در و دیواره بسته‌ها وارد و باعث باد کردن دیواره‌ها و باز شدن دربسته می‌شود.

(۱) دماهای زیر را بر حسب درجه‌ی سلسیوس و فارنهایت مشخص کنید.

$$\text{الف) } 0^\circ K \begin{cases} \theta = 0 - 273 = -273^\circ C \\ F = \frac{9}{5} \times (-273) + 32 = -459 / 4^\circ F \end{cases}$$

$$\text{ب) } 273^\circ K \begin{cases} \theta = 273 - 273 = 0^\circ C \\ F = \frac{9}{5} \times 0 + 32 = 32^\circ F \end{cases}$$

$$\text{پ) } 373^\circ K \begin{cases} \theta = 373 - 273 = 100^\circ C \\ F = \frac{9}{5} \times 100 + 32 = 212^\circ F \end{cases}$$

$$\text{ت) } 546^\circ K \begin{cases} \theta = 546 - 273 = 273^\circ C \\ F = \frac{9}{5} \times 273 + 32 = 523 / 4^\circ F \end{cases}$$

(۲) برای اندازه‌گیری دمای یک جسم توسط دماسنج به چه نکاتی باید توجه کنیم؟ (راهنمایی: به نکاتی که در فصل ۱ خواندید نیز توجه کنید.)

در اندازه‌گیری دمای یک جسم با دماسنج مدرج:

(۱) جسم در تماس با مخزن دماسنج‌های جیوه‌ای و الکلی قرار گیرد.

(۲) بعد از تماس جسم با دماسنج مدتی صبر کرد تا جسم و دماسنج به تعادل گرمایی برسند.

(۳) چشم در وضعیت عمود بر دماسنج‌های مدرج قرار گیرد تا اعداد به درستی خوانده شوند.

(۴) اندازه‌گیری دما را باید چند بار تکرار کرد و اعدادی که فاصله زیادی با سایر اعداد دارند، کنار گذاشته و میانگین آنها را به عنوان نتیجه پذیرفت.

۲-۴ انبساط گرمایی

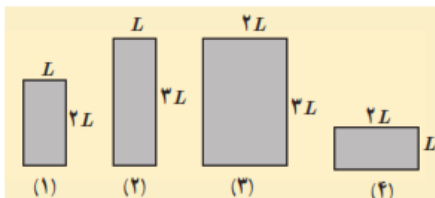
(۳) شکل روبه‌رو، یک خط‌کش فلزی را که در آن سوراخی ایجاد شده است در دو دمای متفاوت نشان می‌دهد (برای روشن بودن مطلب، انبساط به صورت اغراق آمیزی رسم شده است). از این شکل چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟



انبساط گرمایی در همه ابعاد (طول، سطح و حجم) ایجاد می‌شود و اگر حفره‌ای در جسمی وجود داشته باشد، اندازه حفره هم به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند.

(۴) شکل روبه‌رو چهار صفحه‌ی فلزی هم جنس به اضلاع متفاوت را در یک دما نشان می‌دهد. اگر دمای همه‌ی آنها را به اندازه‌ی یکسان زیاد کنیم،

الف) ارتفاع کدام صفحه یا صفحه‌ها بیشتر افزایش پیدا می‌کند؟



با توجه به رابطه $\Delta L = L_1 \alpha \Delta T$ ، هر قدر طول اولیه جسم بیشتر باشد، تغییر طول آن در اثر انبساط نیز بیشتر است؛ بنابراین ارتفاع شکل‌های ۲ و ۳ افزایش بیشتری دارد.

ب) مساحت کدام یک بیشتر افزایش پیدا می‌کند؟

با توجه به رابطه $\Delta A = A_1 (\alpha) \Delta T$ ، هر قدر مساحت اولیه جسم بیشتر باشد، تغییر مساحت آن در اثر انبساط نیز بیشتر است، بنابراین مساحت شکل ۳ افزایش دارد.

پ) اگر در هر چهارتای آنها روزنه‌ی کوچک هم اندازه‌ای وجود داشته باشد، افزایش قطر چهار روزنه در اثر افزایش دمای یکسان را با هم مقایسه کنید.

چون جنس هر چهار قطعه یکسان است و هر چهار روزنه هم اندازه هستند، افزایش قطر آنها در اثر افزایش دمای یکسان به یک اندازه است.

۵) یک بزرگراه از بخش‌های بتونی به طول 25 m ساخته شده است. این بخش‌ها در دمای 10°C ، بتون‌ریزی و عمل آورده شده‌اند. برای جلوگیری از تاب برداشتن بتون در دمای 50°C ، مهندسان باید چه فاصله‌ای را بین این قطعه‌ها در نظر بگیرند؟ ($\alpha \simeq 14 \times 10^{-6} \text{ K}^{-1}$ بتون)

$$L_1 = 25\text{ m}, \Delta T = 50 - 10 = 40\text{ K}, \Delta L = ?$$

$$\Delta L = L_1 \alpha \Delta T \rightarrow \Delta L = 25 \times 14 \times 10^{-6} \times 40 = 14000 \times 10^{-6} = 1 / 4 \times 10^{-2} \text{ m} = 1 / 4 \text{ cm} \rightarrow \Delta L = 1 / 4 \text{ cm}$$

۶) یک ظرف آلومینیمی با حجم 400 cm^3 در دمای 20°C به طور کامل از گلیسرین پر شده است. اگر دمای ظرف و گلیسرین به 30°C برسد، چقدر گلیسرین از ظرف بیرون می‌ریزد؟

افزایش حجم ظرف و گلیسرین را جداگانه محاسبه و اختلاف آنها را به دست می‌آوریم:

$$V_{\text{ظرف}} = 400\text{ cm}^3, \Delta T = 30 - 20 = 10\text{ K}, \alpha_{Al} = 23 \times 10^{-6} \text{ K}^{-1}, \beta_{\text{گلیسرین}} = 0 / 49 \times 10^{-3} \text{ K}^{-1}$$

$$\Delta V_{\text{ظرف}} = V_1 \alpha \Delta T = 400 \times 23 \times 10^{-6} \times 10 = 276000 \times 10^{-6} = 0 / 276 \text{ cm}^3$$

چون ظرف به طور کامل از گلیسرین پر شده است، حجم اولیه ظرف و گلیسرین برابر است:

$$\Delta V_{\text{گلیسرین}} = V_1 \beta \Delta T = 400 \times 0 / 49 \times 10^{-3} \times 10 = 1960 \times 10^{-3} = 1 / 96 \text{ cm}^3$$

$$\Delta V = \Delta V_{\text{گلیسرین}} - \Delta V_{\text{ظرف}} = 1 / 96 - 0 / 276 = 1 / 684 \text{ cm}^3 \rightarrow \Delta V = 1 / 684 \text{ cm}^3 \text{ حجم گلیسرین سرریز شده}$$

۷) مقداری بنزین در مخزنی استوانه‌ای به ارتفاع $h = 10\text{ m}$ ریخته شده است. در دمای 10°C فاصله‌ی بین سطح بنزین تا بالای ظرف برابر $\Delta h = 50\text{ cm}$ است. اگر از انبساط ظرف در نتیجه‌ی افزایش دما چشم‌پوشی شود، در چه دمایی بنزین از ظرف سرریز می‌شود؟

$$\beta_{\text{بنزین}} = 1 \times 10^{-3} \frac{1}{\text{K}}, h = 10 - 0 / 5 = 9 / 5 \text{ m}, \Delta h = 0 / 5 \text{ m}$$

تغییر ارتفاع جهت سرریز شدن، ابتدا حجم اولیه بنزین را محاسبه می‌کنیم. اگر A سطح مقطع استوانه باشد، داریم:

$$V_1 = A \times h = A \times 9 / 5 = 9 / 5 A$$

$$\Delta V = A \times \Delta h = A \times 0 / 5 = 0 / 5 A$$

$$\Delta V = V_1 \beta \Delta T \rightarrow 0 / 5 A = 9 / 5 A \times 1 \times 10^{-3} \times \Delta T$$

$$\rightarrow \Delta T = \frac{0 / 5}{0 / 5 \times 10^{-3}} \simeq 0 / 553 \times 10^3 = 553\text{ K}$$

$$T_p = T_1 + \Delta T \rightarrow T_p = -10 + 553 = 543 \rightarrow T_p = 543^\circ\text{C}$$

۸) در شکل روبه‌رو با کاهش دما، نوار دو فلزه به طرف پایین خم می‌شود. اگر

یکی از نوارها، برنجی و نوار دیگر فولادی باشد؛

الف) نوار بالایی از چه جنسی است؟



با سرد شدن فلزات طول آنها کاهش می‌یابد. طبق جدول ۱۲-۱ www.konkur.in انبساط طولی برنج بیشتر از فولاد است، کاهش طول برنج در اثر کاهش دما بیشتر از کاهش طول فولاد خواهد بود؛ بنابراین فلز پایینی برنج و فلز بالایی فولاد است.

ب) اگر نوارها را گرم کنیم به کدام سمت خم می‌شوند؟

با گرم کردن نوارها چون ضریب انبساط طولی برنج بیشتر است، افزایش طول آن نیز بیشتر خواهد بود. فلز پایینی برنج است؛ بنابراین نوار به سمت بالا خم خواهد شد.

۹) طول خط‌های لوله گاز و نفت در کشورمان که مواد سوختی را از جنوب کشور به مرکز و شمال منتقل می‌کند به چند صد کیلومتر می‌رسد. دمای هوا در زمستان ممکن است تا $-10^{\circ}C$ و در تابستان تا $50^{\circ}C$ برسد. جنس این لوله‌ها عموماً از فولاد با $\alpha \approx 10 \times 10^{-6} K^{-1}$ است. طول خط لوله بین دو ایستگاه تهران- اصفهان تقریباً $230 km$ است.

الف) در اثر این اختلاف دما این خط چقدر منبسط می‌شود؟

$$\Delta T = 50 - (-10) = 60 K, \quad \alpha \approx 10 \times 10^{-6} \frac{1}{K}, \quad L_1 = 230 km = 230 \times 10^3 m$$

$$\Delta L = L_1 \alpha \Delta T \rightarrow \Delta L = 230 \times 10^3 \times 10 \times 10^{-6} \times 60 = 138 m \rightarrow \Delta L = 138 m$$

ب) چگونه می‌توان تأثیر این انبساط را برطرف کرد؟

با عایق‌بندی صحیح لوله‌ها در زیرزمین می‌توان مانع از تغییر دما و در نتیجه تغییر طول لوله‌ها شد. همچنین استفاده از اتصالات آکاردئونی (قابل انعطاف) می‌تواند از خم شدن لوله‌ها در اثر افزایش طول جلوگیری کند.

۱۰) در یک روز گرم یک تانک حامل سوخت با $30000 L$ بنزین بارگیری شده است. هوا در محل تحویل سوخت $20^{\circ}C$ سردتر از محلی است که در آنجا سوخت بار زده شده است. راننده چند لیتر سوخت را در این محل تحویل می‌دهد؟

$$V_1 = 30000 L, \quad \Delta T = -20 K, \quad \beta = 1 \times 10^{-3} K^{-1}, \quad V_p = ?$$

$$V_p = V_1 + \Delta V = V_1 + V_1 \beta \Delta T = V_1 (1 + \beta \Delta T) \rightarrow V_p = V_1 (1 + \beta \Delta T) = 30000 (1 + 1 \times 10^{-3} \times (-20))$$

$$V_p = 30000 \times (1 - 0.02) = 30000 \times 0.98 = 29400 L \rightarrow V_p = 29400 L$$

۳-۴ گرما

۱۱) برای گرم کردن $200 g$ آب جهت تهیه‌ی چای، از یک گرمکن الکتریکی غوطه‌ور در آب استفاده می‌کنیم. روی برچسب گرمکن $200 W$ نوشته شده است. با نادیده گرفتن اتلاف گرما، زمان لازم برای رساندن دمای آب از $30^{\circ}C$ به $100^{\circ}C$ را محاسبه کنید.

$$m = 200 g = 0.2 kg, \quad P = 200 W, \quad \theta_1 = 30^{\circ}C, \quad \theta_2 = 100^{\circ}C, \quad c = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^{\circ}C}, \quad t = ?$$

ابتدا مقدار گرمای لازم جهت تغییر دمای آب از $30^{\circ}C$ به $100^{\circ}C$ را محاسبه می‌کنیم:

$$Q = mc\Delta\theta = 0.2 \times 4200 \times (100 - 30) = 58800 J \rightarrow Q = 58800 J$$

با استفاده از رابطه توان در گرمکن الکتریکی می‌توان نوشت:

$$Q = Pt \rightarrow t = \frac{Q}{P} = \frac{58800}{200} = 294 s$$

۱۲) دمای یک قطعه فلز $60^{\circ}C$ / کیلوگرمی را توسط یک گرمکن $50 W$ واتی در مدت $11 s$ از $18^{\circ}C$ به $38^{\circ}C$ رسانده‌ایم. این آزمایش برای گرمای ویژه‌ی فلز چه مقداری را به دست می‌دهد؟ حدس می‌زنید که این پاسخ از مقدار واقعی گرمای ویژه‌ی فلز بیشتر باشد یا کمتر؟ توضیح دهید.

$$m = 0.6 kg, \quad P = 50 W, \quad \Delta\theta = 38 - 18 = 20^{\circ}C, \quad t = 11 s, \quad c = ?$$

مقدار گرمای تولیدی گرمکن برابر است با مقدار گرمایی که آب برای تغییر دما دریافت می‌کند:

$$\begin{cases} Q = Pt \\ Q = mc\Delta\theta \end{cases} \rightarrow Pt = mc\Delta\theta \rightarrow c = \frac{Pt}{m\Delta\theta} = \frac{50 \times 11}{0.6 \times 20} = \frac{5500}{12} \approx 458 \frac{J}{kg \cdot ^{\circ}C}$$

چون در واقعیت همه گرمای تولیدی گرمکن به آب داده نمی‌شود و بخشی از آن هدر می‌رود، بنابراین در رابطه $c = \frac{Pt}{m\Delta\theta}$ فلز،

صورت کسر کاهش و گرمای ویژه واقعی فلز کمتر از مقدار محاسبه شده خواهد بود.

(۱۳) گرماسنجی به جرم ۲۰۰ گرم از مس ساخته شده است. یک قطعه‌ی ۸۰ گرمی از یک ماده‌ی نامعلوم همراه با ۵۰ گرم آب به درون گرماسنج ریخته می‌شود. اکنون دمای این مجموعه $30^\circ C$ شده است. در این هنگام ۱۰۰ گرم آب $70^\circ C$ به گرماسنج اضافه می‌شود، دمای تعادل $52^\circ C$ می‌شود. گرمای ویژه‌ی قطعه را محاسبه کنید.

$$\left. \begin{array}{l} \text{گرماسنج: } m_1 = 200g = 0.2kg, \quad c_{\text{مس}} = 386 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad \theta_1 = 30^\circ C \\ \text{جسم: } m_p = 80g = 0.08kg, \quad c = ?, \quad \theta_p = 30^\circ C \\ \text{آب: } m_w = 50g = 0.05kg, \quad c_{\text{آب}} = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad \theta = 30^\circ C \\ \text{آب: } m_f = 100g = 0.1kg, \quad c_{\text{آب}} = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad \theta_f = 70^\circ C \end{array} \right\} \xrightarrow{\text{دمای تعادل}} \theta = 52^\circ C$$

در تعادل گرمایی: $Q_1 + Q_p + Q_w + Q_f = 0$

$$Q_1 = m_1 c_{\text{مس}} (\theta - \theta_1) = 0.2 \times 386 \times (52 - 30) = 1698 / 4 J$$

$$Q_p = m_p c_{\text{جسم}} (\theta - \theta_p) = 0.08 \times c_{\text{جسم}} \times (52 - 30) = 1 / 76 c_{\text{جسم}}$$

$$Q_w = m_w c_{\text{آب}} (\theta - \theta_w) = 0.05 \times 4200 \times (52 - 30) = 4620 J$$

$$Q_f = m_f c_{\text{آب}} (\theta - \theta_f) = 0.1 \times 4200 \times (52 - 70) = -7560 J$$

$$1698 / 4 + 1 / 76 c_{\text{جسم}} + 4620 - 7560 = 0 \rightarrow 1 / 76 c_{\text{جسم}} = 1241 / 6$$

$$\rightarrow c_{\text{جسم}} = \frac{1241 / 6}{1 / 76} \simeq 705 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C} \rightarrow c_{\text{جسم}} \simeq 705 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}$$

۴-۴ تغییر حالت‌های ماده

(۱۴) یکی از روش‌های بالابردن دمای یک جسم، دادن گرما به آن است. اگر به جسمی گرما دهیم، آیا دمای آن حتماً بالا می‌رود؟ توضیح دهید.

خیر، در برخی موارد گرمای داده شده به جسم دمای آن را افزایش نمی‌دهد بلکه صرف تغییر حالت جسم می‌شود، مثلاً اگر به یخ $0^\circ C$ گرما دهیم تبدیل به آب $0^\circ C$ می‌شود.

(۱۵) قبل از تزریق دارو یا سُرُم به یک بیمار، محل تزریق را با الکل تمیز می‌کنند. این کار سبب احساس خنکی در محل تزریق می‌شود. علت را توضیح دهید.

الکل برای تبخیر سطحی از روی پوست گرما گرفته و پوست در محل تماس با الکل خنک می‌شود.

(۱۶) کدام گزینه درباره‌ی فرایند ذوب نادرست است؟

(الف) افزایش فشار وارد بر جسم در بیشتر مواد، سبب پایین رفتن نقطه‌ی ذوب می‌شود.

(ب) افزایش فشار بر روی یخ، سبب کاهش اندک نقطه‌ی ذوب آن می‌شود.

(پ) فرایند ذوب، عملی گرماگیر است.

(ت) گرمایی که جسم جامد در نقطه‌ی ذوب خود می‌گیرد تا به مایع تبدیل شود، سبب تغییر دمای آن نمی‌شود.

(الف) نادرست است. در اکثر مواد افزایش فشار سبب افزایش نقطه‌ی ذوب می‌شود.

۱۷) کمترین گرمای لازم برای ذوب کامل ۲۰۰g که در آغاز در دمای ۲۰°C قرار دارد چقدر است؟ (فشار هوا را یک اتمسفر فرض کنید).

برای ذوب ۲۰۰g نقره با دمای اولیه ۲۰°C مراحل زیر طی می‌شود:
توجه: مطابق جدول ۴-۴ دمای ذوب نقره ۹۶۰°C است.



$$m = 200g = 0.2kg, \quad c = 236 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad L_f = 88 / 3 \frac{kJ}{kg} = 88 / 3 \times 10^3 \frac{J}{kg}$$

$$Q_1 = mc\Delta\theta = 0.2 \times 236 \times (960 - 20) = 44368J$$

$$Q_2 = mL_f = 0.2 \times 88 / 3 \times 10^3 = 17660J$$

$$Q = Q_1 + Q_2 = 44368 + 17660 = 62028J \rightarrow Q = 62028J$$

۱۸) یک راه برای جلوگیری از سرد شدن بیش از حد یک سالن سر بسته در شب هنگام، وقتی که دمای زیر صفر پیش بینی شده است، قرار دادن تشت بزرگ پر از آب در سالن است. اگر جرم آب درون تشت ۱۵۰kg و دمای اولیه آن ۲۰°C باشد و تمامی آن به یخ ۰°C تبدیل شود، آب چقدر گرما به محیط پیرامونش می‌دهد؟

مراحل طی شده برای این فرآیند به صورت زیر است:



$$m = 150kg, \quad c = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad L_f = 333 / 7 \frac{kJ}{kg}$$

$$Q_1 = mc\Delta\theta = 150 \times 4200 \times (0 - 20) = -126000J \rightarrow Q_1 = -126000J$$

$$Q_2 = -mL_f = -150 \times 333 / 7 = -50055kJ \rightarrow Q_2 = -50055kJ$$

$$Q = Q_1 + Q_2 = -126000 - 50055 = -176055J \rightarrow Q = -176055J$$

۱۹) یک گرمکن ۵۰ واتی به طور کامل در ۱۰۰ گرم آب درون یک گرماسنج قرار داده می‌شود.

الف) این گرمکن در مدت یک دقیقه دمای آب و گرماسنج را از ۲۰°C به ۲۵°C می‌رساند. ظرفیت گرمایی گرماسنج را حساب کنید.

$$P = 50W, \quad m_{\text{آب}} = 100g = 0.1kg, \quad t = 1\text{min} = 60s, \quad \Delta\theta = 25 - 20 = 5^\circ C$$

$$C_{\text{آب}} = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \quad C_{\text{گرماسنج}} = ?$$

$$Q = Pt \quad \text{گرمای تولیدی گرمکن} \quad Q_2 = C_{\text{گرماسنج}} \Delta\theta \quad \text{گرمای دریافتی گرماسنج} \quad Q_1 = m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} \Delta\theta \quad \text{گرمای دریافتی آب}$$

$$Q = Q_1 + Q_2 \rightarrow Pt = m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} \Delta\theta + C_{\text{گرماسنج}} \Delta\theta \rightarrow 50 \times 60 = 0.1 \times 4200 \times 5 + C_{\text{گرماسنج}} \times 5$$

$$\rightarrow 3000 = 2100 + 5C_{\text{گرماسنج}} \rightarrow 900 = 5C_{\text{گرماسنج}} \rightarrow C_{\text{گرماسنج}} = \frac{900}{5} = 180 \rightarrow C_{\text{گرماسنج}} = 180 \frac{J}{^\circ C}$$

ب) چه مدت طول می‌کشد تا دمای آب درون گرماسنج (۱۰۰°C) برسد؟

چون با افزایش دمای آب، دمای گرماسنج نیز افزایش می‌یابد، گرمای تولیدی گرمکن برابر است با گرمای لازم برای تغییر دمای آب و گرماسنج.

$$m_{\text{آب}} = 100g = 0.1kg, P = 500W, c_{\text{آب}} = 4200 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C}, \Delta\theta = 100 - 25 = 75^\circ C$$

$$C_{\text{گرماسنج}} = 180 \frac{J}{^\circ C}, Q = Pt, Q_1 = m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} \Delta\theta, Q_2 = C_{\text{گرماسنج}} \Delta\theta, t = ?$$

$$Q = Q_1 + Q_2 \rightarrow Pt = m_{\text{آب}} c_{\text{آب}} \Delta\theta + C_{\text{گرماسنج}} \Delta\theta$$

$$\rightarrow 500 \times t = 0.1 \times 4200 \times 75 + 180 \times 75$$

$$\rightarrow 500t = 31500 + 13500 \rightarrow 500t = 45000 \rightarrow t = \frac{45000}{500} = 90s \rightarrow t = 90s$$

پ) چه مدت طول می‌کشد تا ۲۰ گرم آب در حال جوش درون این گرماسنج به بخار تبدیل شود؟

چون در نقطه جوش آب، دما افزایش نمی‌یابد، بنابراین گرمای تولیدی گرمکن صرف افزایش دمای آب و گرمکن نمی‌شود و صرفاً باعث تغییر فاز آب از مایع به بخار خواهد شد.

$$m = 20g = 0.02kg, P = 500W, L_V_{\text{آب}} = 2256 \frac{kJ}{kg} = 2256 \times 10^3 \frac{J}{kg}, t = ?$$

$$Q = Pt \quad \text{گرمای تبخیر آب} \quad Q' = m_{\text{آب}} L_V_{\text{آب}} \quad \text{گرمای تولیدی گرمکن}$$

$$Q = Q' \rightarrow Pt = m_{\text{آب}} L_V_{\text{آب}} \rightarrow 500 \times t = 0.02 \times 2256 \times 10^3$$

$$\rightarrow 500t = 45120 \rightarrow t = \frac{45120}{500} = 90.24s \rightarrow t = 90.24s$$

۲۰ گرمی در هر ثانیه ۲۰۰/۰ ژول گرما می‌دهد.

الف) چقدر طول می‌کشد تا این گرمکن ۱۰۰/۰ کیلوگرم آب ۱۰۰°C را به بخار آب ۱۰۰°C تبدیل کند؟

$$P = 200W, m = 0.1kg, L_V = 2256 \frac{kJ}{kg} = 2256 \times 10^3 \frac{J}{kg}, t = ?$$

گرمای تولیدی گرمکن برابر است با گرمای لازم جهت تبدیل ۱۰۰°C به بخار ۱۰۰°C.

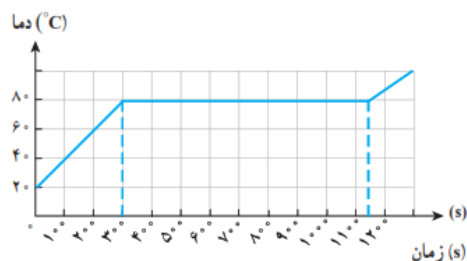
$$Q = Q' \rightarrow Pt = mL_V \rightarrow 200t = 0.1 \times 2256 \times 10^3 \rightarrow t = \frac{2256 \times 10^2}{2 \times 10^2} = 1128s \rightarrow t = 1128s$$

ب) این گرمکن در همین مدت، چه مقدار یخ ۰°C را می‌تواند به آب ۰°C تبدیل کند؟

$$P = 200W, t = 1128s, L_f = 333 \frac{kJ}{kg} = 333 \times 10^3 \frac{J}{kg}, m = ?$$

$$Q = Q' \rightarrow Pt = mL_f \rightarrow 200 \times 1128 = m \times 333 \times 10^3 \rightarrow m = \frac{200 \times 1128}{333 \times 10^3} \simeq 676 \times 10^{-3} kg \Rightarrow m \simeq 676g$$

۲۱) اگر به جسم جامدی که ابعاد آن به اندازه‌ی کافی کوچک است با توان ثابتی گرما بدهیم نمودار دما-زمان آن به صورت کیفی مانند شکل روبه‌رو می‌شود. این نمودار در اینجا برای جسم جامدی به جرم ۵۰g رسم شده که توسط یک گرم‌کن ۱۰W گرم شده است.



الف) چقدر طول می‌کشد تا این جامد به نقطه‌ی ذوب خود برسد؟

با توجه به نمودار در بازه زمانی ۰ تا ۳۰۰s دمای جسم افزایش می‌یابد و در بازه زمانی ۳۰۰s تا ۱۱۵۰s دمای جسم ثابت بوده و جسم تغییر حالت می‌دهد (ذوب می‌شود) پس ۳۰۰s طول می‌کشد تا جسم به نقطه‌ی ذوب برسد.
(ب) گرمای ویژه‌ی جامد و پ) گرمای نهان ذوب آن را محاسبه کنید.
با توجه به شکل و اطلاعات مسئله داریم:

$$m = 50g = 0.05kg, P = 10W, t = 300s, \Delta\theta = 80 - 20 = 60^\circ C, c = ?$$

$$Q = Q' \rightarrow Pt = mc\Delta\theta \rightarrow 10 \times 300 = 0.05 \times c \times 60$$

$$\rightarrow 3000 = 30c \rightarrow c = \frac{3000}{3} = 1000 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C} \rightarrow C = 1000 \frac{J}{kg \cdot ^\circ C} \text{ گرمای ویژه جسم}$$

$$Q = Q' \rightarrow Pt = mL_f \rightarrow 10 \times 850 = 0.05 \times L_f \rightarrow L_f = \frac{8500}{0.05} = 170000 \frac{J}{kg}$$

$$\rightarrow L_f = 170000 \frac{J}{kg} \text{ گرمای نهان ذوب جسم}$$

(۲۲) در چاله‌ی کوچکی ۱/۰۰kg آب ۰°C قرار دارد. اگر بر اثر تبخیر سطحی قسمتی از آب تبخیر شود و بقیه‌ی آن یخ ببندد، جرم آب یخ زده چقدر می‌شود؟

مقدار گرمایی که بخشی از آب برای انجماد از دست می‌دهد برابر است با مقدار گرمایی که بخش دیگر آب برای تبخیر می‌گیرد.
در دمای ۰°C داریم:

$$L_V = 2490 \frac{kJ}{kg}, L_f = 333 / 7 \frac{kJ}{kg}$$

اگر جرم آب یخ زده را با m و جرم آب تبخیر شده را با m' نشان دهیم، می‌توان نوشت:

$$Q_{\text{تبخیر}} + Q_{\text{انجماد}} = 0 \rightarrow -mL_f + m'L_V = 0 \rightarrow m'L_V = mL_f \rightarrow m' = m \frac{L_f}{L_V}$$

مجموع جرم آب یخ زده و جرم آب تبخیر شده ۱kg است، بنابراین:

$$m + m' = 1 \rightarrow m + \frac{mL_f}{L_V} = 1 \rightarrow \frac{mL_V + mL_f}{L_V} = 1 \rightarrow m \frac{L_V + L_f}{L_V} = 1 \rightarrow m = \frac{1}{\frac{L_V + L_f}{L_V}}$$

$$\rightarrow m = \frac{L_V}{L_V + L_f} \rightarrow m = \frac{2490}{2490 + 333 / 7} = \frac{2490}{2823 / 7} \simeq 0.882kg \rightarrow m \simeq 882g$$

(۲۳) در گروهی از جانوران خونگرم و انسان، تبخیر عرق بدن، یکی از راه‌های مهم کنترل دمای بدن است.

الف) چه مقدار آب تبخیر شود تا دمای بدن شخصی به جرم ۵۰/۰kg به اندازه‌ی ۱/۰۰°C کاهش یابد؟ گرمای نهان تبخیر آب در دمای بدن (۳۷°C) برابر ۲/۴۲ × ۱۰^۶ J/kg و گرمای ویژه‌ی بدن در حدود ۳۴۸۰ J/kg.K است.

گرمایی که شخص در کاهش دمای بدن، شخص از دست می‌دهد برابر است با گرمایی که آب هنگام تبخیر می‌گیرد. بنابراین:

$$Q = Q' \rightarrow mL_V = mc\Delta\theta \rightarrow m \times 2 / 42 \times 10^6 = 50 \times 3480 \times 1$$

$$\text{جرم آب: } m = \frac{50 \times 3480}{2 / 42 \times 10^6} = 719 \times 10^{-4} kg = 71 / 9 \times 10^{-3} kg \simeq 72g \rightarrow m \simeq 72g$$

(ب) حجم آبی که شخص باید برای جبران آب تبخیر شده بنوشد، چقدر است؟

$$\rho = 1000 \frac{kg}{m^3} = 1 \frac{g}{cm^3}, \rho = \frac{m}{V} \rightarrow V = \frac{m}{\rho} = \frac{72}{1} = 72cm^3 \rightarrow V = 72cm^3$$

۲۴) اگر شما یک تیر چوبی و یک لوله‌ی فلزی سرد را که هم دما هستند لمس کنید، چرا حس می‌کنید که لوله سردتر است؟ چرا ممکن است دست شما به لوله بچسبد؟

چوب رسانای ضعیف گرما است، بنابراین گرمای دست را در محل تماس نگه داشته و گرم به نظر می‌رسد ولی فلز چون رسانای گرما است، گرمای دست را از محل تماس منتقل کرده و سردتر به نظر می‌رسد. اگر دمای لوله خیلی پایین باشد، رطوبتی که بین پوست دست و سطح فلز قرار دارد، در اثر کاهش دما به بلورهای یخ تبدیل شده و دست را به سطح فلز می‌چسباند.

۲۵) یک پالتو چگونه شما را گرم نگه می‌دارد؟ چرا استفاده از چند لباس زیر پالتو این عمل را تشدید می‌کند؟ لایه‌ای از هوا در بین الیاف پالتو قرار گرفته و چون هوا رسانای ضعیف گرما است، مانع از انتقال گرمای بدن به خارج می‌شود. با افزایش ضخامت لایه‌های عایق پوشاننده بدن، آهنگ رسانش گرمای بدن به هوای بیرون کاهش می‌یابد.

۲۶) شیشه‌ی پنجره‌ای دارای عرض ۲/۰ متر، ارتفاع ۱/۰ متر و ضخامت ۴/۰ mm است.

الف) در یک روز زمستانی دمای وجهی از شیشه که در تماس با هوای سرد بیرون است $2/0^{\circ}\text{C}$ و دمای وجهی از شیشه که در تماس با هوای گرم داخل اتاق است $7/0^{\circ}\text{C}$ است. چه مقدار گرما در هر ثانیه از طریق شیشه ($k \simeq 1/0 \text{ W/m.K}$) به بیرون اتاق انتقال پیدا می‌کند؟

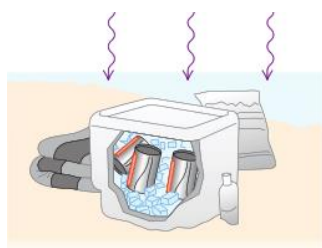
$$A = 2 \times 1 = 2 \text{ m}^2, \quad L = 4 \text{ mm} = 4 \times 10^{-3} \text{ m}, \quad T_L = 2^{\circ}\text{C}, \quad T_H = 7^{\circ}\text{C}, \quad k = 1 \frac{\text{W}}{\text{m.K}}, \quad H = ?$$

$$H = k \frac{A(T_H - T_L)}{L} = 1 \times \frac{2 \times (7 - 2)}{4 \times 10^{-3}} = 2 / 5 \times 10^3 \text{ W} \rightarrow H = 2 / 5 \times 10^3 \text{ W}$$

ب) چه مقدار انرژی در طول یک روز به این ترتیب تلف می‌شود؟

یک روز ۸۶۴۰۰ ثانیه است، بنابراین انرژی‌ای که در طول یک روز تلف می‌شود برابر است با:

$$Q = Ht \rightarrow Q = 2 / 5 \times 10^3 \times 86400 = 2 / 16 \times 10^8 \text{ J} \rightarrow Q = 2 / 16 \times 10^8 \text{ J}$$



۲۷) جعبه‌ی یخ‌دانی از جنس پلی استیرن با مساحت کل دیواره‌های $0/8 \text{ m}^2$ و ضخامت دیواره‌های $2/0 \text{ cm}$ در اختیار دارید. اختلاف دمای سطح داخلی و خارجی یخ‌دان $20/0^{\circ}\text{C}$ است. در یک روز (۲۴h) چقدر یخ آب می‌شود؟ رسانندگی گرمایی پلی استیرن برابر است با $k = 0/01 \text{ W/m.K}$.

برای محاسبه مقدار گرمایی که در مدت ۲۴ ساعت از بیرون به داخل جعبه منتقل می‌شود باید آهنگ رسانش گرما از جعبه را به دست آوریم:

$$A = 0/8 \text{ m}^2, \quad L = 2 \text{ cm} = 2 \times 10^{-2} \text{ m}, \quad T_H - T_L = 20^{\circ}\text{C}, \quad t = 24 \text{ h} = 86400 \text{ s}, \quad m = ?, \quad L_f = 333 \text{ J/kg}, \quad k = 0/01 \frac{\text{W}}{\text{m.K}}$$

$$H = k \frac{A(T_H - T_L)}{L} = 0/01 \times \frac{0/8 \times 20}{2 \times 10^{-2}} = \frac{16 \times 10^{-2}}{2 \times 10^{-2}} = 8 \text{ W} \rightarrow H = 8 \text{ W}$$

گرمایی که در ۲۴ ساعت به داخل جعبه منتقل می‌شود:

$$Q = H.t \rightarrow Q = 8 \times 86400 = 691200 \text{ J} \rightarrow Q = 691200 \text{ J}$$

حال باید ببینیم این مقدار گرما چند گرم یخ 0°C را ذوب می‌کند:

$$Q = mL_f \rightarrow m = \frac{Q}{L_f} = \frac{691200}{333 / 10^3} \simeq 2 \text{ kg} \rightarrow m = 2 \text{ kg}$$

۲۸) دو قوری همجنس و هم اندازه را در نظر بگیرید که سطح بیرونی یک سیاه رنگ و دیگری سفیدرنگ است. هر دو را با آب داغ با دمای یکسان پر می‌کنیم. آب کدام قوری زودتر خنک می‌شود؟

قوری تیره، چون تابش گرمایی گسیل شده از سطوح تیره و مات بیشتر از سطوح صاف و روشن است، آهنگ تابش گرما از قوری تیره بیشتر بوده و زودتر خنک می‌شود.

(۲۹) گازی در دمای $20^{\circ}C$ دارای حجم 100 cm^3 است.

الف) این گاز را باید تا چه دمایی گرم کنیم تا در فشار ثابت، حجم آن 200 cm^3 شود؟

فشار ثابت، $T_1 = 20 + 273 = 293K$ ، $V_1 = 100 \text{ cm}^3$ ، $V_2 = 200 \text{ cm}^3$ ، $T_2 = ?$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow \frac{V_1}{T_1} = \frac{V_2}{T_2} \rightarrow \frac{100}{293} = \frac{200}{T_2} \rightarrow T_2 = \frac{293 \times 200}{100} = 586K \rightarrow T_2 = 586K = 313^{\circ}C$$

ب) این گاز در همین فشار در چه دمایی دارای حجم 50 cm^3 خواهد شد؟

فشار ثابت، $T_1 = 293K$ ، $V_1 = 100 \text{ cm}^3$ ، $V_2 = 50 \text{ cm}^3$ ، $T_2 = ?$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow \frac{V_1}{T_1} = \frac{V_2}{T_2} \rightarrow \frac{100}{293} = \frac{50}{T_2} \rightarrow T_2 = \frac{50}{100} = 146 / 5K \rightarrow T_2 = 146 / 5K = -126 / 5^{\circ}C$$

(۳۰) هوایی با فشار 1 atm درون استوانه‌ای یک تلمبه دوچرخه به طول 24 cm محبوس است. راه‌های ورودی و خروجی هوای استوانه تلمبه را می‌بندیم. اکنون:

الف) اگر طول استوانه را در دمای ثابت به 30 cm افزایش دهیم، فشار هوای محبوس چقدر خواهد شد؟

دما ثابت، $P_1 = 1 \text{ atm}$ ، $L_1 = 24 \text{ cm}$ ، $L_2 = 30 \text{ cm}$ ، $P_2 = ?$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow P_1 V_1 = P_2 V_2 \xrightarrow{V=AL} P_1 A L_1 = P_2 A L_2 \rightarrow P_1 L_1 = P_2 L_2$$

$$\rightarrow 1 \times 24 = P_2 \times 30 \rightarrow P_2 = \frac{24}{30} = 0.8 / 1 \text{ atm} \rightarrow P_2 = 0.8 / 1 \text{ atm}$$

ب) برای آنکه در دمای ثابت، فشار هوای محبوس $3 / 1 \text{ atm}$ شود، طول استوانه را چقدر باید کاهش دهیم؟

دما ثابت، $P_1 = 1 \text{ atm}$ ، $L_1 = 24 \text{ cm}$ ، $P_2 = 3 \text{ atm}$ ، $L_2 = ?$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow P_1 V_1 = P_2 V_2 \rightarrow P_1 A L_1 = P_2 A L_2$$

$$P_1 L_1 = P_2 L_2 \rightarrow 1 \times 24 = 3 \times L_2 \rightarrow L_2 = \frac{24}{3} = 8 \text{ cm} \rightarrow L_2 = 8 \text{ cm}$$

$$|\Delta L| = |L_2 - L_1| = |8 - 24| = 16 \text{ cm} \rightarrow |\Delta L| = 16 \text{ cm}$$

تغییر طول استوانه 16 سانتی‌متر است.

(۳۱) لاستیک یک اتومبیل حاوی مقدار معینی هواست. هنگامی که دمای هوا $17^{\circ}C$ است، فشار سنج، فشار درون لاستیک $2/00$ اتمسفر را نشان می‌دهد. دمای هوای درون لاستیک در این وضعیت چقدر است؟ حجم لاستیک را ثابت و فشار جو را $1/00$ اتمسفر در نظر بگیرید.

چون فشارسنج‌ها، فشار پیمانه‌ای گاز را اندازه‌گیری می‌کنند. برای محاسبه فشار مطلق هوای داخل لاستیک باید فشار پیمانه‌ای را

با فشار جو جمع کرد: $P = P_g + P_0$

حجم ثابت، $T_1 = 17 + 273 = 290K$ ، $P_1 = 2 + 1 = 3 \text{ atm}$ ، $P_2 = 2 / 3 + 1 = 3 / 3 \text{ atm}$ ، $T_2 = ?$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow \frac{P_1}{T_1} = \frac{P_2}{T_2} \rightarrow \frac{3}{290} = \frac{3 / 3}{T_2} \rightarrow T_2 = \frac{290 \times 3 / 3}{2} = 319K \rightarrow T_2 = 319K = 46^{\circ}C$$

(۳۲) دما و فشار متعارف (STP) برای گاز، دمای $273K$ و فشار $1 \text{ atm} = 1.013 \times 10^5 \text{ Pa}$ معرفی می‌شود. حجم یک مول گاز کامل در دما و فشار متعارف چقدر است؟

$$T = 273K, P = 1 \text{ atm} = 1 / 0.13 \times 10^5 \text{ Pa}, n = 1 \text{ mol}, R = 8 / 314 \frac{J}{\text{mol.K}}, V = ?$$

طبق قانون گازها داریم:

$$PV = nRT \rightarrow V = \frac{nRT}{P} = \frac{1 \times 8 / 314 \times 273}{1 / 0.13 \times 10^5} \simeq 2240 \times 10^{-5} \text{ m}^3 = 22 / 40 \times 10^{-3} \text{ m}^3 \rightarrow V \simeq 22 / 4L$$

(۳۳) یک حباب هوا به حجم 20 cm^3 در ته یک دریاچه به عمق 40 cm قرار دارد که دما در آنجا 4°C است. حباب تا سطح آب بالا می‌آید که در آنجا دما 20°C است (دمای هوای حباب با دمای آب اطراف آن یکسان است). در لحظه‌ای که حباب به سطح آب می‌رسد حجم آن چقدر است؟ فشار هوا در سطح دریاچه را $1 / 0.1 \times 10^5 \text{ Pa}$ در نظر بگیرید.

$$V_1 = 20 \text{ cm}^3, T_1 = 4 + 273 = 277K, T_2 = 20 + 273 = 293K$$

$$P_1 = P_0 + \rho gh = 1 / 0.1 \times 10^5 + (1000 \times 10 \times 40)$$

$$P_1 = 5 / 0.1 \times 10^5 \text{ Pa} \rightarrow \text{فشار در عمق } 40 \text{ متری دریاچه} \quad P_2 = P_0 = 1 / 0.1 \times 10^5 \text{ Pa} \quad \text{فشار در سطح آب}$$

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \rightarrow \frac{5 / 0.1 \times 10^5 \times 20 / 277}{277} = \frac{1 / 0.1 \times 10^5 \times V_2}{293} \rightarrow \frac{1 / 0.02}{277} = \frac{1 / 0.1 V_2}{293}$$

$$\rightarrow V_2 = \frac{293 \times 1 / 0.02}{277 \times 1 / 0.1} \simeq 1 / 0.5 \text{ cm}^3 \rightarrow V_2 \simeq 1 / 0.5 \text{ cm}^3 \quad \text{حجم حباب در سطح آب}$$

(۳۴) سحابی سیاره‌ای، ابری است حلقوی (شکل روبه‌رو) که عمدتاً از گاز هیدروژن با غلظت $1000 / 0$ مولکول بر سانتی‌متر مکعب و دمای $10000K$ تشکیل شده است. فشار گاز در این سحابی را محاسبه کنید.

$$N = 1000, V = 1 \text{ cm}^3 = 1 \times 10^{-6} \text{ m}^3, T = 10000K = 1 \times 10^4 K, Na = 6 / 0.2 \times 10^{23}$$

$$R \simeq 8 / 314 \frac{J}{\text{mol.K}}, P = ?$$

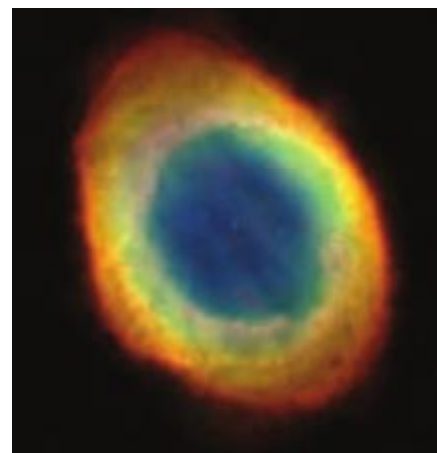
با توجه به تعریف مول داریم:

$$N = n Na = n = \frac{N}{Na}$$

با توجه به قانون گازها می‌توان نوشت:

$$PV = nRT \rightarrow PV = \frac{N}{Na} RT \rightarrow PV = \frac{NRT}{Na} \rightarrow P = \frac{NRT}{VNa}$$

$$\rightarrow P = \frac{1000 \times 8 / 314 \times 10^4}{10^{-6} \times 6 / 0.2 \times 10^{23}} = 1 / 38 \times 10^{-10} \text{ Pa}$$





روی قوطی‌های اسپری، هشدار داده شده است که از انداختن آن در آتش خودداری کنید. علت این توصیه را بر اساس فرآیند هم حجم توضیح دهید.

با افزایش دما حجم قوطی تقریباً ثابت است (فرایند هم حجم) ولی فشار گاز داخل آن افزایش می‌یابد که این افزایش فشار اگر از حد معینی (بسته به جنس گاز و اندازه قوطی) بیشتر شود باعث انفجار قوطی خواهد شد.



دمای n مول گاز با گرمای ویژه مولی در حجم ثابت C_V ، در یک فرآیند هم حجم از T_1 به T_2 رسیده است. الف) تغییر انرژی درونی گاز در این فرآیند را بیابید.

در فرآیند هم حجم $W = 0$ بنابراین:

$$\Delta U = Q + W \rightarrow \Delta U = Q = nC_V \Delta T \rightarrow \Delta U = nC_V \Delta T = nC_V (T_2 - T_1)$$

ب) اگر این گاز، گاز آرمانی و تک اتمی باشد، تغییر انرژی درونی آن به چه صورتی نوشته می‌شود؟

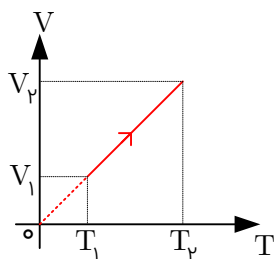
در گاز تک‌اتمی داریم $C_V = \frac{3}{2}R$ بنابراین:

$$\Delta U = n \times \frac{3}{2}R \times \Delta T \rightarrow \Delta U = \frac{3}{2}nR\Delta T$$



نشان دهید نمودار $V-T$ برای فرآیند هم فشار یک گاز آرمانی، خط راستی است که امتداد آن از مبدأ مختصات می‌گذرد.

چون گاز آرمانی است با استفاده از معادله حالت گاز داریم:



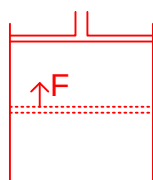
$$PV = nRT \rightarrow V = \frac{nRT}{P} \rightarrow V = \left(\frac{nR}{P}\right)T$$

چون $\left(\frac{nR}{P}\right)$ مقداری ثابت است رابطه فوق معادله خط راستی است که امتداد آن از مبدأ مختصات می‌گذرد.



نشان دهید رابطه‌ی ۳-۵ که برای یک انبساط هم فشار به دست آمده، برای یک تراکم هم فشار نیز برقرار است.

اگر طی یک فرآیند تراکم در پیستون فشار گاز P ، مساحت پیستون A و جابه‌جایی آن d در نظر گرفته شود با توجه به اینکه نیرویی که از طرف گاز به پیستون وارد می‌شود در خلاف جهت جابه‌جایی است، می‌توان نوشت:



$$\text{کار گاز روی پیستون} = F \times d \times \cos 180^\circ = -Fd = -PA d$$

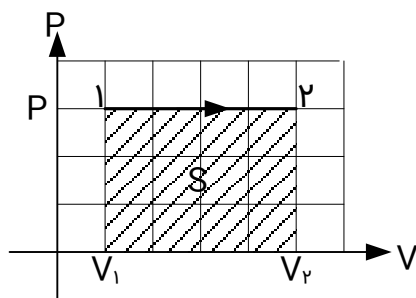
$$\text{در تراکم: } Ad = V_1 - V_2 = -\Delta V$$

$$\text{کار گاز روی پیستون} = -p(-\Delta V) = P\Delta V$$

$$W = -P\Delta V \quad \text{کار پیستون روی گاز}$$



با توجه به نمودار شکل روبه‌رو، نشان دهید در فرایند هم فشار، مساحت سطح زیر نمودار $P-V$ برابر با قدر مطلق کار انجام شده است.



$$\left. \begin{aligned} W &= -P\Delta V = -P(V_2 - V_1) \\ S &= (P - 0)(V_2 - V_1) = P(V_2 - V_1) \end{aligned} \right\} \rightarrow S = |W|$$



مشابه آنچه که برای تراکم هم دما شرح دادیم، انبساط هم دمای گاز کامل را شرح دهید و علامت‌های Q و W را برای چنین فرآیندی تعیین و نمودارهای $P-T$ و $V-T$ را برای آن رسم کنید.

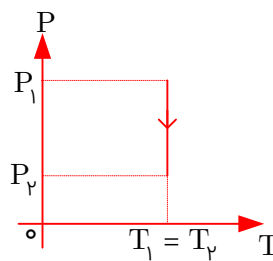
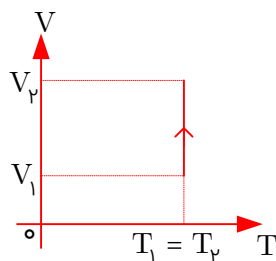
در انبساط هم‌دما، استوانه حاوی گاز را در تماس با یک منبع گرمایی با دمای ثابت و برابر با دمای اولیه گاز قرار می‌دهیم. فشار گاز داخل استوانه را با برداشتن تدریجی ساچمه‌های سربی روی پیستون، به آهستگی کاهش می‌دهیم، حجم گاز داخل استوانه به تدریج زیاد می‌شود. چون در این فرایند دما ثابت است تغییر انرژی درونی صفر است و می‌توانیم بنویسیم:

$$\Delta U = Q + W = 0 \rightarrow Q + W = 0 \rightarrow Q = -W$$

چون در انبساط، کار انجام شده بر روی گاز منفی است، Q مثبت می‌شود. یعنی در انبساط هم دما گاز گرما می‌گیرد.

مثبت $\rightarrow Q$ ، منفی $\rightarrow W$

نمودارهای $P-T$ و $V-T$ این فرآیند به صورت زیر است:

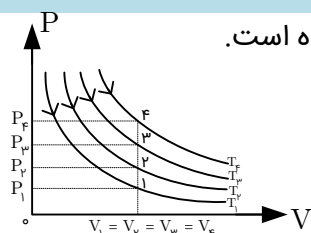


انتهای یک سرنگ حاوی هوا را مسدود و آن را وارد حجم بزرگی از آب کنید. پس از مدتی، پیستون سرنگ را به آرامی بفشارید. هوای درون سرنگ چه فرآیندی را طی می‌کند؟

این فرآیند یک تراکم هم دماست که در آن آب نقش یک منبع گرمایی را دارد.



در شکل روبه‌رو، نمودار $P-V$ مربوط به انبساط هم دمای یک گاز آرمانی در دماهای مختلف رسم شده است.



الف) نشان دهید: $T_f > T_3 > T_2 > T_1$. (راهنمایی: خطی عمود بر محور V یا عمود بر محور P رسم کنید، به گونه‌ای که هر چهار نمودار را قطع کند و سپس قانون گازهای آرمانی را برای نقطه‌های برخورد با منحنی‌ها به کار ببندید.)
خط عمود بر محور V رسم می‌کنیم به طوری که هر چهار نمودار را قطع کند. نقاط برخورد را نامگذاری می‌کنیم.
با توجه به قانون گازها می‌توان نوشت:

$$P_1 V_1 = nRT_1, \quad P_2 V_2 = nRT_2, \quad P_3 V_3 = nRT_3, \quad P_f V_f = nRT_f$$

با توجه به نمودار رابطه فشار در نقاط ۱ و ۲ و ۳ و ۴ برابر است با:

$$P_1 < P_2 < P_3 < P_f$$

چون حجم گاز در تمام این نقاط با هم برابر است می‌توان نوشت:

$$P_1 V_1 < P_2 V_2 < P_3 V_3 < P_f V_f$$

با استفاده از قانون گازها داریم:

$$nRT_1 < nRT_2 < nRT_3 < nRT_f$$

با حذف مقدار nR از نامساوی می‌توان نوشت:

$$T_1 < T_2 < T_3 < T_f$$

ب) در یک تغییر حجم معین، اندازه‌ی کار انجام شده در کدام فرآیند بیشتر است؟
چون قدر مطلق کار انجام شده برابر با سطح زیر نمودار (P-V) است، هر چه نمودار بالاتر باشد مساحت زیر آن و در نتیجه کار انجام شده در آن فرآیند بیشتر است. پس: $|W_f| > |W_3| > |W_2| > |W_1|$

صفحه ۱۵۹

فعالیت ۳-۵



وقتی در یک نوشابه‌ی گازدار خیلی سرد را سریع باز می‌کنیم، مشاهده می‌شود که هاله‌ی رقیقی در اطراف دهانه‌ی نوشابه ایجاد می‌شود. این پدیده را توجیه کنید.

در قسمت بالای بطری نوشابه‌ای که در آن باز نشده مخلوطی از گاز کربن‌دی‌اکسید و بخار آب وجود دارد. وقتی که در نوشابه را سریع باز می‌کنیم به علت سرعت بالای انجام این کار، گاز داخل بطری نوشابه فرصت تبادل گرما با محیط را ندارد و فرآیندی بی‌دررو را طی می‌کند. در این فرآیند فشار گاز کاهش و حجم آن افزایش می‌یابد. در نتیجه انرژی درونی گاز و دمای آن کاهش می‌یابد و این کاهش دما باعث می‌شود تا بخار آب موجود در بطری نوشابه به مایع تبدیل و به صورت ابری رقیق دیده شود.

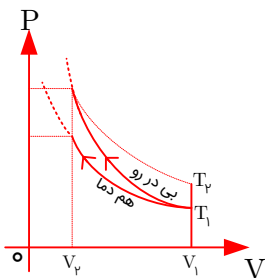
صفحه ۱۶۰

تمرین ۶-۵



مثال ۱۱-۵ را با فرض آنکه گاز به جای انبساط، تراکم یابد پاسخ دهید.

در شکل، دو منحنی هم دما برای دماهای T_1 و T_2 رسم شده‌اند. در تراکم هم‌دما، دما تغییر نمی‌کند. بنابراین گاز در مسیر (T_1) باقی می‌ماند ولی در تراکم بی‌دررو، چون دمای گاز افزایش می‌یابد گاز از مسیر (T_1) خارج و به دمایی بالاتر در مسیر (T_2) می‌رود. در اینجا چون سطح زیر نمودار فرآیند بی‌دررو بیشتر است $|W|$ برای این فرآیند مقدار بیشتری دارد.





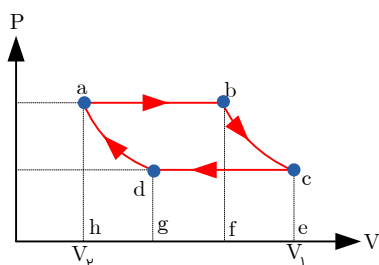
سرنگ آتش‌زنه استوانه‌ای کوچکی است مجهز به پیستونی که کاملاً بر سطح داخلی استوانه منطبق است. در فضای محبوس داخل سرنگ فقط هوا و تکه کاغذ کوچکی قرار دارد. با راندن سریع پیستون به داخل و تراکم بی‌درروی هوای محبوس، تکه کاغذ مشتعل می‌شود. معمولاً از کاغذ نیتروسولوز در این آزمایش استفاده می‌شود که نقطه‌ی اشتعال بسیار پایینی دارد. چرا کاغذ در این فرآیند آتش می‌گیرد؟

می‌دانیم در تراکم بی‌درروی دمای گاز افزایش می‌یابد بنابراین اگر تراکم سرنگ سریع و مقدار آن زیاد باشد، دمای هوای داخل سرنگ به حدی افزایش می‌یابد که باعث اشتعال کاغذ درون سرنگ می‌شود.



شکل روبه‌رو یک چرخه‌ی ترمودینامیکی فرضی را نشان می‌دهد.

الف) کار انجام شده روی دستگاه در هر فرآیند را بر حسب سطح زیر نمودار آن بیان کنید.



$$\begin{aligned} |W_{ab}| &= S_{abfh} \xrightarrow{\text{انبساط}} W_{ab} = -S_{avfh} \\ |W_{cd}| &= S_{cdge} \xrightarrow{\text{تراکم}} W_{cd} = +S_{cdge} \\ |W_{bc}| &= S_{bcef} \xrightarrow{\text{انبساط}} W_{bc} = -S_{bcef} \\ |W_{da}| &= S_{dahg} \xrightarrow{\text{تراکم}} W_{da} = +S_{dahg} \end{aligned}$$

ب) نشان دهید مقدار کار کل انجام شده روی دستگاه برابر با مساحت داخل چرخه است.

$$W_t = W_{ab} + W_{bc} + W_{cd} + W_{da} = -S_{abfh} - S_{bcef} + S_{cdge} + S_{dahg} = -S_{abceh} + S_{adceh} = -S_{abcd}$$

$$\Rightarrow W_t = -S_{abcd} = -S_{\text{چرخه}}$$

پ) کار کل انجام شده روی دستگاه مثبت است یا منفی؟ توضیح دهید.

چون مساحت زیر نمودار در بخش انبساط (abc) بزرگ‌تر از مساحت زیر نمودار در بخش تراکم cda است. بنابراین کار انجام شده بر روی دستگاه در این چرخه منفی است:

$$W_t = -S_{\text{چرخه}}$$



در مورد ماشین‌های بخاری که امروز در نیروگاه‌های گرمایی (حرارتی) استفاده می‌شود و نحوه‌ی کارکرد آنها تحقیق کنید و نتیجه تحقیق را در کلاس ارائه نمایید.

دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با مراجعه به سایت www.mechanism.ir و جستجوی عبارت «توربین بخار چیست» و «توربین چیست» در قسمت جستجو در سایت، تصاویر و توضیحاتی را در مورد توربین‌های بخار نیروگاه‌های حرارتی به دست آورند.



قایق پوت-پوت، نوعی قایق اسباب‌بازی است که اساس کار آن مانند ماشین‌های برون‌سوز است. در مورد این قایق‌های اسباب‌بازی تحقیق کرده و سعی کنید آن را بسازید.

در این قایق‌ها، مخزنی از آب قرار دارد که توسط یک ماده اشتعال‌زا مانند الکل یا شمع، گرم و به نقطه‌ی جوش می‌رسد. فشار بخارآبی که از انتهای قایق خارج می‌شود نیروی پیشران آن را تأمین می‌کند. (دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با مراجعه به سایت www.aparat.com مراحل ساخت قایق بخار را آموزش ببینند.)



با فرض آنکه بتوان ضریب عملکرد یک یخچال را با ضریب عملکرد یخچال کارنو توصیف کرد، به گمان شما یک کولر گازی در آب و هوای معتدل بهتر کار می‌کند، یا در آب و هوای گرم؟

در آب و هوای معتدل بهتر کار می‌کند. زیرا هر قدر دمای منبع گرم T_H (دمای هوای بیرون) بیشتر باشد مقدار $T_H - T_L$ بیشتر

است بنابراین با افزایش مقدار مخرج در رابطه $K = \frac{T_L}{T_H - T_L}$ ضریب عملکرد کاهش می‌یابد.

۴-۵ انرژی درونی و قانون اول ترمودینامیک

۱) ظرفی شامل $3/0 \text{ kg}$ آب است. با هم زدن آب داخل ظرف، 40 kJ کار روی آن انجام می‌دهیم و در این مدت 31 kJ گرما از ظرف به بیرون منتقل می‌شود. انرژی درونی آب چقدر تغییر می‌کند؟

طبق قانون اول ترمودینامیک داریم:

$$W = 40 \text{ kJ}, \quad Q = -31 \text{ kJ}, \quad \Delta U = ?$$

$$\Delta U = Q + W = -31 + 40 = 9 \text{ kJ} \rightarrow \Delta U = 9 \text{ kJ}$$

۵-۵ برخی فرآیندهای ترمودینامیکی

۲) الف) در فرآیند هم حجم چگونه می‌توان فشار گاز را افزایش یا کاهش داد؟

در فرآیند هم حجم با افزایش دما، فشار گاز افزایش و با کاهش دما، فشار گاز کاهش می‌یابد.

ب) در فرآیند هم فشار چگونه می‌توان حجم گاز را افزایش یا کاهش داد؟

در فرآیند هم فشار اگر دما افزایش یابد، حجم گاز افزایش و اگر دما کاهش یابد، حجم گاز کاهش می‌یابد.

۳) ته یک سرنگ را که دسته‌ی آن می‌تواند آزادانه حرکت کند مسدود می‌کنیم، آن را درون مقداری آب می‌اندازیم و آب را به تدریج گرم می‌کنیم. هوای درون سرنگ چه فرآیندی را طی می‌کند؟

فرآیند انبساط هم‌فشار

۴) حجم 50°C مول از یک گاز آرمانی تک اتمی $8/3$ لیتر و فشار آن $1/5$ اتمسفر است.

الف) مقداری گرما به گاز می‌دهیم تا فشار آن از طریق یک فرآیند هم حجم دو برابر شود. کار و گرمای مبادله شده را برای این فرآیند محاسبه کنید.

$$n = 0/5 \text{ mol}, \quad \text{گاز تک اتمی}, \quad V_1 = 8/3 \text{ L} = 8/3 \times 10^{-3} \text{ m}^3, \quad P_1 = 1/5 \text{ atm} = 1/5 \times 10^5 \text{ Pa}$$

$$\text{فرایند هم حجم}, \quad P_2 = 2P_1 = 2 \times 1/5 \times 10^5 = 2/5 \times 10^5 \text{ Pa}, \quad W = ?, \quad Q = ?$$

کارهای انجام شده در فرآیند هم حجم صفر است بنابراین: $W = 0$

گرمای مبادله شده در فرآیند هم حجم برابر است با:

$$Q = nC_V \Delta T = n \times \frac{3}{2} R(T_2 - T_1) = \frac{3}{2} (nRT_2 - nRT_1) = \frac{3}{2} (P_2 V_2 - P_1 V_1) \rightarrow Q = \frac{3}{2} V \Delta P$$

$$\rightarrow Q = \frac{3}{2} \times 8/3 \times 10^{-3} \times (2/5 - 1/5) \times 10^5 = 18/675 \times 10^2 \text{ J} \rightarrow Q = 1/9 \times 10^3 \text{ J}$$

ب) اگر به جای گرما دادن به گاز مقداری گرما از گاز بگیریم تا حجم آن در طی یک فرآیند هم فشار نصف شود، کار و گرمای مبادله شده در این فرآیند چقدر می‌شود؟

$$\text{فرایند هم فشار}, \quad V_1 = 8/3 \times 10^{-3} \text{ m}^3, \quad V_2 = \frac{1}{2} V_1 = \frac{1}{2} \times 8/3 \times 10^{-3} = 4/15 \times 10^{-3} \text{ m}^3, \quad W = ?, \quad Q = ?$$

کار انجام شده در فرآیند هم‌فشار برابر است با:

$$W = -P \Delta V = -1/5 \times 10^5 \times (4/15 - 8/3) \times 10^{-3} = +6/225 \times 10^2 \text{ J} \rightarrow W = 6/2 \times 10^2 \text{ J}$$

گرمای مبادله شده در فرآیند هم فشار نیز برابر است با:

$$Q = nC_P \Delta T = n \times \frac{5}{2} R(T_2 - T_1) = \frac{5}{2} (nRT_2 - nRT_1) = \frac{5}{2} (P_2 V_2 - P_1 V_1) \rightarrow Q = \frac{5}{2} P \Delta V$$

$$Q = \frac{5}{2} \times 1/5 \times 10^5 \times (4/15 - 8/3) \times 10^{-3} = 15/5625 \times 10^2 \text{ J} \rightarrow Q = 1/6 \times 10^3 \times 10^2 \text{ J}$$

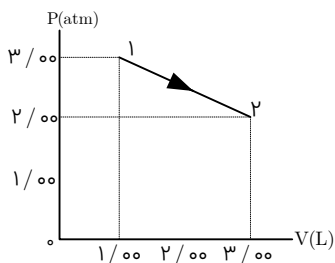
نکته: برای گازهای تک‌اتمی گرمای مبادله شده در فرایند هم حجم را می‌توان از رابطه $Q_{\text{هم حجم}} = \frac{3}{2} V \Delta P$ و گرمای مبادله شده در

فرایند هم فشار را می‌توان از رابطه $Q_{\text{هم فشار}} = \frac{5}{2} P \Delta V$ به دست آورد.

نکته: برای گازهای دو اتمی نیز گرمای مبادله شده در فرایند هم حجم از رابطه $Q_{\text{هم حجم}} = \frac{5}{2} V \Delta P$ و هم فشار از رابطه

$$Q_{\text{هم فشار}} = \frac{7}{2} P \Delta V \text{ به دست می‌آید.}$$

(۵) نمودار P-V ی گازی رقیق در شکل روبه‌رو نشان داده شده است. در این فرایند با فرض آنکه انرژی درونی در نقطه‌ی (۱) برابر ۴۵۶ J و در نقطه‌ی (۲) برابر ۹۱۲ J باشد، چقدر گرما مبادله شده است؟ آیا گاز گرما گرفته است یا از دست داده است؟



با توجه به انرژی درونی اولیه و نهایی، تغییر انرژی درونی فرایند برابر است با:

$$U_1 = 456 \text{ J}, U_2 = 912 \text{ J} \rightarrow \Delta U = U_2 - U_1 = 912 - 456 = 456 \text{ J} \rightarrow \Delta U = 456$$

برای محاسبه گرمای مبادله شده ابتدا باید کار انجام شده در این فرایند را محاسبه کنیم که برابر است با مساحت سطح زیر نمودار P-V:

$$|W|_{\text{چرخه}} = S_{\text{دو زنگه}} = \frac{\text{ارتفاع} \times \text{مجموع دو قاعده}}{2} = \frac{(2 + 3) \times 10^5 \times (3 - 1) \times 10^{-3}}{2} = \frac{5 \times 10^5 \times 2 \times 10^{-3}}{2} \\ = 500 \times 10^2 = 500 \text{ J} \rightarrow |W| = 500 \text{ J}$$

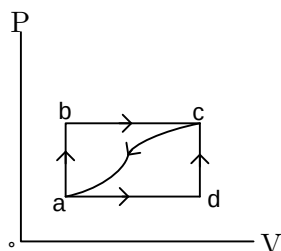
چون در این فرایند گاز منبسط شده علامت کار منفی است: $W = -500 \text{ J}$

حال با دانستن تغییر انرژی درونی و کار انجام شده و با استفاده از قانون اول ترمودینامیک، گرمای مبادله شده برابر است با:

$$Q = \Delta U - W = 456 - (-500) = 456 + 500 = 956 \text{ J} \rightarrow Q = 956 \text{ J}$$

علامت Q مثبت است بنابراین گاز در این فرایند گرما گرفته است.

(۶) گازی مطابق شکل، از طریق مسیر abc از حالت a به c می‌رود. گاز در این مسیر، ۹۰ ژول گرما می‌گیرد و ۷۰ ژول کار انجام می‌دهد.



(الف) تغییر انرژی درونی گاز در مسیر abc چقدر است؟

$$Q = +90 \text{ J}, W = -70 \text{ J} \rightarrow \Delta U = Q + W = 90 - 70 = 20 \text{ J} \rightarrow \Delta U = 20 \text{ J}$$

(ب) اگر برای رسیدن به حالت c فرایند از مسیر adc انجام شود، کار انجام شده توسط گاز در مقایسه با مسیر abc بیشتر است یا کمتر؟ گرمای داده شده به گاز بیشتر است یا کمتر؟

چون مساحت سطح زیر نمودار در مسیر adc کمتر است. www.konkur.in نقاط ابتدا و انتهای هر دو مسیر مشترک است پس تغییر انرژی درونی هر دو مسیر یکسان است؛ از طرفی چون گاز در مسیر adc کار کمتری را انجام داده است، گرمای کمتری نیز دریافت کرده است.

پ) اگر گاز را از مسیر خمیده از حالت c به حالت a برگردانیم، چقدر باید از آن انرژی بگیریم؟
انرژی که از گاز در مسیر c به a گرفته می‌شود برابر با تغییر انرژی درونی گاز در این مسیر است، بنابراین:

$$\Delta U_{a \rightarrow c} = 20 \text{ J} \rightarrow \Delta U_{c \rightarrow a} = -20 \text{ J}$$

(۷) ۱۲/۰g گاز اکسیژن (O_2) در فشار متعارف جو ($1/01 \times 10^5 \text{ Pa}$) از $25/0^\circ \text{C}$ تا 125°C گرم می‌شود. نسبت تغییر انرژی درونی گاز به گرمای داده شده به آن را به دست آورید.

روش اول:

$$\left. \begin{array}{l} \Delta U = nC_V \Delta T: \text{تغییر انرژی درونی در هر فرایند} \\ Q = nC_P \Delta T: \text{گرمای مبادله شده در فرایند هم فشار} \end{array} \right\} \rightarrow \frac{\Delta U}{Q} = \frac{nC_V \Delta T}{nC_P \Delta T} = \frac{C_V}{C_P} \Rightarrow \frac{\Delta U}{Q} = \frac{21/2}{29/4} = 0/721$$

روش دوم: برای اکسیژن داریم:

$$C_V = 21/2 \frac{\text{J}}{\text{mol.K}}, C_P = 29/4 \frac{\text{J}}{\text{mol.K}}, M_{O_2} = 32 \frac{\text{g}}{\text{mol}}, \Delta T = 125 - 25 = 100 \text{ K}, m = 12 \text{ g}$$

$$n = \frac{m}{M} = \frac{12}{32} = \frac{3}{8} \text{ mol} \rightarrow n = \frac{3}{8} \text{ mol}_{n_2}$$

$$\left. \begin{array}{l} \Delta U = nC_V \Delta T = \frac{3}{8} \times 21/2 \times 100 = \frac{6360}{8} \text{ J} \\ \Delta Q = nC_P \Delta T = \frac{3}{8} \times 29/4 \times 100 = \frac{8820}{8} \text{ J} \end{array} \right\} \rightarrow \frac{\Delta U}{Q} = \frac{6360}{8820} = \frac{636}{882} \simeq 0/7 \rightarrow \frac{\Delta U}{Q} = 0/721$$

(۸) یک مکعب آلومینیومی توپُر به ضلع $20/0 \text{ cm}$ از $50/0^\circ \text{C}$ تا $150/0^\circ \text{C}$ در فشار متعارف جو ($1/01 \times 10^5 \text{ Pa}$) گرم می‌شود. کار انجام شده توسط مکعب و تغییر انرژی درونی آن را محاسبه کنید.

$$V_1 = 20 \times 20 \times 20 = 8000 \text{ cm}^3, \Delta T = 150 - 50 = 100 \text{ K}, P = 1/01 \times 10^5 \text{ Pa}, \text{فشار ثابت است,}$$

$$\alpha_{AL} = 23 \times 10^{-6} \frac{1}{\text{K}}, c_{AL} = 900 \frac{\text{J}}{\text{mol.K}}, \rho_{AL} = 2/7 \times 10^3 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

ابتدا تغییر حجم جسم را از رابطه انبساط حجمی جامدها محاسبه می‌کنیم:

$$\Delta V = V_1(\alpha \Delta T) = 8000 \times 23 \times 10^{-6} \times 100 = 55/2 \text{ cm}^3 \rightarrow \Delta V = 55/2 \times 10^{-6} \text{ m}^3$$

کار انجام شده در فرایند هم فشار برابر است با:

$$W = -P\Delta V = -1/01 \times 10^5 \times 55/2 \times 10^{-6} = -5/57 \text{ J} \rightarrow W = -5/57 \text{ J} \rightarrow \text{کار انجام شده توسط مکعب}$$

برای محاسبه تغییر انرژی درونی مکعب با استفاده از قانون اول ترمودینامیک ($\Delta U = Q + W$) به گرمای داده شده به مکعب نیاز داریم:

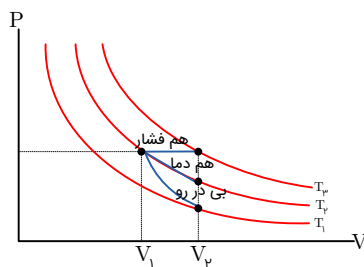
$$\left\{ \begin{array}{l} Q = mc_{AL} \Delta \theta = 21/6 \times 900 \times 100 = 194/4 \times 10^4 \text{ J} \rightarrow Q = 1/94 \times 10^6 \text{ J} \\ m = \rho V = 2/7 \times 10^3 \times 8000 \times 10^{-6} = 21/6 \text{ kg} \end{array} \right.$$

کار انجام شده توسط مکعب نسبت به گرمای داده شده به آن بسیار ناچیز است؛ بنابراین با صرف نظر کردن از کار انجام شده توسط مکعب داریم:

$$\Delta U = Q + W \xrightarrow{W=0} \Delta U = Q = 1/94 \times 10^6 \text{ J}$$

نتیجه: در جامدها تقریباً تمامی گرمای داده شده به جسم صرف تغییر انرژی درونی آن می‌شود.

۹) مطابق شکل روبه‌رو، حجم گازی آرمانی طی سه فرآیند هم‌فشار، هم‌دما و بی‌دررو از V_1 به حجم بزرگ‌تر V_2 می‌رسد.



الف) اندازه‌ی کار انجام شده توسط گاز را در این سه فرآیند مقایسه کنید.

با توجه به مساحت سطح زیر نمودار در سه فرآیند داریم:

$$|W_{\text{هم فشار}}| > |W_{\text{هم دما}}| > |W_{\text{بی دررو}}|$$

ب) دمای نهایی را در این فرآیندها مقایسه کنید.

مطابق نمودار $T_3 > T_2 > T_1$ بنابراین:

$$T_{\text{بی دررو}} > T_{\text{هم دما}} > T_{\text{هم فشار}}$$

پ) گرمای داده شده به گاز را در این فرآیندها مقایسه کنید.

در فرآیند بی‌دررو $Q = 0$

در فرآیند هم‌دما داریم:

$$\Delta U = 0 \Rightarrow Q = -W \Rightarrow Q_{\text{هم دما}} > 0$$

در فرآیند هم‌فشار داریم:

$$Q_{\text{هم فشار}} = nC_P \Delta T = \frac{C_P}{R} nR \Delta T = \frac{C_P}{R} P \Delta V = \frac{C_P}{R} |W_{\text{هم فشار}}|$$

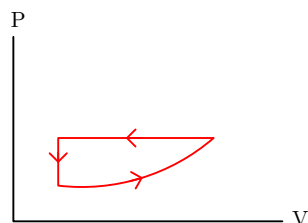
$$Q_{\text{هم دما}} = |W_{\text{هم دما}}|$$

$$Q_{\text{هم فشار}} = \frac{C_P}{R} |W_{\text{هم فشار}}| \Rightarrow \frac{Q_{\text{هم فشار}}}{Q_{\text{هم دما}}} = \frac{C_P}{R} > 1$$

$$Q_{\text{هم فشار}} > Q_{\text{هم دما}} > Q_{\text{بی دررو}} = 0$$

۶-۵ چرخه‌ی ترمودینامیکی

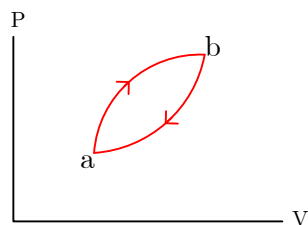
۱۰) برای چرخه‌ی گازی که نمودار P-V آن در اینجا نشان داده شده است، ΔU ، گاز، W و Q مثبت است یا منفی و یا برابر صفر است؟



تغییر انرژی درونی در یک چرخه صفر است بنابراین $\Delta U = 0$

چرخه پادساعتگرد است بنابراین کار انجام شده در چرخه مثبت است (W مثبت)

$$\Delta U = 0 \rightarrow Q + W = 0 \rightarrow Q = -W \rightarrow Q < 0$$



(الف) تعیین کنید که گاز در این چرخه گرما گرفته یا از دست داده است؟

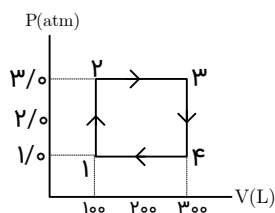
$$Q = -W$$

گاز گرما گرفته است. $Q > 0 \rightarrow W < 0 \rightarrow$ چرخه ساعتگرد

(ب) اگر مقدار گرمای مبادله شده در این چرخه ۴۰۰ ج باشد، کار انجام شده روی گاز چقدر است؟

$$Q = 400 \text{ J}, \text{ در چرخه, } Q = -W \rightarrow W = -Q = -400 \rightarrow W = -400 \text{ J}$$

(۱۲) یک گاز کامل دو اتمی چرخه‌ی نشان داده شده در شکل زیر را می‌پیماید. دمای گاز در حالت (۱) برابر ۲۰۰ K است.



(الف) دما در سه نقطه‌ی دیگر چقدر است؟

$$\frac{P_1 V_1}{T_1} = \frac{P_2 V_2}{T_2} \xrightarrow{\text{فرایند ۱ به ۲ هم حجم}} \frac{P_1}{T_1} = \frac{P_2}{T_2} \rightarrow \frac{1}{200} = \frac{2}{T_2} \rightarrow T_2 = 400 \text{ K}$$

$$\frac{P_2 V_2}{T_2} = \frac{P_3 V_3}{T_3} \xrightarrow{\text{فرایند ۲ به ۳ هم فشار}} \frac{V_2}{T_2} = \frac{V_3}{T_3} \rightarrow \frac{100}{400} = \frac{300}{T_3} \rightarrow T_3 = 1200 \text{ K}$$

$$\frac{P_3 V_3}{T_3} = \frac{P_4 V_4}{T_4} \xrightarrow{\text{فرایند ۳ به ۴ هم حجم}} \frac{P_3}{T_3} = \frac{P_4}{T_4} \rightarrow \frac{2}{1200} = \frac{1}{T_4} \rightarrow T_4 = 600 \text{ K}$$

(ب) کار انجام شده در چرخه چقدر است؟

$$|W| = S = (3-1) \times 10^5 \times (300-100) \times 10^{-3} = 2 \times 10^5 \times 200 \times 10^{-3} = 400 \times 10^2 \text{ J} = 4 \times 10^4 \text{ J}$$

$$\rightarrow \text{چرخه ساعتگرد} \rightarrow W = -4 \times 10^4 \text{ J}$$

(پ) در چه فرآیندهایی گاز گرما گرفته است؟

با توجه به رابطه‌های $Q = nC_V \Delta T$ هم‌حجم و $Q = nC_P \Delta T$ هم‌فشار، در فرایندهای هم‌حجم و هم‌فشار گرمای مبادله شده با افزایش دما مثبت و با کاهش دما منفی است بنابراین:

گاز گرما گرفته است $\rightarrow Q > 0 \rightarrow$ افزایش دما فرایند ۱ به ۲

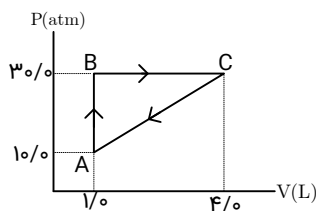
گاز گرما گرفته است $\rightarrow Q > 0 \rightarrow$ افزایش دما فرایند ۲ به ۳

(ت) در چه فرآیندهایی گاز گرما از دست داده است؟

گاز گرما از دست داده است. $\rightarrow Q < 0 \rightarrow$ کاهش دما فرایند ۳ به ۴

گاز گرما از دست داده است. $\rightarrow Q < 0 \rightarrow$ کاهش دما فرایند ۴ به ۱

۱۳) گاز داخل یک استوانه، چرخه‌ای مطابق شکل روبه‌رو را می‌پیماید. گرمای مبادله شده در این چرخه چند ژول است؟



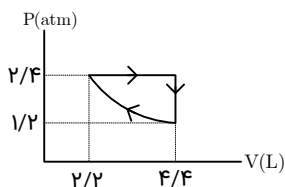
با توجه به اینکه در یک چرخه $Q = -W$ برای محاسبه گرمای مبادله شده در یک چرخه باید کار انجام شده در چرخه را محاسبه کنیم:

$$|W_{\text{چرخه}}| = S_{\text{مثلث}} = \frac{(3.0 - 1.0) \times 1.0^5 \times (4 - 1) \times 10^{-3}}{2} = \frac{2.0 \times 1.0^5 \times 3 \times 10^{-3}}{2} = 3000 \text{ J}$$

چرخه ساعتگرد $\rightarrow W = -3000 \text{ J}$

$$Q = -W = -(-3000) = +3000 \text{ J} \rightarrow Q = 3000 \text{ J}$$

۱۴) دستگاهی متشکل از 32 mol / گاز کامل تک اتمی حجمی برابر 2 L / را در فشار $2 / 4 \text{ atm}$ اشغال کرده است. این دستگاه چرخه‌ای مطابق شکل را می‌پیماید که در آن فرآیند CA فرآیندی هم دما است.



الف) دما در نقاط A، B و C چقدر است.

$$n = 32 \text{ mol} , R \simeq 8 \frac{\text{J}}{\text{mol.K}}$$

$$\text{در نقطه A: } P_A V_A = nRT_A \rightarrow T_A = \frac{P_A V_A}{nR} = \frac{2/4 \times 10^5 \times 2/2 \times 10^{-3}}{32 \times 8} = 206 / 25 \text{ K}$$

$$\text{فرایند A به B هم فشار} \quad \frac{P_A V_A}{T_A} = \frac{P_B V_B}{T_B} \rightarrow \frac{V_A}{T_A} = \frac{V_B}{T_B} \rightarrow \frac{2/2}{206/25} = \frac{4/4}{T_B}$$

$$\rightarrow T_B = \frac{4/4 \times 206/25}{2/2} = 412 / 5 \text{ K} \rightarrow T_B = 412 / 5 \text{ K}$$

$$\text{فرایند B به C هم حجم} \quad \frac{P_B V_B}{T_B} = \frac{P_C V_C}{T_C} \rightarrow \frac{P_B}{T_B} = \frac{P_C}{T_C} \rightarrow \frac{2/4}{412/5} = \frac{1/2}{T_C}$$

$$\rightarrow T_C = \frac{412/5 \times 1/2}{2/4} = 206 / 25 \text{ K} \rightarrow T_C = 206 / 25 \text{ K}$$

ب) ΔU را برای هر یک از سه فرآیند چرخه به دست آورید.

تغییر انرژی درونی در همه فرایندها از رابطه $\Delta U = nC_V \Delta T$ به دست می‌آید:

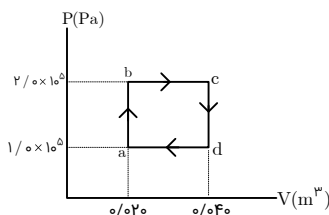
$$n = 32 \text{ mol} , C_V = \frac{3}{2} R$$

$$\Delta U_{AB} = nC_V(T_B - T_A) = 32 \times \frac{3}{2} \times 8 \times (412/5 - 206/25) = 792 \text{ J} \rightarrow \Delta U_{AB} = 792 \text{ J}$$

$$\Delta U_{BC} = nC_V(T_C - T_B) = 32 \times \frac{3}{2} \times 8 \times (206/25 - 412/5) = -792 \text{ J} \rightarrow \Delta U_{BC} = -792 \text{ J}$$

$$\Delta U_{CA} = 0 \rightarrow \text{فرایند CA هم دما است.}$$

(۱۵) یک مول از یک گاز کامل تک اتمی در یک ماشین گرمایی آرمانی، چرخه‌ای را مطابق شکل روبه‌رو می‌پیماید. مطلوب است:



الف) کار انجام شده توسط ماشین گرمایی در پیمودن یک چرخه.

کار انجام شده در یک چرخه برابر است با مساحت داخل چرخه بنابراین:

$$|W_{\text{چرخه}}| = S = (2 - 1) \times 10^5 \times (0/04 - 0/02) = 2000 \xrightarrow{\text{چرخه ساعتگرد}} W = -2000 \text{ J}$$

ب) گرمای مبادله شده در فرآیند abc.

$$Q_{abc} = Q_{ab} + Q_{bc}$$

$$\text{فرایند ab هم‌حجم است.} \rightarrow Q_{ab} = \frac{3}{2} V \Delta P = \frac{3}{2} \times 0/02 \times (2 - 1) \times 10^5 = 3000 \text{ J} \rightarrow 3/0 \text{ kJ}$$

$$\text{فرایند bc هم‌فشار است.} \rightarrow Q_{bc} = \frac{5}{2} P \Delta V = \frac{5}{2} \times 2 \times 10^5 \times (0/04 - 0/02) = 10000 \text{ J} \rightarrow Q_{bc} = 10 \text{ kJ}$$

$$\rightarrow Q_{abc} = 3/0 + 10 = 13 \text{ kJ} \rightarrow Q_{abc} = 13 \text{ kJ}$$

پ) گرمای مبادله شده در فرایند cda

$$Q_{cda} = Q_{cd} + Q_{da}$$

$$\text{فرایند cd هم‌حجم است.} \rightarrow Q_{cd} = \frac{3}{2} V \Delta P = \frac{3}{2} \times 0/04 \times (1 - 2) \times 10^5 = -6000 \text{ J} \rightarrow Q_{cd} = -6/0 \text{ kJ}$$

$$\text{فرایند da هم‌فشار است.} \rightarrow Q_{da} = \frac{5}{2} P \Delta V = \frac{5}{2} \times 1 \times 10^5 \times (0/02 - 0/04) = -5000 \text{ J} \rightarrow Q_{da} = -5/0 \text{ kJ}$$

$$\rightarrow Q_{cda} = -6/0 - 5/0 = -11 \text{ kJ} \rightarrow Q_{cda} = -11 \text{ kJ}$$

ت) تغییر انرژی درونی در فرآیند abc

$$\Delta U_{abc} = \Delta U_{ab} + \Delta U_{bc} = (Q_{ab} + W_{ab}) + (Q_{bc} + W_{bc})$$

$$\text{فرایند ab هم‌حجم است.} \rightarrow W_{ab} = 0$$

$$\text{فرایند bc هم‌فشار است.} \rightarrow W_{bc} = -P \Delta V = -2 \times 10^5 \times (0/04 - 0/02) = -4/0 \text{ kJ} \rightarrow W_{bc} = -4 \text{ kJ}$$

$$\Delta U_{abc} = (3/0 + 0) + (10 - 4/0) = 9/0 \text{ kJ} \rightarrow \Delta U_{abc} = 9/0 \text{ kJ}$$

(۱۶) یک ماشین گرمایی آرمانی در هر چرخه ۱۰۰ گرم از منبع دما بالا می‌گیرد و ۶۰ گرم به منبع دما پایین می‌دهد.

الف) بازده این ماشین چقدر است؟

$$Q_H = 100 \text{ J}, \quad Q_L = -60 \text{ J}, \quad t = 0/5 \text{ s}, \quad \eta = ?, \quad P = ?$$

$$\eta = 1 - \frac{|Q_L|}{Q_H} = 1 - \frac{60}{100} = 1 - 0/6 = 0/4 \rightarrow \eta = 40\%$$

ب) اگر هر چرخه ۵۰۰ s طول بکشد، توان خروجی این ماشین چقدر است؟

$$|W| = Q_H - |Q_L| = 100 - 60 = 40 \text{ J}, \quad P = \frac{|W|}{t} = \frac{40}{0/5} = 80 \text{ W} \rightarrow P = 80 \text{ W}$$

۱۷) بازدهی یک ماشین آرمانی ۲۵٪ درصد است و در هر چرخه ۸/۲×۱۰³ J کار انجام می‌دهد.

الف) Q_H و Q_L را در هر چرخه ماشین به دست آورید.

$$\eta = \frac{W}{Q_H} = 0.25, |W| = 8/2 \times 10^3 J, Q_H = ?, Q_L = ?$$

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} \rightarrow Q_H = \frac{|W|}{\eta} = \frac{8/2 \times 10^3}{0.25} = 32/1 \times 10^3 J \rightarrow Q_H = 32/1 \times 10^3 J$$

$$Q_H = |W| + |Q_L| \rightarrow |Q_L| = Q_H - |W| = 32/1 \times 10^3 - 8/2 \times 10^3 = 24/1 \times 10^3 J \rightarrow |Q_L| = 24/1 \times 10^3 J$$

ب) اگر با تنظیم موتور، بازدهی ماشین به ۳۰٪ درصد افزایش یابد، Q_H و Q_L به ازای همان مقدار کار چقدر می‌شود؟

$$\eta = \frac{W}{Q_H} = 0.3, |W| = 8/2 \times 10^3 J, Q_H = ?, Q_L = ?$$

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} \rightarrow Q_H = \frac{|W|}{\eta} = \frac{8/2 \times 10^3}{0.3} \simeq 27/3 \times 10^3 J \rightarrow Q_H \simeq 27/3 \times 10^3 J$$

$$|Q_L| = Q_H - |W| = 27/3 \times 10^3 - 8/2 \times 10^3 = 19/1 \times 10^3 J \rightarrow |Q_L| = 19/1 \times 10^3 J$$

۱۸) یک ماشین بخار در هر دقیقه ۱/۵×۱۰⁵ MJ گرما از دیگ بخار دریافت می‌کند و ۹/۰×۱۰⁴ MJ گرما در چگالنده از دست می‌دهد. با فرض آرمانی بودن این ماشین:

الف) کار انجام شده توسط ماشین در هر دقیقه چند مگاژول است؟

$$Q_H = 1/5 \times 10^5 MJ, |Q_L| = 9/0 \times 10^4 MJ = 0/9 \times 10^5 MJ, |W| = ?$$

$$|W| = Q_H - |Q_L| = 1/5 \times 10^5 - 0/9 \times 10^5 = 0/6 \times 10^5 MJ \rightarrow |W| = 6 \times 10^4 MJ$$

ب) بازده این ماشین چقدر است؟

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} = \frac{6 \times 10^4}{1/5 \times 10^5} = 0/3 = 30\% \rightarrow \eta = 30\%$$

۱۹) یک ماشین گرمایی درون‌سوز در هر چرخه ۸/۰۰۰ kJ گرما از سوزاندن سوخت دریافت می‌کند و ۲/۰۰۰ kJ کار تحویل می‌دهد. گرمای حاصل از سوخت ۵/۰×۱۰⁴ J/g است و ماشین در هر ثانیه ۴۰٪ چرخه را می‌پیماید. کمیت‌های زیر را حساب کنید.

الف) بازده ماشین.

$$Q_H = 8 kJ = 8 \times 10^3 J, |W| = 2 kJ = 2 \times 10^3 J, \text{ گرمای سوخت} = 5 \times 10^4 \frac{J}{g}, \text{ هر ثانیه } 40 \text{ چرخه}$$

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} = \frac{2 \times 10^3}{8 \times 10^3} = 0.25 \rightarrow \eta = 25\%$$

ب) با فرض آرمانی بودن ماشین، گرمای تلف شده در هر چرخه.

$$|Q_L| = Q_H - |W| = 8 \times 10^3 - 2 \times 10^3 = 6 \times 10^3 J \rightarrow |Q_L| = 6 \times 10^3 J$$

پ) سوخت مصرف شده در هر چرخه.

$$\frac{1}{x} = \frac{5 \times 10^4}{8 \times 10^3} \rightarrow x = \frac{8 \times 10^3}{5 \times 10^4} = 0.16 g \rightarrow x = 0.16 g$$

ت) توان ماشین.

$$|W| = 40 \times 2 \times 10^3 = 8 \times 10^4, t = 1 s, P = \frac{|W|}{t} \rightarrow P = \frac{8 \times 10^4}{1} = 8 \times 10^4 W \text{ توان ماشین}$$

(۲۰) مخترعی مدعی است ماشینی ساخته که بین نقطه‌های جوش (در فشار متعارف جو) و انجماد کار می‌کند و بازدهی آن ۷۰٪ درصد است. آیا ادعای این مخترع می‌تواند درست باشد؟ توضیح دهید.

بازده کارنوی ماشین گرمایی که بین این دو دما کار می‌کند را بدست می‌آوریم:

$$T_H = 100 + 273 = 373K, \quad T_L = 0 + 273 = 273K, \quad \eta = ?$$

$$\eta = 1 - \frac{T_L}{T_H} = 1 - \frac{273}{373} = 1 - 0.73 = 0.27 \rightarrow \eta = 27\%$$

با توجه به اینکه حداکثر بازده ماشین گرمایی که بین این دماها کار می‌کند، ۲۷ درصد است، ادعای این مخترع نادرست است.
(۲۱) می‌خواهیم بازده یک ماشین کارنو را افزایش دهیم. با مثالی عددی بررسی کنید آیا بهتر است که دمای منبع دما بالا را افزایش دهیم یا دمای منبع دما پایین را به همان مقدار کاهش دهیم؟
با فرض $T_H = 4K$ و $T_L = 2K$ بازده کارنو برابر است با:

$$\eta = 1 - \frac{T_L}{T_H} = 1 - \frac{2}{4} = 0.5$$

اگر دمای منبع بالا را یک درجه افزایش دهیم داریم:

$$\eta = 1 - \frac{2}{4+1} = \frac{3}{5} = 0.6$$

اگر دمای منبع پایین را یک درجه کاهش دهیم داریم:

$$\eta = 1 - \frac{1}{4} = \frac{3}{4} = 0.75$$

با توجه به نتایج به دست آمده در مثال فوق برای افزایش بازده ماشین کارنو بهتر است دمای منبع دما پایین را کاهش دهیم.
(۲۲) مخترعی ادعا می‌کند چهار ماشینساخته است که هر یک بین منبع‌های با دمای ۳۰۰K و ۴۰۰K کار می‌کنند. داده‌های هر ماشین در هر چرخه عبارت‌اند از:

ماشین A	$Q_H = 2000J$	$Q_L = -1750J$	$W = -400J$
ماشین B	$Q_H = 500J$	$Q_L = -200J$	$W = -400J$
ماشین C	$Q_H = 600J$	$Q_L = -200J$	$W = -400J$
ماشین D	$Q_H = 100J$	$Q_L = -90J$	$W = -10J$

با فرض آرمانی بودن این چهار ماشین:

الف) کدام یک از ماشین‌ها قانون اول ترمودینامیک را نقض می‌کنند؟

قانون اول ترمودینامیک همان قانون اول پایستگی انرژی است یعنی در هر ماشین گرمایی $Q_H = |Q_L| + |W|$ بنابراین:

ماشین A : $\begin{cases} |Q_L| + |W| = 1750 + 400 = 1790J \\ Q_H = 2000J \end{cases} \rightarrow Q_H \neq |Q_L| + |W| \rightarrow$ قانون اول نقض می‌شود

ماشین B : $\begin{cases} |Q_L| + |W| = 400 + 200 = 600J \\ Q_H = 500J \end{cases} \rightarrow Q_H \neq |Q_L| + |W| \rightarrow$ قانون اول نقض می‌شود

ماشین C : $\begin{cases} |Q_L| + |W| = 400 + 200 = 600J \\ Q_H = 600J \end{cases} \rightarrow Q_H = |Q_L| + |W| \rightarrow$ قانون اول برقرار است

ماشین D : $\begin{cases} |Q_L| + |W| = 10 + 90 = 100J \\ Q_H = 100J \end{cases} \rightarrow Q_H = |Q_L| + |W| \rightarrow$ قانون اول برقرار است

حداکثر بازده یک ماشین گرمایی که بین دو منبع گرم و سرد با دمای 300K و 400K کار می‌کند برابر است با:

$$\eta_{\text{کارنو}} = 1 - \frac{T_L}{T_H} = 1 - \frac{300}{400} = \frac{1}{4} = 0.25 \rightarrow \eta = 0.25$$

بازده ماشین‌های C و D را محاسبه کرده و با بازده کارنو مقایسه می‌کنیم، ماشینی قابل ساخت است که در آن هم قضیه کارنو و هم قانون اول ترمودینامیک برقرار باشد:

$$\eta_C = 1 - \frac{|Q_L|}{|Q_H|} = 1 - \frac{200}{600} = 1 - 0.33 = 0.67 \rightarrow \eta_C > \eta \rightarrow \text{قضیه کارنو برقرار نیست:}$$

$$\eta_D = 1 - \frac{|Q_L|}{|Q_H|} = 1 - \frac{900}{1000} = 1 - 0.9 = 0.1 \rightarrow \eta_D < \eta \rightarrow \text{قضیه کارنو برقرار است:}$$

(۲۳) یک ماشین کارنو بین دماهای 280K و 360K کار می‌کند. این ماشین در هر چرخه 750J گرما از منبع دما بالا می‌گیرد.

الف) در هر چرخه $|W|$ چقدر است؟

$$T_L = 280\text{K}, T_H = 360\text{K}, Q_H = 750\text{J}, |W| = ?, |Q_L| = ?$$

$$\eta_{\text{کارنو}} = 1 - \frac{T_L}{T_H} = 1 - \frac{280}{360} = 1 - \frac{28}{36} = \frac{8}{36} = \frac{2}{9}$$

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} \rightarrow |W| = \eta Q_H = \frac{2}{9} \times 750 = \frac{500}{3} \rightarrow |W| = \frac{500}{3}\text{J}$$

ب) در هر چرخه چقدر گرما به منبع دما پایین داده می‌شود؟

$$|Q_L| = Q_H - |W| \rightarrow |Q_L| = 750 - \frac{500}{3} = \frac{1750}{3} \rightarrow |Q_L| = \frac{1750}{3}\text{J}$$

۹-۵ قانون دوم ترمودینامیک و یخچال‌ها

(۲۴) قرار است نیم‌ساعت دیگر مهمانی برای شما برسد در حالی که هیچی یخی را برای نوشابه‌ی خود آماده نکرده‌اید. به سرعت 1L آب 10°C را در قالب‌های یخ می‌ریزید و در فریزر قرار می‌دهید. آیا در زمانی که مهمان می‌رسد، یخ خواهید داشت؟ ضریب عملکرد یخچال $4/0$ و توان آن 110W است. (فرض کنید تمامی انرژی یخچال صرف سرد کردن و یخ زدن آب می‌شود.)

$$V = 1\text{L} = 1 \times 10^{-3}\text{m}^3, c_{\text{آب}} = 4200 \frac{\text{J}}{\text{kg}\cdot\text{K}}, L_F_{\text{یخ}} = 333 / 7 \times 10^3 \frac{\text{J}}{\text{kg}}, \rho_{\text{آب}} = 1000 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3}$$

$$K = 4, P = 110\text{W}, t = ?$$

با استفاده از رابطه $\rho = \frac{m}{V}$ جرم آب را محاسبه می‌کنیم:

$$\rho = \frac{m}{V} \rightarrow m = \rho V = 1000 \times 1 \times 10^{-3} = 1\text{kg} \rightarrow m = 1\text{kg}$$

مقدار گرمایی که 1kg آب 10°C از دست می‌دهد تا به یخ 0°C تبدیل شود به صورت زیر به دست می‌آید:

$$Q = mc\Delta\theta - mL_F = 1 \times 4200 \times (0 - 10) - (1 \times 333 / 7 \times 10^3)$$

$$= -4200 - 333700 = -375900 \rightarrow |Q_L| = 375900\text{J}$$

کاری که یخچال از آب برای یخ زدن می‌گیرد:

کاری که یخچال برای یخ زدن آب انجام می‌دهد:

$$K = \frac{|Q_L|}{W} \rightarrow W = \frac{|Q_L|}{K} = \frac{375700}{4} = 93925J \rightarrow W = 93925J$$

زمانی که طول می کشد تا آب یخ بزند:

$$P = \frac{W}{t} \rightarrow t = \frac{W}{P} = \frac{93925}{110} = 853S \rightarrow t \simeq 14 \text{ min}$$

با توجه به اینکه تقریباً ۱۴ دقیقه طول می کشد تا همه آب به یخ 0°C تبدیل شود زمان کافی برای درست کردن یخ خواهیم داشت.

(۲۵) یک کولر گازی در هر دقیقه $9 \times 10^4 \text{ J}$ گرما از اتاق می گیرد و در همان مدت $1/3 \times 10^5 \text{ J}$ گرما به فضای بیرون می دهد. با فرض آرمانی بودن کولر،

الف) توان مصرفی این کولر چند وات است؟

$$t = 60s, \quad |Q_L| = 9 \times 10^4 \text{ J}, \quad Q_H = 13 \times 10^4 \text{ J}, \quad P = ?, \quad K = ?$$

برای بدست آوردن توان مصرفی کولر ابتدا باید کار انجام شده توسط کولر را محاسبه کرد:

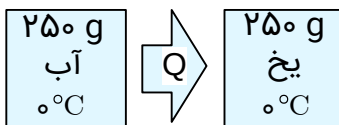
$$\text{در یخچال ها: } |Q_H| = Q_L + W \rightarrow W = |Q_H| - Q_L = 13 \times 10^4 - 9 \times 10^4 = 4 \times 10^4 \text{ J} \rightarrow W = 4 \times 10^4 \text{ J}$$

$$P = \frac{W}{t} = \frac{4 \times 10^4}{60} = \frac{2}{3} \times 10^3 \text{ W} \rightarrow P = \frac{2}{3} \times 10^3 \text{ W} \quad \text{توان مصرفی کولر}$$

ب) ضریب عملکرد آن چقدر است؟

$$K = \frac{|Q_L|}{W} = \frac{9 \times 10^4}{4 \times 10^4} = 2/25 \rightarrow K = 2/25 \quad \text{ضریب عملکرد کولر}$$

(۲۶) فرض کنید 250 g آب صفر درجه سلسیوس در اختیار داریم. می خواهیم با قرار دادن این آب در یخچال، یخ تهیه کنیم. یخچال در اتاقی قرار دارد که دمای آن 22°C است. دمای داخل یخچال در -5°C ثابت نگه داشته شده است. کمترین مقدار انرژی الکتریکی که باید به یخچال داده شود تا یخ صفر درجه ی سلسیوس تشکیل شود، چقدر است؟



$$m = 250\text{g} = 0/25\text{kg}, \quad T_H = 22 + 273 = 295\text{K}, \quad T_L = -5 + 273 = 268\text{K}, \quad W = ?$$

$$\text{یخ } 333/7 \times 10^3 \frac{\text{J}}{\text{kg}}$$

$$Q_L = -mL_F = -0/25 \times 333/7 \times 10^3 = -83425\text{J} \rightarrow Q_L = 83425\text{J}$$

کمترین مقدار انرژی داده شده به یخچال زمانی است که یخچال بیشترین بازده را داشته باشد: $K = K_{\text{کارنو}}$

ضریب عملکرد یخچال:

$$K_{\text{کارنو}} = \frac{T_L}{T_H - T_L} = \frac{268}{295 - 268} = \frac{268}{27} \simeq 10 \rightarrow K_{\text{کارنو}} = K = 10$$

$$K = \frac{|Q_L|}{W} \rightarrow W = \frac{|Q_L|}{K} = \frac{83425}{10} = 8342/5\text{J} \rightarrow W = 8342/5\text{J}$$